



المراة  
والدفاع والسلام  
تقويم الدراسات الاستراتيجية



Women,  
Defense & Peace  
Strategic Studies Calendar

فصلنامه مطالعات راهبردی

سال ۱، شماره ۱ پاییز ۱۴۰۳

شاپا: ۳۱۱۵-۷۴۹۱

مؤلفه‌ها و کارکردهای فرهنگ دفاع مقدس و دلالت‌های تربیتی آن در نسل جوان

مراد ترکاشوند، علی باباخانی

استراتژی فرهنگی دفاع مقدس و ارثه‌ی راهبردهای مدیریتی برای تداوم این فرهنگ در جامعه‌ی

ایران

فاطمه عزیزآبادی فراهانی، مریم السادات موسوی

جایگاه و نقش زنان در بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه

ابو محمد عسگر خانی، عبدالسلام تقی

گذری بر سیر تحول «سبک زندگی» در ایران و پیامدهای آن

زهرا قیداری

مدرنیته و بالا رفتن سن ازدواج

طهماسب علیپوریانی، فریده وکیلی

مطالعه و بررسی میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن خراسان شمالی

زهرا رضا پور

## شناسنامه اثر

فصلنامه مطالعات راهبردی ، زنان ، دفاع و صلح

سال ۱، شماره ۱، صفحات ۱-۱۱۵

نوع انتشار: فصلنامه

تعداد نشر: چهار شماره در سال

زمان نشر: پاییز ۱۴۰۳

تعداد مقاله: ۶ مقاله

1 صاحب امتیاز: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ، سازمان نشر آثار و ارزش های مشارکت زنان در دفاع مقدس

شاپا الکترونیکی: 3115-7491

سر دبیر: بهمن کارگر

مدیر مسئول: مریم شادی

مسئول سایت: فاطمه رضوی راد

## Components and functions of the culture of sacred defense and its educational implications for the young generation

Murad Tarkashvand<sup>1</sup>

Sardar Ali Babakhani<sup>2</sup>

### Abstract

2 history, attention to cultures has always been of great importance, and neglecting it has also led to irreparable damage. On the other hand, the culture that governs Iran is also an Islamic culture that has gained a special appearance with the emergence of the Islamic Revolution, and the era of sacred defense can be considered the origin of the emergence of this Islamic and revolutionary culture.

research is to examine the components and functions of the culture of sacred defense and extract its educational implications for the younger generation. The method of this research is descriptive-analytical. The findings indicate that the analysis of the culture of sacred defense has fruitful educational implications that can transform the country's education system and prevent the emergence of cultural aggression, which of course, the education system also plays a significant role in promoting this culture.

### Keywords

Culture, Sacred Defense, Education System, Function, Component

---

PhD student in Philosophy of Education, Kharazmi University of Tehran <sup>1</sup>

[morad.torkashvand92@gmail.com](mailto:morad.torkashvand92@gmail.com)

Head of the Sacred Defense Research Institute. This article is taken from the Kasr Khedmat project <sup>2</sup> entitled "Explanation of the foundations, components and functions of sacred culture and its educational ".implications for the young generation

## مؤلفه‌ها و کارکردهای فرهنگ دفاع مقدس و دلالت‌های تربیتی آن در نسل جوان

مراد ترکاشوند<sup>۳</sup>

سردار علی باباخانی<sup>۴</sup>

چکیده:

همواره در طول تاریخ بشر توجه به فرهنگ‌ها دارای اهمیت بالایی بوده است و غفلت از آن نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته است. از سوی دیگر فرهنگ حاکم بر کشور ایران نیز فرهنگی اسلامی هست که با ظهور انقلاب اسلامی جلوه‌ی ویژه‌ای پیدا کرده است و می‌توان دوران دفاع مقدس را منشأ ظهور این فرهنگ اسلامی و انقلابی دانست. هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌ها و کارکردهای فرهنگ دفاع مقدس و استخراج دلالت‌های تربیتی آن برای نسل جوان است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی هست. یافته‌ها بیانگر آن‌اند که واکاوی فرهنگ دفاع مقدس دارای دلالت‌های تربیتی ثمربخشی است که می‌تواند نظام تعلیم و تربیت کشور را دگرگون کند و از بروز تهاجم فرهنگی جلوگیری کند که البته نظام تعلیم و تربیت نیز در ترویج این فرهنگ نقش بسزایی بر عهده دارد.

کلیدواژه‌ها:

فرهنگ، دفاع مقدس، نظام تعلیم و تربیت، کارکرد، مؤلفه

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران [morad.torkashvand92@gmail.com](mailto:morad.torkashvand92@gmail.com)  
<sup>۴</sup> رئیس پژوهشگاه دفاع مقدس. این مقاله برگرفته از پروژه کسر خدمت با عنوان «تبیین مبانی، مؤلفه‌ها و کارکردهای فرهنگ مقدس و دلالت‌های تربیتی آن در نسل جوان» هست.

## مقدمه:

یکی از وقایع سرنوشت‌ساز در تاریخ کشور ایران، پیروزی انقلاب اسلامی و شکست نظام شاهنشاهی بود که در عرصه داخلی و بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای به‌جای گذاشته است. این پیروزی و به‌تبع آن توسعه روزافزون آن بر قلب‌ها و افکار عمومی جوانان، دلهره شدید سردمداران کفر را برانگیخت؛ به‌طوری‌که آنان با طرحی مخفیانه، دست به جنگی سازمان‌یافته علیه انقلاب نوپای ایران زدند. ضربه دیدن ابرقدرت‌ها از نظر سیاسی و به هم ریختن موازنه قدرت بین‌الملل به نفع حاکمیت مذهب و همچنین از بین رفتن منافع اقتصادی آنان در منطقه و ترس از تحریک کشورهای هم‌جوار ایران به مقابله با نظام استکباری و از همه بالاتر ترس از حاکمیت مذهب در جهان، موجبات این جنگ هشت‌ساله علیه ایران را فراهم آورد (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۳، بهداروند و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۶). هشت سال دفاع مقدس یکی از برهه‌های تاریخی بی‌نظیر و سرنوشت‌ساز در تاریخ کشور و انقلاب اسلامی است. این جنگ علاوه بر دستاوردهای عظیم در صحنه بین‌المللی که مایه عزت و عظمت نظام اسلامی و تعدیل موازنه قدرت به نفع اسلام و ایران بود، آثار و برکاتی در درون نظام اسلامی به‌جای گذاشته است؛ که یکی از آن دستاوردها، در بعد فرهنگی است (جمالی، ۱۳۹۴، ص ۶۵).

## بیان مسئله

هشت سال دفاع مقدس ملت ایران حامل فرهنگ ویژه‌ای است که آن را از سایر نبردها و جنگ‌های متعارف به‌استثنای نبردهای قهرمانان صدر اسلام متمایز می‌سازد. فرهنگ و ادبایاتی که در دفاع مقدس تولید شد آمیزه‌ای از حماسه و عرفان بود و درون‌مایه آن باورهای دینی و اندیشه دفاعی اسلام بود که حضرت امام (ره) در تبیین و تولید این فرهنگ و ادبیات نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (نائینی، ۱۳۸۹، ص ۳۴). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در همین راستا می‌فرماید: «هشت سال دفاع مقدس دارای ظرفیت تولید هزاران کتاب به‌منظور انتقال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی به جامعه و جهان است» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان حوزه هنری و دست‌اندرکاران تولید و انتشار کتاب دا، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر، فرهنگ یکی از مبانی مهم در هر کشوری است. اما قبل از بحث از فرهنگ نیازمند آن هستیم تا منظورمان را از فرهنگ مشخص کنیم. فرهنگ ازجمله واژگانی است که به دلیل تنوع و تکثر نگرش و رویکردهای معطوف به آن دارای تعاریف متعددی است و هر کس با توجه به نگرش خود به موضوع، تعریفی خاص ارائه نموده است. به‌عنوان نمونه واترز<sup>۵</sup> فرهنگ را مجموعه‌ای سازمان‌یافته از هنجارها، ارزش‌ها و قواعد می‌داند (واترز، ۲۰۰۰، ص ۹۰). عده‌ای دیگر مانند ادوارد تایلر<sup>۶</sup> معتقدند که فرهنگ عبارت است از مجموعه دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادت دیگری است که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه اکتساب شود (پورااحمدی و رستمی، ۱۳۸۶ صص

Waters.<sup>۵</sup>  
E. T aylor.<sup>۶</sup>

۲۹۵-۲۹۶). هافستد در همین راستا معتقد است: «فرهنگ عبارت است از اندیشه مشترک اعضای یک گروه یا طبقه که آن‌ها را از دیگر گروه‌ها مجزا می‌کند» (هافستد، ۱۹۹۲، ص ۱۸۰).

اما معنای اصلی فرهنگ در این پژوهش، عبارت است از: الگوهای رفتاری و باورهای مشترک یک جامعه که در تعامل با محیط ایجاد می‌شود (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۲۵). این تعریف به نظر می‌رسد که تعریفی جامع باشد چراکه سه عنصر اصلی این تعریف الگوهای رفتاری، باورهای مشترک و محیط اعم از طبیعی و اجتماعی است. این سه عنصر در طول زمان نوعی تعادل و سازگاری با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر فرهنگ ناشی از فرایند ایجاد سازگاری و تعادل بین رفتارها و باورها، متناسب با محیط اجتماعی و طبیعی است. در واقع افراد هر جامعه بر اساس تجاربی که دارند و یا خود به آن دست می‌یابند و آموزش‌هایی که دریافت می‌کنند بر روی برخی الگوهای رفتاری (شامل انواع مهارت‌های اجتماعی، فناوری، نهادها و محصولات ناشی از آن) و باورهای مشترک (شامل مذهب، اساطیر، ارزش‌ها و سمبل‌های عاطفی) به نوعی توافق جمعی می‌رسند (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۲۸).

واژه فرهنگ در سده‌های گذشته به معنای آموزش و پرورش و یا آموختن ادب و علم و دانش نیز به کار رفته است و در لغت‌نامه‌های عربی نیز «ادب» را با فرهنگ، «مؤدب» را فرهنگ آموز و «متأدب» را فرهنگ آموزنده معنی کرده‌اند (آشوری، ۱۳۵۷ ص ۸). فرهنگ امری تعلیمی و اکتسابی است یعنی غریزی و توارثی نیست، اما البته نه فقط با تعلیم و تربیت ارادی و اکتسابی اختیاری، بلکه عمدتاً با القائات و تأثیرگذاری‌های خود به خودی ناشی از محیط زندگی و نشوونمای آدمی پدید می‌آید (رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۴).

5

از سوی دیگر جهان امروز شاهد بروز و ظهور گسترده تنوع خواهی در میان مردم است و این تنوع و تکثر مورد نظر مردم نیز بیشتر در عرصه سبک زندگی، رفتارهای اجتماعی و مسائل فرهنگی خود را نشان می‌دهد (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۲۷). به تبع آن مسئله هویت نیز خود جای بررسی و تحقیق دارد. می‌دانیم که امروزه از مردم انتظار نمی‌رود مطیع بی‌قید و شرط فرهنگ غالب باشند و این فضای غالب جهانی، صرف نظر از درستی و مطلوب بودن و یا نبودن آن، البته خود متأثر از سه جریان تحولی مهمی است که جهان امروز را در بر گرفته است که می‌توانیم از آن‌ها به عنوان گسترش سریع اطلاعات، گسترش ارتباطات و پیشرفت فزاینده فناوری یاد نماییم. اساسی‌ترین اثرات تحولات فوق‌الذکر را باید در عرصه فرهنگ و هویت فردی و جمعی انسان‌ها دانست و به همین دلیل منطقاً می‌توان از تعلیم و تربیت نیز سخن گفت. چراکه تعلیم و تربیت هم به مقولاتی چون فرهنگ و هویت مربوط می‌شود و هم به شدت تحت تأثیر تحولات به وجود آمده در عرصه ارتباطات، اطلاعات و فناوری قرار دارد. بنابراین هر جا سخن از فرهنگ، مؤلفه‌های فرهنگی و هویت جوانان و چالش‌های پیش روی آن می‌رود، تعلیم و تربیت و نقش‌هایی که در این زمینه دارد، خود به خود مطرح می‌شود. امروزه با بروز تحولاتی که متذکر آن شده‌ایم، رویکردی جدید تحت عنوان کثرت‌گرایی فرهنگی پا به عرصه نهاده که به دنبال خود پیامدهایی را نیز به همراه خواهد داشت و یکی از آن‌ها مسئله هویت جوانان است.

تعلیم و تربیت یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که به شدت تحت تأثیر تحولات پیرامون خود قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر کیفیت و ماهیت عملکرد نظام‌های تربیتی هر جامعه‌ای به کیفیت و ماهیت و عملکرد تحولات پیرامونی بستگی دارد (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۲۶-۲۷). فرهنگ و هویت فرهنگی در مبحث تعلیم و تربیت کثرت‌گرای فرهنگی بسیار بااهمیت می‌نماید. بنا به گفته والکر، از جمله راه‌های انتقال فرهنگی می‌توان به تعلیم و تربیت، تربیت مستقیم، تقلید، گفتمان علمی و... اشاره کرد (والکر، ۲۰۰۰، ص ۵۶). بدیهی است فرهنگ منبع مهم ادراک، احساس و هویت فردی ماست. اینکه

چه کسی هستیم؟ و به کجا و به چه چیزی تعلق داریم؟ می‌تواند بیانگر اهمیت مسئله هویت فرهنگی باشد. به همین دلیل ارزش قائل نشدن برای هویت فرهنگی یک فرد برای او آزاردهنده است و اگر این مسئله با رد مذهب یا دیگر عقاید او و شیوه زندگی او همراه باشد، این آزار می‌تواند با جراحت نیز همراه باشد. اضافه شدن بی‌عدالتی و نابرابری و تبعیض نیز می‌تواند زخمی دیگر بر روی زخم‌های او باشد (امین، ۱۳۷۸، ص ۱۵).

بر همین مبنا و با توجه به کثرت‌گرایی فرهنگی و تهاجم فرهنگی غرب بر دیگر فرهنگ‌ها، نظام جمهوری اسلامی ایران نیز آماج تهاجمات فرهنگی رسانه‌های غرب و شرق قرار گرفته است و از سوی دیگر دوران دفاع مقدس که ۸ سال به طول انجامید فرهنگ اسلامی - ملی را با هم تلفیق کرده است و دارای رهنمودهای ارزشمندی برای تربیت نسل جوان و همچنین جلوگیری از تهاجم فرهنگی و جنگ نرم است. یکی از راه‌های نهادینه کردن فرهنگ از طریق آموزش و تربیت است. این عامل، خود برگرفته از عواملی همچون، نوع روابط اخلاقی - فرهنگی و رفتاری حاکم بر خانواده، آموزش و پرورش و همچنین جامعه است. در همین راستا (والکر، ۲۰۰۰، ص ۵۶) معتقد است که آموزش و پرورش در عین آن‌که رسالت شناساندن سنن تاریخی و فرهنگی یک جامعه و کمک به حفظ آن‌ها را دارد، رسالت توجه به نیازهای جامعه‌ی متحول و مدرن را نیز دارد. بدین ترتیب آموزش و پرورش ضمن اینکه در پذیرش و نفوذ دادن ابعاد مثبت و سازنده‌ی فرهنگ جهانی که به‌خصوص از طریق رسانه‌های آموزشی می‌تواند وارد شود نقش دارد، در عین حال در حفظ هویت فرهنگی و پایداری فرهنگی جامعه در مقابل الگوهای مصرفی و تحمیلی که از طریق فرایند جهانی‌سازی الگوسازی می‌شود، می‌تواند نقش پالایش دهنده و آگاه‌کننده داشته باشد.

6

بر همین اساس وظیفه نظام آموزشی یا به عبارت کلی‌تر تعلیم و تربیت، آماده کردن افراد برای ایفای نقش‌های اجتماعی در جامعه با به‌بیان‌دیگر جامعه‌پذیر کردن افراد است. در جریان جامعه‌پذیری فرهنگ اجتماع نقش اصلی را دارد چراکه اصول و اهداف تعلیم و تربیت هر جامعه از فرهنگ حاکم تأثیر می‌گیرد. یا به عبارت دیگر فرهنگ جامعه به فرایند تعلیم و تربیت سمت‌وسو می‌دهد و آن را هدایت می‌کند.

### سؤالات تحقیق:

۱. کارکردهای اصلی فرهنگ دفاع مقدس کدام‌اند؟
۲. بر مبنای کارکردهای تربیتی فرهنگ دفاع مقدس چه دلالت‌هایی برای تربیت نسل جوان می‌توان به دست آورد؟

### روش تحقیق:

این تحقیق ابتدا با روش اسنادی - تحلیلی به بررسی کتاب‌ها و مقالات در زمینه دفاع مقدس و فرهنگ پرداخته است، سپس در گام بعدی با روشی تحلیلی به بررسی کارکردهای فرهنگ و به تبع آن فرهنگ دفاع مقدس پرداخته است، در نهایت دلالت‌های تربیتی فرهنگ دفاع مقدس با روش استنتاجی مشخص گردیده است. مؤلفه‌ها در یک جدول دو ستونی آورده شده‌اند که در یک ستون مؤلفه‌ها و در ستون دیگر دلالت‌های تربیتی است.

## پیشینه پژوهش:

- باقریه، مصطفی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نقش تأثیرات فرهنگی در جنگ ایران و عراق» آنچه در این پژوهش بدان پرداخته شده، بررسی عوامل فرهنگی در جنگ ایران و عراق است. یافته بیانگر آن است که فرهنگ انقلابی مردم ایران به دلیل تبعیت از فرامین ولایت فقیه و داشتن روحیه شهادت طلبی و ایثار بر عراق پیروز گردید.

- سمیعی، علیرضا، رشیدی، بهنام و رشیدی زاده، افسانه (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «دفاع مقدس و تأثیر آن بر مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی هویت ملی» به بررسی نقش و جایگاه دفاع مقدس بر مؤلفه‌های ایرانی و اسلامی پرداخته گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دفاع مقدس بر مؤلفه‌های هویت ملی تأثیرگذار بوده است.

- حسینی، سید اصغر و درودی، مسعود (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «رویکرد دفاع همه‌جانبه در چارچوب تفکر دفاعی امام (ره)» به بررسی نقش همه‌جانبه تفکر امام خمینی (ره) پرداخته است. یافته‌ها بیانگر آن است که طرز تفکر امام خمینی (ره) بر رویکرد فرماندهان تأثیر به‌سزایی می‌گذاشته است و آن‌ها را همیشه با روحیه و با رویکرد دفاع همه‌جانبه تقویت می‌کرد.

- غلامعلی رشید و امین پاشایی هولاسو (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدلی مبتنی بر مدیریت دانش جهت ترویج فرهنگ دفاع مقدس» پرداختند. هدف این پژوهش ارائه مدلی مبتنی بر مدیریت دانش عرضه می‌دهد و نتایج پژوهش نشانگر آن است که برای ترویج فرهنگ دفاع مقدس باید بین افراد، با استفاده از نظریه‌های اجتماعی، همکاری ایجاد کرد.

- ابوالقاسم طاهری، محمد رجبی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران» هدف این پژوهش این است که به بررسی مؤلفه‌های فرهنگی انقلاب اسلامی بپردازد و با اتخاذ روش کیفی و از نوع توصیفی تاریخی تحلیلی به این پرسش پاسخ گوید که چه دلایلی برای فرهنگی بودن انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟

## یافته‌های پژوهش:

پاسخ به سؤال اول پژوهش: کارکردهای اصلی فرهنگ دفاع مقدس کدامند؟

فرهنگ به صورت کلی دارای سه کارکرد اساسی است که عبارت‌اند از:

## ۱. ایجاد تفاهم

تفاهم؛ اولین نتیجه و ثمره فرهنگ است. برای روشن شدن ارتباط تفاهم با فرهنگ جامعه، لازم است اختلاف بین فهم و تفاهم مشخص گردد. تفاهم؛ مرتبه‌ی متأخر از فهم است. تفاهم، زمانی صورت می‌پذیرد، که فهم و سنجش نسبت به امری به پذیرش عمومی برسد. زمانی که فهم یک مطلب به پذیرش عمومی رسید، مبدأ تفاهم می‌شود. در پذیرش اجتماعی، ابتدا پذیرش و تغییر شکل‌گیری ارتکازات صورت می‌پذیرد و سپس، تفاهم حاصل می‌شود (پیروزمند و صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

از سوی دیگر، در آغازین سال‌های قرن جدید، این ضرورت احساس گردید که همه‌ی انسان‌ها مسئولانه به اهداف و ابزار تعلیم و تربیت توجه کنند. چالش‌های بزرگ در تمامی ابعاد وسیع جامعه، چشم‌اندازی از ضرورت نوآوری، احیاء و ابداع را به ما نشان می‌دهد. چگونه ممکن است این چالش‌های بزرگ، توجه سیاست‌گذاران آموزشی را جلب نکند؟

برای رسیدن به تفاهم که یکی از کارکردهای فرهنگ هست باید با تنش‌های اصلی روبرو شویم و بر آنان فائق آییم، تنش میان فرهنگ جهانی و فرهنگ محلی، تنش‌های همگانی و فردی، تنش میان سنت و تجدد، تنش میان ملاحظات درازمدت و کوتاه‌مدت و بالاخره تنش میان توسعه‌ی فوق‌العاده‌ی دانش و ظرفیت تطابق بشر با آن و درنهایت، عامل همیشگی دیگر، تنش میان معنویات و مادیات است که غالباً انسان بدون شناخت آن، آرزوی دستیابی به آرمان‌ها و ارزش‌هایی را که «اخلاق» نام دارد، نمی‌تواند در سر بپروراند. در اینجا وظیفه‌ی متعالی سیستم آموزشی و اهمیت جایگاه آن مشهود و مشخص می‌گردد و این گفته اغراق نیست که بقای انسان‌ها به اجرای این وظیفه، بستگی دارد.

بر همین اساس، رسالت اصلی آموزش و پرورش، توان بخشیدن به فرد انسان‌ها در جهت توسعه‌ی کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندی‌های فرهنگ خویش است و این هدف بر سایر اهداف آن، ارجحیت دارد (بختیاری، ۱۳۸۸، ص ۱۸). بر مبنای همین هدف می‌توان فرهنگ دفاع مقدس را طوری عرضه کرد که موجب تفاهم میان نسل جدید و نسل قدیم گردد. البته هرچند حصول این هدف دشوار و طولانی است، اما در جهت جستجوی جامعه‌ای بهتر و عادلانه‌تر برای زیستن، ضروری محسوب می‌گردد. البته این امر زمانی تحقق خواهد یافت که فرهنگ دفاع مقدس به‌خوبی عرضه گردد و با تمایلات و خواسته‌های نسل جوان هماهنگ و همسان باشد.

## ۲. احراز هویت

احراز هویت اثر دوم و مهم فرهنگ (و به تبع آن فرهنگ دفاع مقدس) است. به همین دلیل تغییرات فرهنگی، مبدأ تغییر در هویت یک جامعه هست. از آنجاکه ارتکازات یک جامعه زمانی که به هنجارهای موردپذیرش تبدیل می‌شوند، مبدأ ارزش-گذاری، زشتی و زیبایی و خوبی و بدی در جامعه محسوب می‌شوند. از این‌رو مبدأ هویت و شخصیت و تمایز یک جامعه با سایر جوامع نیز قرار می‌گیرند.

اهمیت توجه به هویت فرهنگی یک ملت به این دلیل است که معرف و مروج باورها و اعتقادات فرد و جامعه بوده و عامل تمایز حیات معنوی افراد و جوامع هست (هاشمی گیلانی، ۱۳۸۱، ص ۲۱). هویت جامعه، تابع ارتباط‌های پذیرفته‌شده‌ی آن جامعه است. به‌عنوان مثال، مفهوم شرافت در جوامع اسلامی نسبت به جوامع غربی، به دلیل پذیرش دو نوع ارتباط جنسیتی بین انسان‌ها، متفاوت است. هیچ فرد و به‌خصوص هیچ گروه اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر آن‌که خود یا دیگران برای وی یک یا چند «هویت فرهنگی» تعریف کرده باشند و او بتواند خود را خواسته یا ناخواسته بازشناسایی کند. بدین ترتیب منظور از هویت فرهنگی، مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فرهنگی هستند که به یک فرد یا به یک گروه، «شخصیت» می‌دهند و به‌عبارت‌دیگر او را از سایر افراد یا گروه‌ها «تمایز» می‌کنند تا از این راه وی بتواند وارد روابط میان‌کنشی با خود و دیگران شود و به عبارتی بتواند مسئولیت و توانایی «موجودیت» فیزیکی و ذهنی خود در نظامی که در آن حضور دارد را بر عهده بگیرد. تنها موقعیت‌هایی که فرد یا گروه ممکن است به‌صورت کوتاه یا درازمدت هویت نداشته، دچار ضعف یا اختلال هویتی شده و یا آن را از دست بدهند، موقعیت‌های آسیب‌زا یا بیمارگونه است که بدون شک پیش و عموماً پس از خود با نشانگان و پیامدهای زیادی همراه هستند (وثوقی، ۱۳۸۵، ص ۱۷). در موضوع هویت فرهنگی، همواره چند پرسش پیش روبروی ما است: نخست آنکه این هویت با چه اجزایی شکل می‌گیرد؟ سپس

آنکه این هویت چگونه، به چه وسیله و در چه فرایندی به وجود می‌آید و تحول پیدا می‌کند؟ سوم آنکه آیا هویت فرهنگی، موقعیتی واحد و یکپارچه است و یا متکثر و چندپاره و در هر یک از این دو حالت چه ویژگی‌ها و چه پیامدهایی دارد؟ و سرانجام اینکه هویت فرهنگی چه رابطه‌ای با کنش‌های اجتماعی، نهادها و فرایندهای جامعه می‌یابد؟ بی‌شک پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها خود نیازمند بحثی جداگانه است؛ اما ما در اینجا تلاش می‌کنیم، نخست پرسشی عمومی به این مجموعه از سؤالات (که تنها بخشی از سؤالاتی هستند که می‌توان مطرح کرد) بدهیم.

نخستین پرسش آن است که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت فرهنگی کدامند؟ شاید مهم‌ترین مؤلفه در این زمینه زبان است که به‌مثابه تنها ابزار ارتباط اصلی و همچنین ابزار اجتماعی شدن افراد و ظرف اصلی اندیشیدن، انباشت فکر و مرکز پردازش داده‌های دریافتی از جهان بیرونی و به مادیت درآوردن آن‌ها از طریق نظام شناختی عمل می‌کند. البته زبان بحث مفصلی دارد که در اینجا مجال ورود به آن نیست. مؤلفه بسیار مهم دیگر که خود از زبان نشأت می‌گیرد، نظام‌های نام و نام‌گذاری است که خود یک فرایند «طبقه‌بندی‌کننده» به حساب می‌آید. وقتی به یک فرد یا به یک گروه نامی داده می‌شود، این نام در نظام اجتماعی از پیش تعریف‌شده است و نقطه آغاز یک هویت را با گروهی از مفاهیم بارگذاری می‌کند. مؤلفه‌های شکلی و محتوایی به دنبال نام و طبعاً در یک نظام زبان‌شناختی و شناختی، می‌آیند. فرد یا گروه، دارای کالبد یا بدنی هستند که در چارچوب اجتماعی در ظاهر و با سازوکارهایی مشخص، تعریف و تبیین می‌شود، بنابراین شکل و محتوای این بدن به‌صورت ایستا یعنی در یک لحظه مفروض ثابت و در قالب واقعی‌تر پویا، یعنی در میلیاردها حرکت روزانه‌اش، هویت فردی و گروهی را در چارچوب روزمرگی و سبک زندگی می‌سازند. کنش‌ها و پنداشت‌های فرد و گروه نیز، رابطه‌ای چرخه‌ای با هویت او دارند و دائماً این هویت را بازتعریف می‌کنند و به‌اصطلاح آن را در «صحنه» قرار داده و بازسازی‌اش می‌کنند (فقیه حقانی، ۱۳۸۵، ص ۲۰).

9

چگونگی و ابزار ساخت هویت فرهنگی، عمدتاً از خلال فرایندهای آموزش غیررسمی (خانواده و جامعه) و رسمی (نظام آموزشی) انجام می‌گیرد. در طول این فرایند، مجموعه گسترده‌ای از نظام‌های زبان‌شناختی، شناختی و بازنمایی (representation) وارد عمل می‌شوند، اما پیچیدگی فرایند به حدی است که تقریباً امکان ندارد که از پیش بتوان نتیجه نهایی شکل‌گیری هویت و تحول آن را پیش‌بینی کرد و همواره صرفاً می‌توان در یک پیوستار سخن گفت. با وصف این تجربه تاریخی در قرن اخیر نشان می‌دهد که تلاش دولت‌ها و صاحبان قدرت به در کنترل گرفتن ابزارهای ساخت هویت به‌ویژه در حوزه عمومی و رسمی و حتی تلاش آن‌ها برای دخالت کردن در ساخت هویت از خلال حوزه خصوصی که نهایتاً به‌صورت ایدئولوژی‌های بسیار سخت و استیلا طلب ظاهر شده‌اند، عموماً به اهداف خود نرسیده‌اند یعنی هویتی را که می‌خواستند حتی پس از چند نسل، نتوانسته‌اند بسازند، اما این امر سبب آن نشده که در حوزه هویت فرهنگی، آسیب‌های جدی بر جامعه وارد نکنند.

سرانجام هویت فرهنگی نیاز به همسازی و انطباق با فرایندها و نهادها و سازوکارهای هر جامعه‌ای دارد. اگر میان این دو گروه از واقعیت‌های اجتماعی و چه در سطح کنش، چه در سطح بازنمایی تضاد سختی به وجود بیاید، بی‌شک مابه‌ازاهای آسیب‌شناختی سختی برای جامعه خواهد داشت که خود را به‌گونه‌ای مختلف بازتولید و تنش را تا حدی که می‌تواند انفجار انگیز باشد در آن جامعه بالا می‌برند (وثوقی، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

از سوی دیگر فرهنگ و هویت فرهنگی در مبحث تعلیم و تربیت بسیار بااهمیت می‌نماید. بدیهی است فرهنگ منبع مهم ادراک، احساس و هویت فردی ما است. اینکه چه کسی هستیم؟ و به کجا و به چه چیزی تعلق داریم، می‌تواند بیانگر

اهمیت مسئله‌ی هویت فرهنگی باشد. به همین دلیل ارزش قائل نشدن برای هویت فرهنگی یک فرد برای او آزاردهنده است و اگر این مسئله با رد مذهب یا دیگر عقاید او و شیوه‌ی زندگی او همراه باشد، این آزار می‌تواند با زخم خوردگی نیز همراه باشد (امین، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

بر همین اساس می‌توان با استفاده از ظرفیت فرهنگی ۸ سال دفاع مقدس به تحقق هویت ملی و اسلامی جوانان کمک کرد؛ که این می‌تواند از طریق نظام تعلیم و تربیت در نسل جوان نهادینه شود. در واقع نظام‌های تربیتی، با بی‌طرفی و ایجاد فرصت‌های عادلانه برای طرح و تبیین ویژگی‌های فرهنگ دفاع مقدس در برنامه درسی و محتوای آموزشی مربوط به خود و نقد و ارزیابی این ویژگی‌ها، می‌توانند فرایند هویت‌یابی و تحول و تکامل هویت را به‌درستی تدارک ببیند و هدایت نمایند؛ و این تنها راه کمک به دانش‌آموزان برای دست‌یابی به هویت واقعی ملی در درجه‌ی نخست و هویت مشترک جهانی در درجه دوم است.

### ۳. حفظ و ارتقاء انسجام اجتماعی

سومین کارکرد فرهنگ حفظ و ارتقاء انسجام اجتماعی است. وحدت‌بخشی و حفظ و ارتقاء انسجام اجتماعی سومین کارکرد فرهنگ است. فرهنگ، عامل وحدت، انسجام و همبستگی یک جامعه می‌گردد؛ چه اینکه جامعه‌ای که در ارزش‌ها، باورها و رفتارها به ذهنیت مشترکی رسیده و جهت‌گیری مشابهی را تعقیب می‌نماید، برای تحقق فرهنگ و آرمان موردپذیرش خود حاضر به هرگونه از خودگذشتگی و ایثار هست. حراست از انسجام اجتماعی در کشور به‌مثابه حراست از فرهنگ اجتماعی کشور است و نظام تعلیم و تربیت کشور برای حفظ انسجام اجتماعی باید احترام به نمادهای ملی، پرچم، سرود، زبان، خط رسمی و مدیریت فرهنگی را توسعه دهد و معلم، مدرسه و خانواده رابطه‌ای منزلتی مبتنی بر کرامت را شکل دهند تا دانش‌آموزان هم این رابطه را بازتولید کنند.

بر همین مبنا، اکنون می‌توان گفت که فرهنگ دفاع مقدس می‌تواند کارکرد انسجامی نیز در نسل جوان داشته باشد چون تمامی نمادها، سرودها، مداحی‌ها، گفتگوی رزمندگان، وصیت‌نامه شهیدان، تمسک به اهل بیت (ع) و... همگی می‌توانند در راستای ایجاد انسجام فرهنگی و نهادینه کردن آن در نسل جوان کاربردی شود. البته بدون شک این اجزاء نمی‌توانند چیزهایی به‌جز همان ویژگی‌های مادی و غیرمادی فرهنگی باشند، ویژگی‌هایی نظیر نظام خویشاوندی و اجزایش (نام-گذاری‌ها، دایره‌های همسرگزینی، روابط فرزندی و نیاکانی)، نظام اقتصادی (روابط و مناسک و آیین‌های مبادله)، نظام دینی و اعتقادی (در قالب‌های معنایی و شناختی آن)، نظام سیاسی و غیره؛ اما بحث مهم در آن است که کدام‌یک از این نظام‌ها و یا اجزاء اهمیت بیشتری نسبت به سایر آن‌ها دارند و به‌عبارت‌دیگر انسجام فرهنگی را عمدتاً می‌توان بر چه عنصر یا عناصری بنا کرد (علینقی، ۱۳۷۸، ص ۳۱).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأمین‌کننده امنیت داخلی در هر جامعه‌ای، مقوله مهم انسجام فرهنگی هست. غرض از این مفهوم وجود سطح قابل قبولی از هماهنگی بین نهادهای متولی امور اجتماعی- فرهنگی در جامعه است که در نتیجه آن تضاد و تضارب در حوزه کارکردهای نهادهای فرهنگی جامعه به حداقل ممکن رسیده و یا از بین می‌رود. بدیهی است که فضای مبتنی بر انسجام فرهنگی از حیث روانی- فکری، بستر لازم برای پیشرفت اقتصادی و سیاسی را فراهم می‌آورد و این امر دلالت بر اهمیت و ضرورت وجود انسجام فرهنگی دارد (علینقی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

بر همین مبنا می‌توان گفت که اگر بخواهیم فرهنگ دفاع مقدس کارکرد انسجامی در جامعه داشته باشد باید حالتی پویا داشته باشد تا بتواند به نیازهای جدید نسل جوان پاسخگو باشد و این محقق نمی‌گردد مگر با کمک نظام تعلیم و تربیت که عهده‌دار فرهنگی بار آوردن جوانان است؛ بنابراین نظام تعلیم و تربیت می‌تواند با معرفی مؤلفه‌های فرهنگ دفاع مقدس به ایجاد نظم در جامعه کمک کند. البته از آنجایی که ارزش‌ها، هنجارها و اولویت‌های جامعه متفاوت است، طبیعی است که فرایند اجتماعی کردن در دنیای جدید، فرایندی ناهماهنگ و پرتنش است؛ اما می‌توان با استفاده از سه نهاد تأثیرگذار خانه، مسجد و بازار به انسجام درونی کمک کرد، همان‌طور که در دوران دفاع مقدس با کمک این سه نهاد انسجام فرهنگی به وجود آمد.

### ۳-۴- پاسخ به سؤال دوم پژوهش: دلالت‌های تربیتی فرهنگ دفاع مقدس برای نسل جوان کدام‌اند؟

مؤلفه‌های فرهنگ دفاع مقدس	دلالت‌های تربیتی
<b>ولایت مداری</b>	<p>فرهنگ ولایت که جوهر نظام جمهوری اسلامی است همواره علت اصلی پیروزی‌ها و عبور از بحران‌های مختلف چه در زمان زمامداری امام خمینی (ره) و دوران دفاع مقدس و چه در دوران مقام معظم رهبری بوده و خواهد بود. از این رو نهادهای شدن فرهنگ ولایت در جامعه ما پیش از عوامل دیگر ضرورت دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تعمیم فرهنگ ولایت عبارت‌اند از:</p> <p>الف- اطاعت صادقانه</p> <p>ب- پرهیز از دنیاطلبی و اشرافی‌گری</p> <p>ج- بصیرت و آگاهی</p> <p>د- تحلیل عالمانه</p> <p>ه- اعتدال‌گرایی به‌عنوان صراط مستقیم ولایت</p> <p>بر همین مبنا نظام تعلیم و تربیت می‌تواند بر اساس مؤلفه‌های فرهنگ دفاع مقدس (اطاعت صادقانه، پرهیز از دنیاطلبی و اشرافی‌گری، بصیرت و آگاهی، تحلیل عالمانه، اعتدال‌گرایی به‌عنوان صراط مستقیم ولایت) به نهادهای سازی مؤلفه‌ها بپردازد. نظام تعلیم و تربیت در برنامه درسی و محتوای آموزشی و همچنین با برنامه‌هایی در زمینه تحلیل و نقد عالمانه و دنیاطلبی و ... مهارت‌هایی را در نسل جوان ایجاد کند (پیروزمند و صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).</p>
<b>فرهنگ عاشورایی رزمندگان</b>	<p>اسطوره‌ها، سنن عزاداری، زبان، ادبیات و هنر، فرهنگ شهادت‌طلبی و ... اولین کارکرد عاشورا در ساحت هویت فرهنگی، اثرگذاری عمیق بر اسطوره‌های ایرانیان شیعه است. ایرانیان که از دیرباز اسطوره‌های خود را در قالب ادبیات ریخته بودند، در طول تاریخ آرام‌آرام واقعه‌ی عظیم عاشورا را نیز به باورهای اسطوره‌ای خود وارد کردند و با آن درآمیختند. تا جایی که بسیاری از شخصیت‌های عاشورایی، امروز به نمادهای اسطوره‌ای تبدیل شده‌اند. امام حسین (ع) مظهر عبادت، عبودیت، رهبری و ایستادگی، حضرت ابوالفضل (ع) مظهر وفاداری، استقامت و قدرت، حضرت زینب (س) مظهر صبر و مقاومت و ایثار و ... در حقیقت، یکایک شخصیت‌های عاشورا در طول تاریخ برای ایرانیان جایگاه اسطوره‌ای و نمادین یافته‌اند که این امر تأثیرات عمیقی بر هویت و شخصیت ایرانیان داشته است و بالأخص در دوران دفاع مقدس الگوبرداری از این اسطوره‌ها قابل توجه است (تقی زاده اکبری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۹۷).</p> <p>از جنبه تربیتی نیز الگوبرداری یکی از راهکارهای تربیتی است که همواره یکی از راه‌های هویت‌یابی و ساخت شخصیت بوده است؛ چراکه نسل جوان به دنبال کمالات و خوبی‌هاست و یافتن این خوبی‌ها</p>

<p>در اساطیر ممکن است. در واقع نظام تعلیم و تربیت با استفاده از روش الگوبرداری و اسطوره‌ای می‌تواند شخصیت شهیدان را برای جوانان به عنوان الگو معرفی کند.</p>	
<p>منبع اولیه فرهنگ مشترک، توحید است که تنها یک اعتقاد نیست، بلکه شعار امت اسلامی نیز هست. توحید در میان تمام ملت‌ها و فرهنگ‌ها و در تمام کشورها و فرقه‌ها یک باور است. تأثیر توحید بر وحدت فرد و وحدت گروه و وحدت کشورها و وحدت امت و وحدت انسانیت است. توحید از فرد آغاز می‌شود. پس از وحدت فرد، وحدت جامعه قرار می‌گیرد و فاصله طبقاتی از میان می‌رود. پس از وحدت جامعه، وحدت امت در تمام سطوح قرار می‌گیرد. پس از وحدت امت، وحدت انسانیت قرار می‌گیرد و همه انسان‌ها یک امت‌اند.</p> <p>فرهنگ توحید، تنها یک عقیده یا تاریخ نیست، بلکه یک دستاورد عملی و قانون تاریخ و حرکت یک جامعه است. توحید است که می‌تواند در شرایطی که عوامل پراکنندگی و تجزیه امت را تهدید می‌کنند، از آن پاسداری کند. «أرباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار».</p> <p>از سوی دیگر در دوران دفاع مقدس شاهد وحدت مردمی بودیم و همین وحدت در سایه رهبری امام خمینی (ره) توانست بر مشکلات فائق آید. از جنبه تربیتی هم می‌توان گفت که نظام تعلیم و تربیت می‌تواند با معرفی فرهنگ دفاع مقدس به وحدت نظام اجتماعی کمک کند.</p>	<p><b>وحدت مردمی</b></p>
<p>در دفاع مقدس جوانان دانشگاهی نقش بسیار فعال و چشمگیری در فرماندهی جنگ برعهده گرفته بودند فرماندهان مؤثر در سطوح بالای فرماندهی دفاع مقدس نشان از حضور جوانان مؤمن و باسواد دانشگاهی دارد شهید باقری، شهید علم الهدی، شهید زین‌الدین، شهید عدالت از استان بوشهر و بسیاری دیگر از فرماندهان، دانشجویی دانشگاه بوده‌اند. نکته قابل تأمل این است که در دوران دفاع مقدس به استعداد جوانان اهمیت داده می‌شد و همین اعتماد به جوانان توانست کشور را در برابر ارتش عراق به پیروزی برساند (تقی زاده و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۶). از جنبه تربیتی می‌توان گفت که اعتماد به توانایی جوانان در حل مشکلات کنونی می‌تواند مدنظر قرار گیرد. کشور ما به لحاظ منحصربه‌فرد بودنش از لحاظ آرمانی و عقیدتی دشمنان زیادی داشته و در آینده هم خواهد داشت، بنابراین ما نیاز داریم که نوجوان و جوان ما با این فرهنگ عمیقاً آشنا شوند تا بتوانند از انقلاب، نظام جمهوری اسلامی و آرمان‌های بلند حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری به‌موقع دفاع نمایند.</p>	<p><b>استفاده از توانایی و نبوغ جوانان</b></p>
<p>اعتقاد به معاد، یاد قیامت و رستاخیز عظیم، پشتوانه نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیت‌های رفتاری و خودداری از ظلم هست. کسی که ایمان به معاد دارد و معتقد است تمام اعمال او در روز قیامت محاسبه و به حساب ریزودرشت اعمال او رسیدگی خواهد شد و آنگاه جزای هر یک از رفتارها را خواهد دید در این دنیا مراقب رفتار و کردار خود خواهد بود و از کم کار و سهل‌انگاری در وظایف مدیریتی خود در نهاد و سازمان پرهیز می‌کند. در جامعه‌ای که چنین اعتقادی زنده و حاکم باشد و در تمام شریان‌های آن جریان یابد و مدیران و کارکنان بدان پایبند باشند بی‌هیچ تردیدی برای اجرای قوانین و مقررات عادلانه و جلوگیری از ظلم و تجاوز به دیگران کمتر نیاز به اعمال زور و فشار خواهد بود و سطح پاسخگویی به‌صورت چشم‌گیری افزایش خواهد یافت و بی‌شک مشکلات ناشی از کم کاری و سرقت از کار در سطح سازمان و نهاد به‌صورت چشمگیری کاهش می‌یابد و افراد مراقب صحت کارهای خویش می‌گردند و به‌صورت جهادی و انقلابی به کار خویش ادامه می‌دهند و فرهنگ و مدیریت جهادی شکوفا خواهد شد. چنانچه در سه دهه گذشته به‌خصوص در اوایل تشکیل جهاد این فرهنگ در اوج شکوفایی و بالندگی خود بوده است.</p>	<p><b>مسئولیت‌پذیری جوانان</b></p>
<p>رزمندگان همواره با تمسک به معنویت و اهل‌بیت (ع) از گرفتاری‌ها و مشکلات بیرون آمده‌اند. بر همین اساس می‌توان گفت نظام تعلیم و تربیت می‌تواند با استفاده از مؤلفه باورهای دینی رزمندگان دوران دفاع مقدس، در زمینه تربیت دینی نسل جوان تلاش نماید (لطیف پور، ۱۳۸۹، ص ۲۵). از</p>	

زیرمجموعه‌های مؤلفه باور دینی می‌توان به امداد غیبی، ارزش‌های اسلامی و ... اشاره کرد که همگی در راستای دینی تربیت کردن جوانان می‌تواند مثمر ثمر واقع گردد.

باورهای دینی

### نتیجه‌گیری:

بر مبنای یافته‌های پژوهش اکنون می‌توان گفت که فرهنگ غنی دفاع مقدس می‌تواند سرمایه ارزشمندی برای بحران‌های کنونی جامعه و بالأخص نظام تعلیم و تربیت باشد، بحران‌هایی مانند هویت‌یابی بیگانه، معنویت‌گریزی، غرب‌گرایی و منفعت‌جویی، یاس و ناامیدی، پوچ‌گرایی و ... که دامن‌گیر نظام تعلیم و تربیت کشور است. از جمله دلالت‌های فرهنگی که استنتاج گردید می‌توان به (ولایت‌مداری، فرهنگ عاشورایی، وحدت مردمی، اعتماد به نیرو و نبوغ جوانان، مسئولیت‌پذیری و باورهای دینی) را می‌توان نام برد که در فرهنگ دفاع مقدس ظهور و بروز داشته است. غفلت از دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس جوانان را به سمت غرب‌گرایی و چشم امید داشتن به یاری بیگانگان و دشمنان قسم‌خورده سوق داده است، درحالی‌که فرهنگ ملی و همچنین فرهنگ دفاع مقدس سرشار از پیام‌های خودباوری و اعتماد به جوانان است؛ بنابراین نظام تعلیم و تربیت می‌تواند نقش مهم و یاری‌رسانی در این عرصه داشته باشد که مهم‌ترین آن، معرفی فرهنگ دفاع مقدس و نهادینه کردن مؤلفه‌های آن و کاربردی کردن آن است. درواقع نظام تعلیم و تربیت هر کشوری، عهده‌دار فرهنگی بار آوردن تمام اعضای آن جامعه را دارد، پس غفلت از این امر می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری را برای انقلاب و فرهنگ بومی کشور به دنبال داشته باشد.

## منابع:

۱. اشرف، احسان (۱۳۸۵)، «هویت ایرانی»، مجله گفتگو. شمار ۲ صص ۱۲-۱۵.
۲. افتخاری، اصغر و علی اکبر کمالی (۱۳۷۷). رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات.
۳. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹)، مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری ویژه روز بسیج.
۴. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶)، مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در جمع شورای انقلاب فرهنگی.
۵. امین، جعفر (۱۳۷۸)، هویت‌های فرهنگی در دهکده جهانی. روزنامه فتح. برگردان عسگری.
۶. آرون، ریمون (۱۳۸۵)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۷. آزاد آرمکی، تقی (۱۳۷۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی از: راه‌های نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر»، کتاب سروش، (مجموعه مقالات، رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر)، چاپ اول، تهران: سروش.
۸. بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، فرهنگ آموزش در ژاپن، نشریه پیوند وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۶۳.
۹. بوش، ریچارد و همکاران (۱۳۷۴)، جهان مذهبی: ادیان در جهان امروز، ویراستار: رابرت ویر، عبدالرحیم گواهی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۸۷۸.
۱۰. پانوف، میشل و میشل پرون (۱۳۶۸)، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه‌ی علی اصغر عسکری خانقاه، چاپ اول، تهران: انتشارات ویس.
۱۱. پیروزمند، علیرضا و صادقی، شیده (۱۳۸۵)، «چیستی فرهنگ و چگونگی تغییرات آن (پیش نیاز مهندسی فرهنگی)». مجله فرهنگ و تمدن. شماره ۲. صفحه ۲۳-۴۱.
۱۲. تری یاندیس، هری چارالامبوس (۱۳۸۵)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه محمد حسینی، تهران، رسانش.
۱۳. تقی زاده اکبری، علی (۱۳۸۰)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس. جلد اول و دوم، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۴. تقی زاده، سنگری و عبدالمهدی (۱۳۸۷)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (فرهنگ عاشورا). پژوهشکده تحقیقات اسلامی. جلد سوم.
۱۵. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۱)، فرهنگ و تعلیم و تربیت. نامه فرهنگ: فصلنامه تحقیقاتی در مسائل فرهنگی و اجتماعی. شماره ۳. تهران. معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. دلاور، علی (۱۳۸۹)، روش‌های آماری در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۷. دوران افتخار (۱۳۹۰)، ستاد کل نیروهای مصلح، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. ص ۱۴.
۱۸. دوره تربیتی- تشکیلاتی خط امام (۱۳۹۴)، اصول و روش‌های تربیت اسلامی. تهران: سازمان بسیج دانشجویی

۱۹. رفیعی، بهروز (۱۳۸۷)، سیر آراء تربیتی در تمدن اسلامی، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران (سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران).
۲۰. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲)، زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
۲۱. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴)، کثرت‌گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت (تبیین و ارزیابی). مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱، شماره ۱ صص ۳۸-۲۵.
۲۲. سمیعی اصفهانی، محمد و همکاران (۱۳۹۳)، انقلاب اسلامی، دستاوردها، چالش‌های پیشرو و رسالت کنونی ما. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۲۳. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام راحل (ره)، وزارت ارشاد، تهران ۱۳۶۱-۱۳۷۱.
۲۴. صدر، صادق (۱۳۷۷)، کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان. تهران: اندیشه نو.
۲۵. صلاحی، جاوید (۱۳۷۶)، تهاجم فرهنگی و مقابله با آن، گزارش تحقیقاتی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۶. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۰)، جریان‌های فکری تأثیرگذار در تعلیم و تربیت. کتاب نقد شماره ۲۲.
۲۷. علینقلی، امیرحسین (۱۳۸۷)، فرهنگ و انسجام اجتماعی در ایران: گذشته و حال، فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره سوم، صص ۱۰-۲۲.
۲۸. فرهنگ و تهاجم فرهنگی (۱۳۷۳)، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۹. فقیه حقانی، موسی (۱۳۷۵)، فراماسونری و گسترش فرهنگ غرب در ایران، کتاب سروش (رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر). چاپ اول، تهران: سروش.
۳۰. فلسفه تعلیم و تربیت (۱۳۹۱)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۱). تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۱. فوزی، یحیی و بصیرنیا، غلامرضا (۱۳۹۰)، بررسی مبانی نظری رویکرد سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی در ایران بعد از انقلاب. کنگره ملی بررسی اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی حضرت امام خمینی (ره).
۳۲. محمد مهدی بهداروند، محمدرضا قرایی آشتیانی و چمران بویه (۱۳۹۲)، تبیین عوامل شکل‌دهنده ویژگی‌های روحی و معنوی رزمندگان در دوران دفاع مقدس. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال یازدهم. شماره ۴۳.
۳۳. محمدی، ذکر الله (۱۳۷۳)، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب. چاپ اول. انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. قزوین.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات اسلامی.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، قیام و انقلاب مهدی (عج)، تهران، انتشارات صدرا.
۳۶. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۲)، تاریخ دفاع مقدس، ناشر: انتشارات خادم‌الرضا (ع).
۳۷. موسایی، میثم (۱۳۸۹)، دین، توسعه و فرهنگ. تهران. ناشر جامعه‌شناسان.
۳۸. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی. سال هشتم، شماره ۲۸ صص ۳۰-۱.
۳۹. نهج‌البلاغه (۱۳۹۲)، ترجمه: محمد دشتی. تهران: انتشارات طلعه نور.

1. Hofstede, G. H. S. (1992). "Corporate culture and Luthans, F. (1998). Organizational behavior, Boston: IrainLyon, D. (1999). Postmodernity. Open University press.
2. Waters, A.L. (2000). Globalization, information and developing countries: A selected guid to information resources. [Online]. Available at: <http://slis.ualberta.ca/issues/alg1/global.htm>. [www.Genevanews.com/gnir.html/current/E1 Walker.html](http://www.Genevanews.com/gnir.html/current/E1 Walker.html).
3. Giddens, A. (1990). The consequences of modernity, London, Polity Press. Globalization. (2002). [Online]. Available.
4. Walker, G. (2000): Globalization and Education, International Baccalaureate Organization, Geneva News International Report. [www.Genevanews.com/gnir.html/current/E1 Walker.htm](http://www.Genevanews.com/gnir.html/current/E1 Walker.htm)

## The Cultural Strategy of Sacred Defense and Providing Management Strategies for the Continuation of This Culture in Iranian Society

Fatemeh Azizabadi Farahani<sup>7</sup>

Maryam Sadat Mousavi<sup>8</sup>

### abstract

The Islamic Republic of Iran's ۸-year Sacred Defense against Iraq has political, social, economic, and cultural dimensions. Given that most of the fighters during the Sacred Defense era were from popular forces, the role of cultural values and beliefs is very important during this period. Also, the era of Sacred Defense is considered a turning point in the contemporary history of Iran, firstly from a historical perspective, and secondly from a cultural perspective, it has had important impacts and achievements for the country. The aim of this research is to explain the cultural strategy of Sacred Defense and to present management solutions for the continuation of the culture of Sacred Defense in Iranian society. The statistical population in this study is the Sacred Defense fighters, among whom 32 cultural elites and veterans of the Sacred Defense era were questioned. The measurement tool is a questionnaire, the validity of which has been calculated based on Cronbach's alpha to be 0.9. After review and analysis, the findings were determined: The cultural strategy of the Sacred Defense was examined in 5 dimensions, 10 components, and 87 indicators. By determining the importance of each of

---

Member of the Faculty of Science and Research, Islamic Azad University<sup>7</sup>  
Master's Degree in Cultural Management and Planning<sup>8</sup>

them, the results showed that the leadership of Imam Khomeini (RA), Islamic beliefs and values, the command of the Sacred Defense, popularism, and art are, respectively, the most important factors in designing the cultural strategy of the Sacred Defense

### Keywords

Culture, Sacred Defense, Cultural Strategy

## استراتژی فرهنگی دفاع مقدس

### و ارائه‌ی راهبردهای مدیریتی برای تداوم این فرهنگ در جامعه‌ی ایران

فاطمه عزیزآبادی فراهانی<sup>۹</sup>

مریم السادات موسوی<sup>۱۰</sup>

18

#### چکیده

دفاع مقدس ۸ ساله جمهوری اسلامی ایران در برابر عراق، دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. با توجه به اینکه بیشتر رزمندگان دوران دفاع مقدس از نیروهای مردمی بوده‌اند، نقش ارزش‌ها و باورهای فرهنگی در این دوران بسیار حائز اهمیت است. همچنین دوران دفاع مقدس اولاً از حیث تاریخی نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید و ثانیاً به لحاظ فرهنگی تأثیرات و دستاوردهای مهمی برای کشور داشته است. هدف تحقیق حاضر تبیین استراتژی فرهنگی دفاع مقدس و ارائه راهکارهای مدیریتی جهت تداوم فرهنگ دفاع مقدس در جامعه ایران است.

جامعه آماری در این تحقیق رزمندگان دفاع مقدس هستند که از بین آن‌ها ۳۲ نفر از نخبگان فرهنگی و پیشکسوتان دوران دفاع مقدس مورد پرسش قرار گرفته‌اند. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه‌ای است، که اعتبار آن بر اساس آلفای کرونباخ، برابر ۰/۹ محاسبه گردیده است. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل، یافته‌ها مشخص گردید:

<sup>۹</sup> عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

<sup>۱۰</sup> کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی

استراتژی فرهنگی دفاع مقدس در ۵ بعد، ۱۰ مؤلفه و ۸۷ شاخص موردبررسی قرار گرفته که با تعیین میزان اهمیت هر یک از آنها، نتیجه به دست آمده نشان داد که رهبری امام خمینی (ره)، اعتقادات و ارزش‌های اسلامی، فرماندهی دفاع مقدس، مردمی بودن و هنر به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر در طراحی استراتژی فرهنگی دفاع مقدس می‌باشند.

### واژه‌های کلیدی:

فرهنگ، دفاع مقدس، استراتژی فرهنگی

### مقدمه

یکی از مهم‌ترین رخداد‌های معاصر انقلاب اسلامی ایران، دفاع ۸ ساله ایران در برابر تجاوز عراق است. این جنگ باهدف تضعیف انقلاب اسلامی و به علت از دست رفتن پایگاه بلوک غرب و سقوط رژیم وابسته به آن که حافظ منافع غرب در خاورمیانه و منابع انرژی آن بود، باهدف سقوط نظام و در مرحله دوم کنترل و تغییر رفتار آن، از سوی ابرقدرت‌ها به راه افتاد. ایستادگی مردم و حفظ خاک کشور از تجاوز بیگانگان، از دفاع مقدس مردم ایران حماسه‌ای ساخت که شناخت صحیح ابعاد آن و استخراج درس‌ها و واقعیات آن می‌تواند الگو و نمونه موفق در حرکت‌های فرهنگی ایران و سایر ملت‌های مسلمان باشد. این تحقیق باهدف تبیین استراتژی فرهنگی دفاع مقدس و ارائه راهبردهای مدیریتی جهت تداوم این فرهنگ در جامعه ایران صورت می‌پذیرد و در پی آن است که ابعاد و مؤلفه‌های استراتژی فرهنگی این دفاع را روشن نماید.

### بیان مسئله

هر منازعه گرم و برخورد مسلحانه در سطح استراتژیکی که به آن جنگ اطلاق می‌شود، واجد ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و همچنین فرهنگی است. جنگ هشت‌ساله ایران در سال‌های ۶۷-۱۳۵۹ نیز از این قاعده مستثنا نیست. جنگ تحمیلی، به دلیل اینکه ما آغازگر جنگ نبودیم و مبتنی بر باورها، اعتقادات و ارزش‌های اسلامی جنگیدیم، دفاع مقدس نام گرفت<sup>۱۱</sup>. دفاع مقدس مردم ایران در مواجهه با ارتش رژیم بعث عراق، یک دفاع کاملاً مردمی و عمومی

<sup>۱۱</sup>. حضرت امام خمینی (ره): ایران برای خدا قیام کرده است، برای خدا ادامه می‌دهد و جز دفاع، جنگ ابتدایی با هیچ‌کس نخواهد کرد.

بود، چراکه حدود ۸۰ درصد رزمندگان ایرانی را، نیروهای مردمی تشکیل می‌دادند.<sup>۱۲</sup> نیروی مردمی، بیشتر از آنکه از ذخیره دانش نظامی بهره می‌گیرد، از آموخته‌ها و دارایی‌های فرهنگی خود به‌عنوان مهم‌ترین انگیزه دفاع بهره می‌برد. نکته حائز اهمیت این است که رنگ و بوی این دفاع مردمی، ماهیتی دینی داشت و همان‌طور که دین اساساً مقوله‌ای فرهنگی است، مسئله این است که آیا دفاع مقدس مردم ایران یک دفاع نظامی یا «فرهنگ پایه» بوده است اگر این چنین است، پس استراتژی فرهنگی دفاع مقدس چیست و چه ابعاد و مؤلفه‌هایی داشته است؟ آنچه در این میان مجهول و مبهم است اینکه آیا در این دفاع نظامی، فرهنگ، امری تبعی و حاشیه ایست یا جوهری و درونی؟! به بیان صریح‌تر، اگر بعد فرهنگی دفاع مقدس از آن حذف شود، آنچه از مؤلفه‌هایی چون لجستیک و پشتیبانی، آموزش و تجهیزات، ساختار و سازمان باقی می‌ماند چقدر اساسی و چشم‌گیر است؟! و درنهایت اگر دفاع مقدس ماهیتی فرهنگی داشته است، مدل آن چگونه است؟ با این وصف، منظور اصلی تحقیق همان‌گونه که بیان شد تبیین استراتژی فرهنگی به‌عنوان مفهومی کلان شامل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوطه هست.

### اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس، در مجموع از نظر عوامل مادی به‌مراتب از عراق ضعیف‌تر بود. عراق در طول جنگ، به لحاظ داشتن سلاح و تجهیزات، تعداد نیروهای نظامی، بنیه اقتصادی و حمایت‌های نظامی، سیاسی و مالی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، برتری محسوس و غیرقابل‌انکاری نسبت به ایران داشت. با این شرایط می‌توان به عظمت و تأثیر بسیار زیاد عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدس پی برد و از آن درس گرفت و در شرایط کنونی جامعه نیز از دستاوردهای فرهنگی آن دوران استفاده کرد. همچنین تأکیدات بسیار رهبر معظم انقلاب در نگهداری، به فراموشی نسپردن، عبرت‌آموزی و بهره‌برداری از گنجینه عظیم دفاع مقدس نیز اهمیت انجام این تحقیق را می‌رساند.

جهت ضرورت انجام تحقیق به موارد زیر نیز می‌توان اشاره کرد:

- فقدان تحقیق علمی مناسب در خصوص استراتژی فرهنگی دفاع مقدس، به‌عنوان یک رخداد مؤثر در تاریخ معاصر.
- فقدان مدل و الگوی بومی مناسب فرهنگی معاصر که به‌صورت تئوریک مدون شده باشد.
- ضرورت خاص تبیین تاریخ فرهنگی روشمند دفاع مقدس از منظر استراتژی آن به‌عنوان یک الگو و مدل

### اهداف تحقیق

هدف آرمانی: تبیین ارتقا فرهنگی مبتنی بر الگوی فرهنگی دفاع مقدس

هدف کلی: تبیین استراتژی فرهنگی دفاع مقدس و ارائه راهبردهای مدیریتی برای تداوم این فرهنگ در

جامعه‌ی ایران

<sup>۱۲</sup>. سرهنگ مجتبی جعفری جانشین بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش ترکیب نیروهای نظامی ایران در دوران جنگ تحمیلی را این‌گونه برشمرد: «در این جنگ ۲۱۷ هزار ارتشی، ۲ میلیون و ۱۳۰ هزار نیروی بسیجی به همراه ۲۰۰ هزار نیروی سپاه، شهربانی و ژاندارمری در مقابل تجاوز دشمن ایستادند.» (گروه جهاد و مقاومت mashreghnews.ir)

هدف کاربردی:

- ۱- تبیین اجمالی مدیریت دفاع مقدس به عنوان نمونه‌ای مدیریت فرهنگی
- ۲- تبیین مبانی و روش‌های حرکت فرهنگی در بخش قدرت دفاعی ملی در حال و آینده

### سؤالات تحقیق

- ۱- ابعاد و مؤلفه‌های استراتژی فرهنگی دفاع مقدس چیست؟
- ۲- مهم‌ترین راهبردهای مدیریتی برای تداوم فرهنگ دفاع مقدس در جامعه ایران کدام‌اند؟

### روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف با توجه به نوع اطلاعاتی که ارائه می‌دهد، کاربردی است. بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، کنترل متغیرها و قابلیت تصمیم یافته‌ها در این تحقیق از روش پیمایشی و توصیفی استفاده شده است.

### روش جمع‌آوری اطلاعات

به‌طور معمول چهار ابزار عمده برای جمع‌آوری داده‌ها وجود دارند که شامل بررسی اسناد و مدارک، مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه هست. (خاکی، ۱۳۸۸) در این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از کتاب‌ها، مدارک، تحقیقات و دیگر مستندات استفاده گردیده و با استفاده از ابزار مصاحبه و پرسشنامه در چارچوب روش میدانی، سایر داده‌ها و اطلاعات موردنظر جمع‌آوری شده است.

### جامعه آماری

جامعه آماری عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا واحدها که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند. معمولاً در هر پژوهش جامعه موردبررسی یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است درباره صفت متغیر واحدهای آن به مطالعه بپردازد. جامعه آماری این تحقیق شامل فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بخش توصیفی اطلاعات، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. که در این بخش میانگین پاسخ‌ها و میزان انحراف استاندارد محاسبه گردیده است. در بخش استنباطی نیز با همان نرم‌افزار، به منظور بررسی معنی‌داری و اولویت‌بندی داده‌ها از آزمون فریدمن یا تحلیل واریانس دوطرفه استفاده گردیده است.

### تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

۱- فرهنگ: واژه فرهنگ مرکب از پیشوند «فر» به معنی پیش و ریشه باستانی «تنگ» به معنی کشیدن است که در مجموع به برکشیدن و تربیت کردن و برآمدن معنا می‌شود. مفهوم فرهنگ در زبان انگلیسی culture از واژه لاتین cultura گرفته شده است که به معنای کشت و کار بوده است. در زبان عربی نیز فرهنگ به معنی ثقافه است. (سلیمی، ۱۳۷۹) همین‌طور فرهنگ مجموعه‌ای از عقاید اجتماعی درباره‌ی چگونگی زندگی و الگویی برای قضاوت است. (هریس

و هانگیتون، ۱۳۸۳) و بالاخره فرهنگ، سیستمی نمادین است که باید آن را به عنوان نتیجه فعالیت‌های گروهی از افراد که ارزش‌های یکسان با دیگر اقدامات آن‌ها دارد تعبیر، درک، بحث، تشریح و تحسین کرد و مورد توجه قرار داد. (همان) فرهنگ، بیانی ذهنی بر مبنای ارزش‌ها، شرایط، عقاید، موقعیت‌ها و فرضیات رایج در میان افراد هر جامعه است. (همان)

۲- دفاع: تدابیری که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا تکنولوژیکی توسط یک کشور یا چند کشور موله ایجاد می‌شود. دفاع بر مواردی چون دفاع استراتژیکی، دفاع تاکتیکی، دفاع داخلی، دفاع در خط مقدم، دفاع عامل، دفاع غیرعامل، دفاع غیرنظامی، دفاع در عمق، دفاع نقطه‌ای و دفاع منطقه‌ای اطلاق می‌شود. (کالینز، ۱۳۷۰)

۳- مدیریت: مدیریت به معنی فرایند انجام کارها به طور اثربخش و کارآمد به وسیله دیگران است. وظایف مدیران شامل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل هست. (رابینز و دی سنزو، ۱۳۸۶)

۴- مدیریت فرهنگی: مدیریت فرهنگی، مدیریت بر سیستم‌ها و سازمان‌های خرد و کلانی است که با رویکرد و اهداف فرهنگی مهندسی شده باشند و اداره‌ی آن سیستم و سازمان، با رویکرد و اهداف فرهنگی صورت پذیرد. (نقشه مهندسی کشور، ۱۳۸۵)

۵- مدیریت استراتژیک فرهنگی: مدیریت استراتژیک فرهنگی، مدیریت بازده فرهنگی، در هدایت سیستم‌ها و نهادهای خرد و کلانی است که با رویکرد و اهداف فرهنگی مهندسی شده باشند. (همان)

۶- استراتژی: استراتژی در ابتدا یک واژه نظامی بود که در فرهنگ لغات آکسفورد چنین تعریف شده است: «هنر یک فرمانده کل قوا، هنر طراحی و هدایت عملیات بزرگ نظامی و مانورهای بزرگ.» (آرمسترانگ، ۱۳۸۱)

ریشه‌ی لغتی استراتژی به کلمه‌ی استراتژوس یونانی برمی‌گردد. استراتژوس در واقع لقب رهبران ارتش باستان آتنی‌ها بوده و واژه‌ی استراتژوس از استراتوس به معنی ارتش است. امروز این واژه برای طرح‌ریزی جامع در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به کار می‌رود. (لطیفیان، ۱۳۸۴)

هنر و علم به میدان آوردن منابع و نیروها، استراتژی خوانده می‌شود.

۷- استراتژی فرهنگی: هنر انسجام بین عوامل مختلف درونی و بیرونی و ایجاد تعامل هم‌افزایی بین آن‌ها برای تحقق هدف‌های فرهنگی با سه ویژگی جامع‌نگری، دورنگری و انعطاف‌پذیری (بابایی، ۱۳۸۴)

چهارچوب نظری

با مطالعه منابع و مستندات مربوطه و مرور ادبیات و سوابق نظری در سه حوزه فرهنگ و استراتژی فرهنگی و دفاع مقدس، به ویژه با تأکید بر آیات قرآن و احادیث در مورد جهاد و دیدگاه‌ها و نظریات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و تحقیقات انجام شده، ساختار مفهوم مفهومی پژوهش تعیین گردید:

### استراتژی

هنری مینتزرگ، به عنوان یکی از متأخرین در این حوزه برای استراتژی پنج معنی پیشنهاد می‌کند. استراتژی به معنی طرح<sup>۱۳</sup>، استراتژی به معنی تمهید<sup>۱۴</sup>، استراتژی به معنی الگو<sup>۱۵</sup>، استراتژی به عنوان وضعیت<sup>۱۶</sup> و استراتژی به معنی دیدگاه<sup>۱۷</sup>. گروه مشاوران بوستون استراتژی را امری مربوط به «جایگاه سازمان در میدان‌های رقابتی» می‌دانند و مشاوران مک کینزی آن را با عبارت «درک ابعاد مختلف ساختار صنعت و مبانی رقابت در آن» بیان می‌کنند. تعاریف و تعبیر متفاوت همگی درست هستند اگر و فقط اگر فلسفه استراتژی را به همراه خود داشته باشند. یعنی بر درک و استفاده از فرصت‌ها استوار باشند استراتژی یک برنامه نیست بلکه یک طرز نگرش است. (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۴)

قدرت اصلی تصمیم‌گیری استراتژیک هنگامی ظاهر می‌شود که مفاهیم آن به صورت یک «نگرش» در رفتار فرد تصمیم‌گیر رسوخ کند. این نگرش، مبنایی برای تفکر استراتژیک به شمار می‌آید. تفکری که بستر شکل‌گیری استراتژی اثربخش است. (همان)

همچنین استراتژی عبارت است از تعیین اهداف و آرمان‌های بلندمدت و اساسی برای یک شرکت و پذیرش مجموعه‌ای از اقدامات و تخصیص منابع لازم برای حصول به این اهداف و آرمان‌ها. (اعرابی، ۱۳۸۵)

علی‌رغم تشتت آرای که در تعریف استراتژی وجود دارد می‌توان در یک جمع‌بندی آن را به صورت زیر تعریف کرد: «هنر ایجاد سازگاری و تعامل هم‌افزایی (سین‌رژ) بین عوامل و منابع مختلف درونی و بیرونی با حفظ ویژگی دورنگری، آینده‌نگری و انعطاف‌پذیری در راستای آرمان‌ها و منافع حیاتی». (اعرابی، ۱۳۸۵)

### استراتژی فرهنگی

استراتژی فرهنگی، تعیین‌کننده مسیر و راهی است که متناسب با فرصت‌ها و تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های محیطی برای نیل به اهداف فرهنگی تدوین می‌شوند. (همان)

همچنین می‌توان گفت استراتژی فرهنگی، هنر انسجام بین عوامل مختلف درونی و بیرونی و ایجاد تعامل هم‌افزایی بین آن‌ها برای تحقق هدف‌های فرهنگی با سه ویژگی جامع‌نگری، دورنگری و انعطاف‌پذیری. (بابایی، ۱۳۸۴)

### الگوی شکل‌گیری استراتژی فرهنگی

عوامل مؤثر در استراتژی فرهنگی از سه جهت مورد توجه هستند:

الف- آرمان‌ها، منافع حیاتی و سیاست‌ها: مقوله‌هایی هستند که به صورت طولی واقع شده و هرکدام انعکاسی از بالا. به عبارتی سیاست‌ها باید‌ها و نباید‌هایی هستند که با توجه به اهداف، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و فشارها تدوین می‌گردند. اهداف همان منافع کمی شده می‌باشند. منافع حیاتی اموری هستند که کلیت یک نظام و سیستم بر طبق آن‌ها می‌چرخد. این منافع انعکاسی از آرمان‌های دینی، مذهبی، مکتبی و حتی سیاسی است که مبتنی بر نوع نگرش‌ها متفاوت می‌گردد.

ب- قوت‌ها و ضعف‌ها: هر محیطی بر طبق ویژگی‌ها و خصوصیات که بر آن مترتب است، در مقایسه با محیط‌های دیگر از یک سری نقاط قوت و ضعف برخوردار است. رعایت این ویژگی‌ها از عوامل مهم و مؤثر در هر استراتژی از جمله استراتژی فرهنگی است.

ج- فرصت‌ها و فشارها: دو سازمان یا دو جامعه وقتی باهم مقایسه می‌گردند، نقاط قوت و ضعف هرکدام نسبت به دیگری به فرصت‌ها و عوامل فشار تبدیل می‌گردد.

نکته قابل توجه این است که نوع نگرش به جهات داخلی و خارجی بر اساس اصول و مبانی برخاسته از آرمان‌ها و منافع صورت می‌گیرد. به معنای دیگر، نوع نگاه به هستی و جایگاه انسان در آن، تشکیل‌دهنده مبانی و عناصر اصلی ارزش‌ها و جهات فکری است. (همان)

### استراتژی‌های مدیریت فرهنگ

استراتژی‌های مدیریت فرهنگ به منظور دستیابی و تحقق اهداف بلندمدت برای یکی از دو منظور زیر طراحی می‌شوند:

۱. تغییر فرهنگ به روش خاص ۲. تقویت فرهنگ موجود سازمان - یعنی ارزش‌ها و راه‌های انجام کارها؛ بنابراین دودسته استراتژی در مقوله مدیریت فرهنگ داریم:

۱. استراتژی تغییر فرهنگ: برای تغییر وضعیت فرهنگی موجود سازمان و تبدیل آن به وضعیت فرهنگی مطلوب.
۲. استراتژی تقویت فرهنگ: تا وقتی که فرهنگ موجود مناسب به نظر می‌رسد، باید تلاش کرد که ویژگی‌های آن حفظ و تقویت شود. (اعرابی ۱۳۸۵)

## دفاع مقدس

## ۱-۶-۲- ماهیت جنگ تحمیلی

جهاد دفاعی زمانی است که جنگ بر فرد یا جمعیتی تحمیل شود و مورد هجوم قرار می‌گیرند در اینجا نیز تمام قوانین آسمانی از جمله اسلام و همچنین قوانین بشری، آن‌ها که عاقلانه حکم می‌کنند، به فرد یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده‌اند حق می‌دهد که از خود دفاع کنند. (حسینعلی، ۱۳۹۱)

در روزهای آغازین جنگ، شبهاتی درباره دفاع مشروع مطرح می‌شد. زمینه بروز این شبهات، اسلامی بودن کشور عراق و مسلمان بودن نیروهای عراقی بود. از این رو، حضرت امام به دفع این شبهات و تبیین ماهیت جنگ و متجاوزان پرداخت تا رزمندگان اسلام با بصیرت کامل به دفاع مقدس خویش ادامه دهند. ماهیت جنگ عراق علیه ایران از دیدگاه امام دارای سه مشخصه ذیل بود:

۱ - جنگ اسلام و کفر

۲ - جنگ حق و باطل

۳ - جهاد دفاعی (شیداییان، ۱۳۸۰)

## جهاد فی سبیل الله نقطه تمایز دفاع مقدس با سایر جنگ‌ها

بسیاری از ویژگی‌های دفاع مقدس با نحوه دفاع سایر ملت‌ها و حماسه‌ها و ایثارها و فنون دفاعی و رزمی مشترک است؛ اما آنچه دفاع مقدس ما را از سایر دفاع‌ها متمایز کرده، یعنی آن هسته مرکزی و امتیاز خاص و برجستگی دفاع مقدس، همان کلمه فی سبیل الله است.

در رابطه با شهادت‌طلبی شما می‌بینید ژاپنی‌ها در زمینه عملیات انتحاری اعجوبه آفریدند. این خصلت فی سبیل الله بودن است که به حماسه‌ها صبغه و رنگ جدید می‌دهد. جهاد، عملیات رزمی فی سبیل الله است در خدمت انسانیت و برای انسانیت. در اسلام شبیخون حرام است. در فقه شیعه جهاد ابتدایی مشروط به حضور امام است. استفاده از سلاحی که به‌غیر از دشمن به دیگری نیز صدمه می‌زند ممنوع است. در فقه ما اسیر جنایت‌کار نیست، مجروح جنگی را نمی‌شود به حال خودش رها کرد. حتی حقوق فرهنگی اسرا در فقه ما رعایت شده است. (شیداییان، ۱۳۸۹)

## فرهنگ دفاع مقدس:

از نظر قرآن کریم، رزمندگان اسلام باید دارای ویژگی‌ها و صفات اخلاقی خاصی باشند تا بتوانند کیان خویش را در برابر تهاجم بیگانه حفظ کنند در اینجا به اختصار، به تعدادی از این ارزش‌ها و ویژگی‌های اخلاقی اشاره می‌کنیم:

۱ - صبر و پایداری

قرآن کریم تصریح می‌کند که از عوامل پیروزی‌آفرین در صحنه نبرد، صبر و پایداری رزمندگان است: ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما، بیست تن شکیبیا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یک‌صد تن شکیبیا باشند بر هزاران تن از کافران پیروز می‌گردند، چراکه آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند.<sup>۱۸</sup> اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. پس اگر از [میان] شما یک‌صد تن شکیبیا باشند، بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند و خدا با شکیبایان است.<sup>۱۹</sup>

## ۲ - یاد خدا

قرآن کریم، رزمندگان مسلمان را توصیه می‌کند به هنگام برخورد با دشمن، خداوند متعال را بسیار یاد کنند تا پیروز و رستگار شوند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید، پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید.<sup>۲۰</sup>

## ۳ - توکل

توکل به خداوند متعال از جمله ارزش‌هایی است که قرآن کریم رزمندگان مسلمان را بارها بدان توصیه می‌کند: اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.<sup>۲۱</sup> قرآن کریم همچنین سیمای رزمندگان متوکل را این‌گونه ترسیم می‌کند: همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان برای [جنگ با] شما گردآمده‌اند؛ پس از آن بترسید؛ و [ولی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.<sup>۲۲</sup>

## ۴ - شوق جهاد

از ارزش‌های اخلاقی که قرآن کریم برای مؤمنان رزمنده برمی‌شمارد، شوق جهاد در راه خدا است؛ مؤمنانی که اگر نمی‌توانستند در صحنه نبرد حضور پیدا کنند، سخت غمگین می‌شدند و اشک از دیدگانشان جاری می‌گشت: و [نیز] گناهی نیست بر کسانی که چون پیش تو آمدند تا سوارشان کنی [و] گفتی: چیزی پیدا نمی‌کنم تا بر آن

<sup>۱۸</sup>. انفال، آیه ۶۵.

<sup>۱۹</sup>. انفال، آیه ۶۶.

<sup>۲۰</sup>. همان، آیه ۴۵.

<sup>۲۱</sup>. آل‌عمران (۳)، آیه ۱۶۰. همچنین رک: آل‌عمران، آیه ۱۲۲ و توبه (۹)، آیه ۵۱.

<sup>۲۲</sup>. آل‌عمران (۳)، آیه ۱۷۳.

سوارتان کنم، برگشتند و در اثر اندوه، از چشمانشان اشک فرومی ریخت که [چرا] چیزی نمی یابند تا [در راه جهاد] خرج کنند.<sup>۲۳</sup>

## ۵ - اخلاص

در قرآن کریم، جهاد و دفاع با قید (فی سبیل الله) همراه است و رزمندگان و مجاهدان از آن رو مورد تمجید قرار می گیرند و به آنان وعده پاداش اخروی داده می شود، که در راه خدا می جنگند.<sup>۲۴</sup>

## ۶ - شهادت طلبی

از نظر قرآن کریم، شهادت و کشته شدن در راه خدا، عین حیات و برخوردارگی از رزق و نعمت های خاص الهی است<sup>۲۵</sup> و کسی که در راه خدا به شهادت برسد، به مقامی متین و درجه ای رفیع بار یافته است.<sup>۲۶</sup> از این رو، رزمندگان اسلام، نه تنها در میدان نبرد از مرگ نمی هراسند، که آرزو و دعا می کنند که در راه خدا کشته شوند.<sup>۲۷</sup>

ارزش های اخلاقی دیگری در قرآن کریم برای مجاهدان و رزمندگان اسلام بیان شده است. قرآن کریم افزون بر ارزش های اخلاقی، از پاره ای ضد ارزش های اخلاقی نام می برد که آفت نیروهای رزمنده در صحنه نبرد است و باعث شکست آنان در برابر دشمن می شود. دنیا طلبی، غرور، فرار، تفرقه و اختلاف، نافرمانی، راحت طلبی، از آن جمله اند. (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۰)

رهبر معظم انقلاب نیز در سخنرانی های متعددی اهمیت فرهنگ دفاع مقدس را مورد تأکید قرار داده، می فرماید: خاطرات و واقعیات و درس های هشت سال دفاع مقدس، یک فرهنگ سازی و جاری و سرچشمه ای است که اگر به درستی درک و فهم شود، قطعاً به سود ملت ایران و آینده کشور خواهد بود. (بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در دیدار جمعی از فرماندهان نظامی و انتظامی، ۹۳/۷/۲) همچنین ویژگی های فرهنگ دفاع مقدس را این چنین بیان می کنند:

هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه ای زمانی نیست؛ گنجینه ای عظیمی است که تا مدت های طولانی ملت ما می تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه گذاری کند. حادثه ای عظیم این هشت سال، مجموعه ای است از صفات والا، فرهنگ های پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والایی که ملت

<sup>۲۳</sup>. توبه (۹)، آیه ۹۲.

<sup>۲۴</sup>. رک: نساء (۴)، آیه ۹۵ و توبه (۹)، آیه ۲۰.

<sup>۲۵</sup>. رک: نساء (۴)، آیه ۷۴؛ آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹ و محمد (۴۷)، آیه ۴۷.

<sup>۲۶</sup>. در آیه ۱۱۲ سوره توبه، برخی از این ارزش ها بیان شده است. در این آیه آمده است: ((أَنْ مُمَانًا [همان توبه کنندگان، پرستندگان، سپاسگزاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررت خدایند و مؤمنان را بشارت ده.))

<sup>۲۷</sup>. رک: نساء (۴)، آیه ۹۴؛ توبه (۹)، آیه ۲۵؛ انفال (۸)، آیه ۱۵ - ۱۶؛ احزاب (۳۳)، آیه ۱۶؛ انفال (۸)، آیه ۴۶؛ آل عمران (۳)، آیه ۱۵۲ و توبه (۹)، آیه ۸۱.

ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده، که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد. آنچه در دوران آن هشت سال از بروز خصلت‌های والا و پسندیده‌ی انسانی، از شجاعت، از ایثار، از اخلاص، از صدق و صفا، از بروز تدبیرهایی که از یک جوان چنین تدابیری انتظار نمی‌رفت - این برجستگی‌هایی که در دوره‌ی هشت سال دفاع مقدس به وجود آمد - اتفاق افتاد، با هزینه‌های زیادی هم همراه بود. چقدر جان عزیز فدا شد....

آن عزتی، اعتمادبه‌نفسی، احساس اقتداری که از ناحیه‌ی معنویت رزمندگان ما و جامعه‌ی اسلامی ما احساس شد و توانست آن حادثه‌ی عجیب و شگفت‌انگیز - یعنی پیروزی در دفاع مقدس و شکست نخوردن در مقابل تهاجم این‌همه دشمن - را رقم بزند، آن خصوصیات، آن خصلت‌ها، برای ملت ما، برای کشور ما، یکی از بزرگ‌ترین نیازهاست. این‌ها را بایستی نگاه داریم و در مقابله‌ی با تلاشی که می‌شود برای به فراموشی سپردن آن‌ها، مقاومت کنیم....

آنچه در جمع‌بندی دفاع مقدس، انسان می‌تواند بگوید، این است که این هشت سال، مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آن‌ها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دین‌داری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است. (بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس، ۸۸/۶/۲۴) ایشان توجه به شکوفایی استعدادها و تدبیر جوان‌های حاضر در جبهه‌ها را از ارزش‌های دفاع مقدس می‌دانند و می‌فرمایند: جنگ، کار پیچیده‌ای است. مدیریت جنگ و فرماندهی جنگ، کار بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. این کار را جوان‌های نوس ما در بسیاری از بخش‌ها انجام می‌دادند. این تدبیر، این حکمت، چیز بسیار شگفت‌آوری است؛ مظهر شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌هاست. چقدر جوان‌های کم‌سال رفتند در جبهه و توانستند در آنجا کارهای بزرگ از خودشان نشان بدهند. بعضی شهید شدند، بعضی هم جزو سرمایه‌های انقلاب بودند، بعدها کشور از این‌ها استفاده کرد. حقیقتاً این‌جوری بود که سپاه پاسداران یکی از مراکز صدور نیرو به همه جای کشور شده در طول این بیست‌وهفت هشت سال؛ به خاطر اینکه جنگ توانست از یک مجموعه‌ی جوان، مجموعه‌ای از عناصر کارآمد و بااستعداد درست کند و تحویل بدهد؛ چون استعدادها در این‌ها شکوفا شد. جنگ مظهر این ارزش‌هاست. این‌ها چیزهایی نیست که هیچ ملتی از این‌ها خود را بی‌نیاز بداند. (بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس، ۸۸/۶/۲۴)

**رهبر معظم انقلاب ایمان قلبی و باور به دین و قیامت را ضامن عزم و همت رزمندگان می‌دانند و می‌فرمایند:**

همیشه عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی و قاطعیت و شجاعت شما می‌تواند همه‌ی دشمنان را هرچند به‌ظاهر بزرگ و نیرومند باشند، به شکست بکشاند. امروز هم همین‌جور است؛ فردا هم همین‌جور است. ملت ایران اگر بخواهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد - که می‌خواهد و ان‌شاءالله خواهد رسید - راهش عبارت است از شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ، اراده‌ی مستحکم از سوی زن و مرد؛ و همه‌ی این‌ها متکی بر ایمان، ایمان اسلامی. آن چیزی که ضامن این عزم و همت راسخ در

رزمندگان ما بود، ایمان قلبی‌شان بود. دین را، خدا را، قیامت را، مسئولیت انسانی در مقابل خدا را باور داشتند؛ این باور در هر ملتی، در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد، او را آسیب‌ناپذیر می‌کند؛ می‌توانند مقاومت کنند

همچنین درباره حضور و ایستادگی مردم می‌فرمایند: مهم‌ترین نقطه‌ی قوت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه‌ی قوت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازمان‌دهی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه‌ی کشورهای دنیا یک نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی؛ همان‌که امیرالمؤمنین در جنگ صفین فرمود: «أَلَا لَيَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ أَلَا أَهْلَ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ»؛ بصر یعنی بصیرت و آگاهی؛ صبر یعنی پایداری. (بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی در دیدار خانواده معظم شهدا و... استان همدان، ۱۶/۴/۸۳)

رهبر معظم انقلاب درباره ویژگی‌های فرماندهی و رهبری حضرت امام در دفاع مقدس می‌فرماید: غیر از دوران پیامبر، فرمانده کل قوای عارف و حکیم و عاشق و الهی در دنیا سراغ نداریم... ما در هیچ جای دنیا، نه امروز و نه در گذشته، نیروی نظامی‌ای را سراغ نداریم که تحت فرماندهی انسانی معنوی و الهی و عارف و دارای رقیق‌ترین احساسات بشری و درعین‌حال با قاطعیت و صلابتی که هیچ فرماندهی در دنیا از آن برخوردار نیست، به حراست و دفاع از ناموس و حیات شرافتمندانه ملت در مقابل تجاوزگران بپردازد. همچنین، در تبیین نقش معنوی امام در ایجاد تحول روحی رزمندگان می‌فرماید: در حقیقت فاتح این فتح الفتوح خود او بود؛ او بود که این انسان‌ها را ساخت، او بود که این فضا را مهیا کرد، او بود که این مسیر را به وجود آورد، او بود که ارزش‌های اسلامی را بعد از انزوا و خمول دوباره احیا کرد. (شیداییان، ۱۳۸۰)

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، پیروزی رزمندگان را در قدرت ایمان و عشق به شهادت می‌دانند و می‌فرمایند: افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاءالله، این‌هاست که پیروزی می‌آورد. پیروزی را شمشیر نمی‌آورد، پیروزی را خون می‌آورد. پیروزی را افراد و جمعیت‌های زیاد نمی‌آورد، پیروزی را قدرت ایمان می‌آورد. ما أَكْثَرَ الضَّجِيحِ وَأَقَلَّ الْحَجِيحِ؛ حاجی خیلی می‌رود به مکه، لکن آن‌که حج الهی را بجا می‌آورد، آن کم است و سپاه پاسداران و بسیج و ارتش، آن اقلیتی هستند در جنگ و آن اقلیتی هستند در نبرد که كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ. این برکت اسلام است. این برکت قرآن کریم است که در بین ما هست. اسلام است که همه قشرها را به هم پیوند می‌دهد و یک هم‌چو بسیج عمومی درست می‌کند. (صحیفه نور، موسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره))

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور، جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم، جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوش‌گذرانی‌های مرفهین و حاکمان

بی‌درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی‌شناسد، این جنگ خانه و کاشانه و شکست و تلخی و کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی - انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوش‌گذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست.» (شیداییان، ۱۳۸۰)

همچنین ایشان ارزش‌های دفاع مقدس را این‌چنین برمی‌شمارند: آن اخلاص و محبت شما و آن ایثار در راه خدا، بالاترین ارزش است برای شما. آن ایثار و اخلاص است که حتی در ترازوی عالم غیب هم نمی‌شود که سنجش بشود. آن پیش‌خدا، تبارک‌وتعالی سنجش می‌شود و ما مفتخریم که در یک همچو برهه از زمان واقع شدیم، که مثل شما عزیزان در آنجا و در آن زمان و در آن مکان واقع شدید و ما از هوایی تنفس می‌کنیم که شما از آن هوا تنفس می‌کنید. شما ایثارگرید و شما اخلاص‌مندید، شما بر نفس خود پیروز شدید و ما عقب ماندیم. (بنی‌لوحی، ۱۳۷۸)

حضرت امام همچنین از شاعران، نویسندگان و هنرمندان دعوت می‌کرد تا گوشه‌هایی از تلاش‌های مخلصانه و ایثارگرانه رزمندگان اسلام در دفاع از اسلام و میهن اسلامی را با شیوه‌ای نو و هنرمندانه به ملت ایران عرضه و مردم را برای حضور بیش‌تر و جدی‌تر در جنگ تهییج نمایند: در محافل هفته‌ی جنگ، فواید و نتایج و پیامدهای آن (دفاع مقدس) را برشمارند و روح شجاع این رزمندگان را هرچه بیش‌تر تقویت کنند. صحیفه نور امام خمینی (ره)، ج ۱۶، ص ۱۹۸)

30

همچنین در تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها از پژوهش‌های زیر استفاده شده است: بر اساس یک پژوهش علمی بر روی هشت هزار وصیت‌نامه شهدا، این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی همچون الهام گرفتن از مکتب عاشورا، تبعیت از ولی امر زمان و دفاع از جمهوری اسلامی انگیزه‌های اصلی شهدای ما برای رفتن به جبهه‌ها بوده است و در بین همه وصیت‌نامه‌ها حتی یک مورد مسئله ملی‌گرایی و ایران منهای اسلام به‌عنوان هدف مطرح نبوده است.

در بررسی دیگری که بر روی پنجاه‌هزار وصیت‌نامه شهید به‌عمل آمده در جامعه آماری ما به‌طور میانگین در هر وصیت‌نامه ۴ بار نام امام حسین علیه‌السلام، کربلا، عاشورا، زینب و ابوالفضل می‌باشد. به‌طور متوسط در هر وصیت‌نامه ۴ بار نام امام خمینی (ره) و نایب امام زمان آورده شده است. در صد در صد وصیت‌نامه‌ها حداقل یک‌بار انگیزه حضور در جنگ، دفاع از اسلام آمده است. در ۲۵ درصد وصیت‌نامه‌ها، دفاع از ایران به‌عنوان جمهوری اسلامی آمده و در هیچ موردی اسمی از ایران منهای اسلام نیامده و در ۵ درصد نفی وطن‌پرستی و ملی‌گرایی شده است. (حسینعلی، ۱۳۹۱)

در مقاله پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مدیریتی مؤثر بر عملکرد فرماندهان سپاه در دفاع مقدس که توسط سید مصطفی مدنی در سال ۱۳۸۷ نگاشته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد به ترتیب اصل پیشتازی و پیش‌قدمی، سبک مدیریتی Z، سبک Y، ویژگی‌های فردی، اشتراک فرهنگی و سبک X در موفقیت فرماندهان تأثیرگذار بوده است.

درمجموع این پژوهش نشان می‌دهد موفقیت در فرماندهی با نفوذ در رفتار زیردستان و به دست آوردن رضایت خاطر آن‌ها رابطه تنگاتنگی دارد. (مدنی، ۱۳۸۷)

مقاله پژوهشی با عنوان بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده که توسط خودسیانی، مصطفی، مرادپیری، هادی، خان احمدی، اسماعیل در سال ۱۳۹۱ نگاشته شده است. در نتایج حاصل از تحقیق اخلاق فرماندهی بهترین شاخص فرماندهی نظامی به دست آمده است. خودسیانی و همکاران، (۱۳۹۱)

مقاله پژوهشی با عنوان تبیین عوامل شکل دهنده روحی و معنوی رزمندگان در دوران دفاع مقدس که توسط محمدمهدی بهداروند، محمدرضا قرایی آشتیانی و چمران بویه در سال ۹۲ نگاشته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اسلام ناب بیشترین تأثیر و منافع اقتصادی کمترین تأثیر را در روحیه مقاومت رزمندگان داشته است. ( بهداروند و همکاران، ۱۳۹۲)

مقاله پژوهشی با عنوان منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران (مطالعه موردی؛ تحلیل وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع)) که توسط اصغر افتخاری و محمد جانی پور نگاشته شده و در سال ۹۱ چاپ شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که منابع فرهنگی قدرت نرم بیشترین سهم از تأکید را نزد شهدا داشته است که عبارت‌اند از: باورهای دینی و ایمان محوری، جهاد و مجاهدت رزمندگان انقلابی، عزت مداری و الگوگیری از قیام عاشورا، توسعه علمی کشور. منابع سیاسی قدرت نرم دومین اولویت را نزد شهدا داشته است که عبارت‌اند از: پرچم‌داری انقلاب اسلامی، تأکید بر ولایت مداری و رهبری، تأکید بر وحدت و اعتماد ملی، تأکید بر احیای هویت جهان اسلام. (افتخاری و جانی پور، ۱۳۹۲)

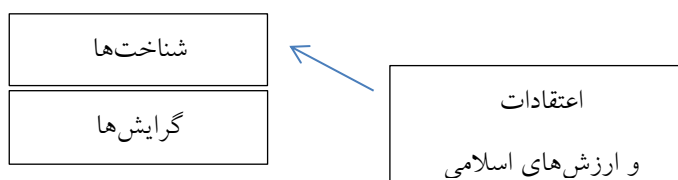
پژوهش انجام شده با عنوان بررسی عوامل حضور بسیجیان در جبهه‌های نبرد توسط حسینعلی احسانی که سال ۹۱ توسط پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس به چاپ رسیده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد انگیزه حضور رزمندگان در جبهه‌ها، اول انگیزه‌های معنوی و دوم خصوصیات و شیوه رهبری امام خمینی (ره) بوده است و انگیزه‌های اجتماعی و مادی تأثیر کمی در انگیزه حضور ایشان داشته است. (حسینعلی، ۱۳۹۱)

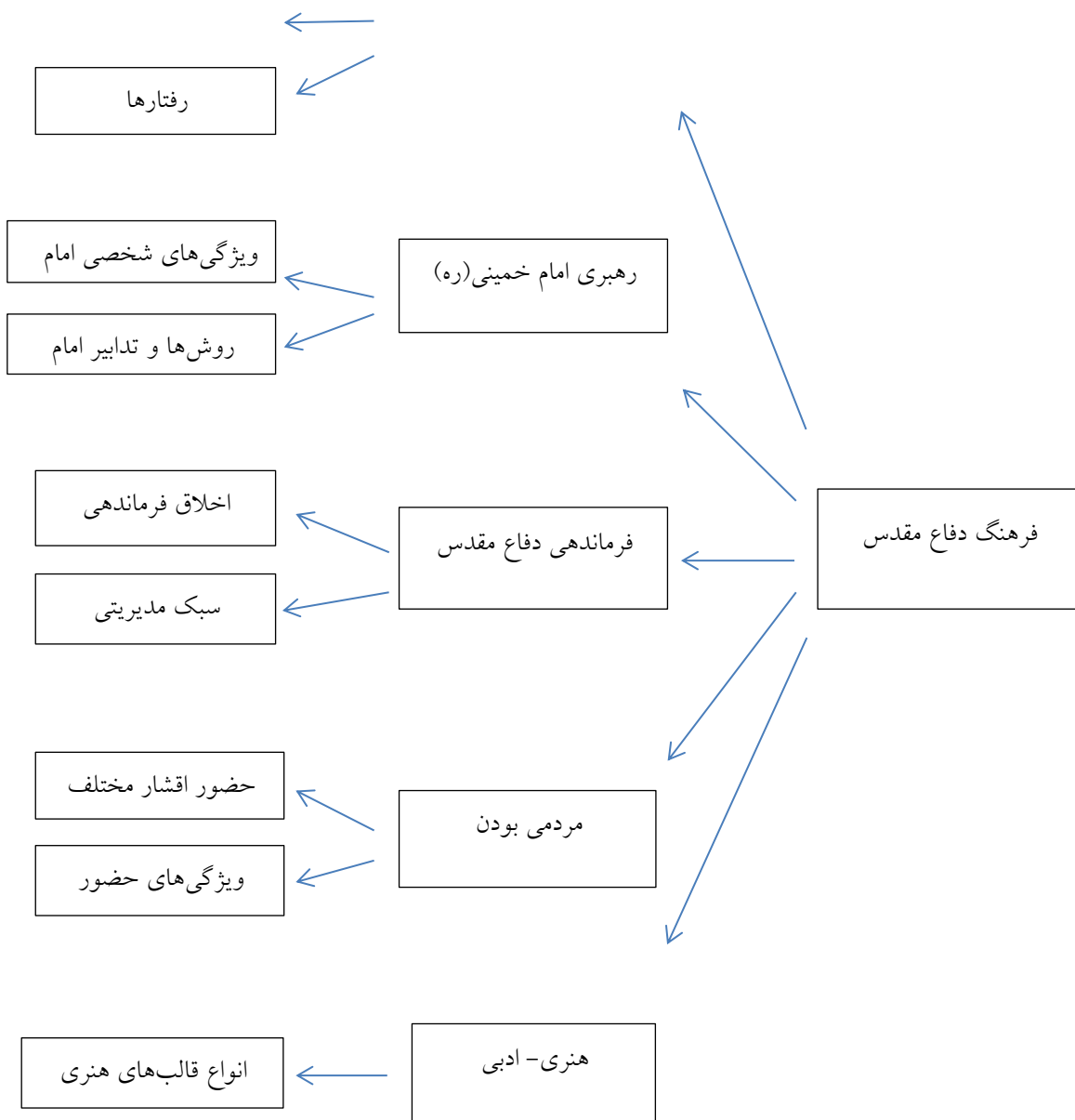
پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی که توسط مصطفی رسولی در سال ۱۳۷۹ با عنوان فرماندهی امام خمینی و پیروزی عملیات‌ها از آغاز جنگ تا پایان عملیات بیت المقدس نگاشته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، ظهور روحیه تهاجمی و دفع دشمن از زمانی است که بنی صدر عزل می‌گردد و حضرت امام شخصاً عهده‌دار فرماندهی کل قوا می‌گردد و با همان امکانات، در سایه تدابیر و هدایت، رزمندگان اسلام به پیروزی دست یافتند. (مصطفی، ۱۳۷۹).

پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت که توسط مهدی مولائی آرائی در سال ۱۳۸۹ با عنوان بررسی عوامل جهت دهنده سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس نگاشته شده است. در این تحقیق مهم‌ترین مقوله‌های سرمایه اجتماعی، رهبری و ولایت امام خمینی (ره)، مبانی اعتقادی مردم، صفات روحی مردم و شرایط جنگ و فضای سیاسی ارزیابی شده است. (مولائی آرائی، ۱۳۸۹)

#### نمودار ۱-۱: مدل مفهومی تحقیق

#### ۷- مدل مفهومی





### متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته: استراتژی فرهنگی دفاع مقدس

متغیرهای مستقل: اعتقادات و ارزش های اسلامی، رهبری امام خمینی (ره)، مدیریت و فرماندهی دفاع مقدس، مردمی بودن و هنر و ادبیات

### یافته های تحقیق

بر اساس روش های ذکر شده در روش تجزیه و تحلیلی اطلاعات، در دو بخش توصیفی و استنباطی یافته های پیمایش ارائه می گردد. قابل ذکر است، محاسبه میانگین و انحراف برای تمامی ابعاد، مؤلفه ها و شاخص ها محاسبه گردیده که در اینجا محاسبه برای ابعاد ذکر می گردد:

انحراف استاندارد	میانگین	ابعاد	
12.49	83.53	اعتقادات و ارزش‌های اسلامی	ابعاد فرهنگی
9.62	91.53	رهبری امام خمینی (ره)	
11.27	83.5	فرماندهی دفاع مقدس	
12.53	80.66	مردمی بودن	
17.33	63.47	هنری - ادبی	

بررسی میزان اهمیت تفاوت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ دفاع مقدس با استفاده از آزمون فریدمن صورت گرفته است که برای نمونه محاسبه برای معناداری تفاوت ابعاد ذکر می‌گردد: با استناد به مقدار آماره آزمون کای اسکوئر (۷۹.۹۳۷) و درجه آزادی ۴ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰ و مقایسه آن با سطح خطاپذیری ۰.۰۱، نتیجه می‌گیریم که به لحاظ آماری با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱، تفاوت معناداری بین ابعاد استراتژی فرهنگی دفاع مقدس وجود دارد. ( $p < 0.01$ )

## رتبه‌بندی ابعاد

رتبه	میانگین رتبه	ابعاد
دوم	3.25	اعتقادات و ارزش‌های اسلامی
اول	4.70	رهبری امام خمینی (ره)
سوم	3.08	فرماندهی دفاع مقدس
چهارم	2.73	مردمی بودن
پنجم	1.23	هنری - ادبی

رتبه‌بندی مؤلفه‌ها

رتبه	میانگین رتبه	مؤلفه‌ها	ابعاد
اول	۲.۳۴	گرایشی	اعتقادات و ارزش‌های اسلامی
دوم	۱.۹۵	شناختی	
سوم	۱.۷۰	رفتاری	
اول	۱.۸۰	ویژگی‌های حضرت امام	رهبری امام خمینی (ره)
دوم	۱.۲۰	تدابیر و روش‌های حضرت امام	
اول	۱.۷۸	اخلاق فرماندهی	فرماندهی دفاع مقدس
دوم	۱.۲۲	سبک مدیریتی	
دوم	۱.۱۶	حضور اقشار، قومیت‌ها و اقلیت‌ها	مردمی بودن
اول	۱.۸۴	ویژگی‌های حضور مردمی	
-	-	انواع قالب‌های هنری	هنری

34

رتبه‌بندی شاخص‌ها

رتبه	میانگین رتبه	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
اول	3.98	خداشناسی	شناختی
دوم	3.2	بصیرت دینی	
سوم	3.19	دین‌شناسی	
چهارم	2.53	دشمن‌شناسی	
پنجم	2.09	انسان‌شناسی	
اول	11.75	خدایم‌محوری	گرایشی
دوم	10.8	ولایت‌مداری	
سوم	10.23	اعتقاد به جهاد	
چهارم	10.02	روحیه جهادی	
پنجم	9.92	روحیه حماسی	
ششم	9.84	روحیه انقلابی	
هفتم	9.81	تشبه به شهدای کربلا	
هشتم	9.72	شهادت‌طلبی	
نهم	9.44	توکل	
دهم	9.2	آخرت‌گرایی	
یازدهم	9.02	اخلاص	
دوازدهم	8.84	تکلیف‌گرایی	
سیزدهم	8.22	روحیه آرمان‌خواهی	
چهاردهم	7.55	عزتمندی و غرور ملی	
پانزدهم	7.52	باور به امداد غیبی	
شانزدهم	6.75	تولی و تبری	

هفدهم	4.38	خودباوری	رفتاری
اول	16.78	التزام به ولایت فقیه	
دوم	15.19	ایثار و فداکاری	
سوم	14.95	تعاون و همکاری	
چهارم	14.81	شجاعت	
پنجم	14.78	صبر و استقامت	
ششم	14.23	قناعت و ساده زیستی	
هفتم	13.44	صداقت	
هشتم	13.41	کسب رزق حلال	
نهم	13.14	انس با قرآن	
دهم	13.12	فروتنی و تواضع	
یازدهم	12.84	اخوت و همدلی	
دوازدهم	12.73	مسئولیت پذیری و تعهد	
سیزدهم	12.41	حفظ حدود الهی	
چهاردهم	12.16	احترام به والدین	
پانزدهم	12.14	دفاع از وطن	
شانزدهم	12.06	خواندن ادعیه	
هفدهم	11.98	خواندن نماز	
هیجدهم	11.17	تهذیب نفس	
نوزدهم	11.17	سرزندگی و نشاط	
بیستم	11.16	حسن خلق	
بیست و یکم	10.53	کمک به نیازمندان	
بیست و دوم	9.62	امر به معروف و نهی از منکر	
بیست و سوم	7.92	خلاقیات و نوآوری	
بیست و چهارم	7.52	تدبیر و حکمت	

رتبه	میانگین رتبه	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
اول	2.22	شخصیت فرهمند	ویژگی‌های امام خمینی ره
دوم	1.89	طمأنینه و تواضع	
دوم	1.89	ظلم‌ستیزی	
اول	5.50	بازتعریف عرصه نبرد به حق و باطل	تدابیر و روش‌های امام خمینی ره
دوم	5.09	تعیین اهداف الهی	
سوم	4.86	ایجاد وحدت و انسجام	
چهارم	4.61	ایجاد بسیج	
پنجم	4.53	قدرشناسی از رزمندگان	

ششم	4.42	اعتماد به استعدادهای داخلی	
هفتم	4.08	مقابله با عوامل بازدارنده داخلی	
هشتم	2.91	تصمیم‌گیری سازمان‌یافته	

رتبه	میانگین رتبه	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
اول	4.16	مجاهدت بیشتر از دیگران	اخلاق فرماندهی
دوم	3.83	خود را از دیگران بالاتر ندانستن	
سوم	3.66	پیشرو بودن در خطر	
چهارم	3.56	عدم تمایل به استفاده از امتیاز	
پنجم	3.45	انجام امور شخصی خود	
ششم	2.34	انجام کار دیگران	
اول	4.73	برخورداري از روحیه قوی	سبک مدیریتی
اول	4.73	حکومت بر قلب رزمندگان	
دوم	3.41	فراهم نمودن زمینه شکوفایی استعدادهای	
سوم	3.11	نبوغ و خلاقیت در اجرای عملیات	
چهارم	2.94	عقلانیت و تدبیر در تصمیم‌گیری	
پنجم	2.08	تخصص‌گرایی	

رتبه	میانگین رتبه	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
اول	5.76	اقوام	حضور اقشار مختلف
دوم	5.27	حضور دانش آموزان و معلمان	
سوم	5.03	حضور روحانیت	
چهارم	4.79	کارگران و کارمندان	
پنجم	4.56	حضور زنان	
ششم	4.44	حضور دانشجویان و اساتید	
هفتم	4.13	پزشکان و پرستاران	
هشتم	2.02	مذاهب و اقلیت‌ها	
اول	2.92	اطاعت از رهبری	ویژگی‌های حضور مردمی
دوم	2.52	آگاهی و ایستادگی مردم	
سوم	2.48	حضور داوطلبانه مردم	
چهارم	2.08	کمک‌های نقدی و غیر نقدی مردم	

رتبه	میانگین رتبه	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
اول	6.56	مداحی	انواع قالب‌های هنری
دوم	4.55	شعر	
سوم	4.39	عکاسی	
چهارم	4.3	فیلم داستانی و مستند	
پنجم	3.16	داستان	
ششم	2.75	موسیقی	
هفتم	2.3	نمایش	

## مقایسه کل شاخص‌ها با یکدیگر

رتبه	میانگین رتبه	شاخص‌ها
1	69.47	شخصیت فرهمند امام خمینی (ره)
2	67.39	باز تعریف عرصه نبرد بر اساس اسلام و کفر توسط حضرت امام
3	64.53	طمأنینه و تواضع حضرت امام
4	63.52	تعیین اهداف الهی توسط امام خمینی
5	63.47	خداحوری
6	63.47	ظلم‌ستیزی
7	60.79	خداشناسی
8	60.16	اطاعت از رهبری
9	60.15	ایجاد وحدت و انسجام
10	60.05	التزام به ولایت فقیه
11	58.52	ولایت مداری
12	58.31	ایجاد بسیج
13	57.55	مجاهدت بیشتر از دیگران
14	57.11	قدرشناسی از رزمندگان
15	56.37	تشبه به شهدای کربلا
16	56.32	اعتقاد به جهاد
17	56.16	مقابله با عوامل بازدارنده داخلی
18	56.02	اعتماد به استعدادهای داخلی

19	55.32	برخوررداری از روحیه قوی
20	55.03	ایثار و فداکاری
21	54.84	شهادت‌طلبی
22	54.77	روحیه جهادی
23	54.65	روحیه حماسی
24	54.56	حکومت بر قلب رزمندگان
25	54.1	روحیه انقلابی
26	53.45	توکل
27	53.05	حضور داوطلبانه مردم
28	52.53	پیشرو بودن در خطر
29	52.52	خود را از دیگران بالاتر ندانستن
30	52.18	تعاون و همکاری
31	51.94	صبر و استقامت
32	51.52	اخلاص
33	51.47	آگاهی و ایستادگی مردم
34	51.26	آخرت‌گرایی
35	51.02	عدم تمایل به استفاده از امتیاز
36	50.98	انجام امور شخصی خود
37	50.34	تکلیف‌گرایی
38	50.05	شجاعت
39	49.76	قناعت و ساده زیستی
40	48.63	مداحی
41	47.4	کسب رزق حلال
42	47.37	بصیرت دینی
43	47.02	دین‌شناسی
44	46.89	روحیه آرمان‌خواهی
45	46.44	انس با قرآن
46	46.23	صداقت
47	44.73	مسئولیت‌پذیری و تعهد

48	44.35	فروتنی و تواضع
49	44.13	اخوت و همدلی
50	43.53	حفظ حدود الهی
51	43.34	باور به امداد غیبی
52	43.21	خواندن نماز
53	43.02	اقوام
54	42.68	دفاع از وطن
55	42.42	کمک‌های نقدی و غیر نقدی مردم
56	42.11	تصمیم‌گیری سازمان‌یافته
57	41.98	احترام به والدین
58	41.77	عزت‌مندی و غرور ملی
59	41.65	خواندن ادعیه
60	40.18	تولی و تبری
61	39.42	دشمن‌شناسی
62	38.87	تهذیب نفس
63	38.18	حسن خلق
64	38.1	سرزندگی و نشاط
65	37.34	فراهم نمودن زمینه شکوفایی استعدادها
66	37.06	کمک به نیازمندان
67	36.66	انجام کار دیگران
68	35.16	حضور دانش‌آموزان و معلمان
69	34.29	حضور روحانیت
70	34.05	امر به معروف و نهی از منکر
71	33.6	نبوغ و خلاقیت در اجرای عملیات
72	33.32	کارگران و کارمندان
73	32.52	حضور زنان
74	32.37	عقلانیت و تدبیر در تصمیم‌گیری
75	30.76	انسان‌شناسی
76	29.06	خودباوری

77	28.82	حضور دانشجویان و اساتید
78	28.16	تدبیر و حکمت
79	28.1	اخلاقیت و نوآوری
80	27.5	پزشکان و پرستاران
81	23.69	تخصص گرایی
82	18.34	شعر
83	17.71	فیلم داستانی و مستند
84	16.53	عکاسی
85	14.69	مذاهب و اقلیت‌ها
86	9.81	داستان
87	9.68	موسیقی
88	8.48	نمایش

### استراتژی فرهنگی دفاع مقدس

با بررسی دیدگاه پاسخگویان و مشخص شدن میزان اهمیت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ دفاع مقدس، با توجه به میزان میانگین رتبه‌های به دست آمده، می‌توان سه مورد ذیل را به ترتیب مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های استراتژی فرهنگی دفاع مقدس دانست:

- ۱- رهبری فرهمندانه حضرت امام خمینی (ره)
- ۲- پایبندی رزمندگان به اعتقادات و ارزش‌های اسلامی با اولویت باورها و گرایش‌های (خدایم‌حوری، ولایت‌مداری، جهاد فی سبیل الله و روحیه جهادی)
- ۳- اخلاق‌مداری فرماندهان دفاع مقدس با اولویت مجاهدت بیشتر از دیگران، خود را بالاتر ندانستن، پیشرو بودن در خطر

### مهم‌ترین راهبردها جهت تداوم فرهنگ دفاع مقدس در جامعه

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، می‌توان راهبردهای ذیل را جهت تداوم فرهنگ دفاع مقدس ارائه کرد:

- باورپذیری و تعمیق باورها نسبت به ارزش‌های اسلامی در جامعه
- اعتلای فرهنگ مقاومت و ایثار
- حفاظت، احیا و معرفی روزآمد آثار و ارزش‌های دفاع مقدس
- تبیین و ترویج اندیشه ولایت‌فقیه و آرمان‌های امام خمینی (ره)
- تبیین و ترویج الگوی مدیریت اسلامی

- تبیین و نهادینه‌سازی سبک زندگی بسیجی
- تلاش جهت الگوسازی شهدا و ترویج سبک زندگی ایشان برای نسل جوان
- تقویت و گسترش هنر متعهد و انقلابی
- جلوگیری از تحریف وقایع و حقایق دفاع مقدس
- تلاش در راستای عدم فراموشی دستاوردها و آثار فرهنگی دفاع مقدس
- ایجاد مراکز تخصصی مطالعاتی و پژوهشی ویژه دفاع مقدس

### پیشنادهای برگرفته از تحقیق

۱. با توجه به اینکه بر اساس رتبه‌بندی به‌دست‌آمده در این تحقیق، ده شاخص اول در حوزه ولایت مداری و خدامحوری است، تلاش جهت تبیین و نهادینه‌سازی خدامحوری و ولایت مداری در جامعه از سوی نهادهای فرهنگی خصوصاً آموزش و پرورش مطلوب است.
۲. با توجه به نقش برجسته حضرت امام در فرهنگ دفاع مقدس، تبیین و ترویج شخصیت و اندیشه‌های ایشان باید مورد توجه قرار گیرد.
۳. با توجه به نقش گرایش‌های و باورهای قلبی در فرهنگ دفاع مقدس، توجه به باورمندی، خصوصاً ایجاد آن از دوران کودکی و نوجوانی، توسط خانواده‌ها و مسئولین، مطلوب خواهد بود...
۴. با توجه به نقش ویژه روابط صمیمانه و حکومت بر قلب‌ها در دفاع مقدس توسط فرماندهان و مجاهدت بیشتر از دیگران از سوی ایشان، توصیه می‌شود تبیین و گسترش این نوع ارتباطات و رفتار مدیریتی، مورد توجه مدیران قرار گیرد.
۵. با توجه به اهمیت ایثار و فداکاری، تعاون و همکاری، شجاعت، صبر و استقامت، قناعت و ساده زیستی در دوران دفاع مقدس توصیه می‌شود توجه به نهادینه شدن موارد مذکور در اولویت برنامه‌های نهادهای فرهنگی خصوصاً آموزش و پرورش قرار گیرد.
۶. با توجه به اهمیت اطاعت از رهبری توسط مردم و آگاهی و ایستادگی ایشان در دوران دفاع مقدس، آگاهی بخشی به ایشان و اعتماد به مردم از سوی مسئولین در همه عرصه‌ها توصیه می‌گردد.
۷. با توجه به اهمیت حضور اقوام مختلف در دفاع مقدس، بازشناسی و حفظ فرهنگ‌های قومی، مورد توجه مسئولین قرار گیرد.
۸. با توجه به اهمیت حضور دانش آموزان و معلمان و روحانیت، در فرهنگ دفاع مقدس، توجه به جایگاه و ارتقا نقش این قشرها در فرهنگ جامعه، مطلوب خواهد بود.
۹. با توجه به اهمیت مداحی، شعر در فرهنگ دفاع مقدس، توجه به هنر متعهد و گسترش آن در دستور کار مسئولین قرار گیرد.

### پیشنهاد جهت تحقیقات آینده

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده تحقیق حاضر و جهت کمک به استخراج و نهادینه‌سازی عوامل فرهنگی دفاع مقدس، پیشنهاد می‌گردد تحقیقات ذیل توسط محققان صورت پذیرد:

۱. تطبیق شرایط دفاع مقدس با شرایط امروز جامعه و اولویت‌بندی اهداف فرهنگی
۲. آسیب‌شناسی فرهنگ دفاع مقدس
۳. تبیین مدل رهبری امام خمینی (ره)

#### پیشنهاد‌های مدیریتی

از آنجایی که فرهنگ ناب دفاع مقدس ذخیره‌ای ارزشمند برای حفظ و پاسداری و تداوم فرهنگ انقلاب اسلامی و مقاومت ملت ایران هست، ضروری است با رویکرد مدیریت فرهنگی، مجموعه اقداماتی را در این خصوص مورد توجه قرار داد:

- با توجه به تبدیل جنگ سخت به جنگ نرم در سال‌های پس از دفاع مقدس و نقش ویژه ولایت مداری و التزام به ولایت‌فقیه در آن، تبیین و نهادینه‌سازی نقش رهبری در جنگ نرم و دفاع مقدس فرهنگی در این دوران، از ضروریات است.
  - با توجه به تبدیل جنگ سخت به جنگ نرم، استخراج مدل تربیتی با توجه به مختصات عرصه جنگ نرم بازتعریف ساختارهای تربیتی برای پرورش سربازان جنگ نرم، مطلوب خواهد بود.
  - تبیین و ترویج اندیشه ولایت‌فقیه و آرمان‌های امام خمینی (ره)
  - برنامه‌ریزی جهت تحقق اندیشه‌ها و آرمان‌های امام خمینی
- با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری، خصوصاً در دیدار با مسئولین اردوهای راهیان نور مورخ ۹۲/۱۲/۲۶ در مورد تهدید فرهنگ دفاع مقدس توسط دو آسیب تحریف و فراموشی موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:
- برنامه‌ریزی برای تکریم شهدا، ایثارگران و خانواده‌های آنها
  - حمایت از ترویج و تولید ادبیات و آثار هنری در مورد دفاع مقدس
  - نمادسازی و بازنمایی فرهنگ مقاومت، ایثار و شهادت در محصولات فرهنگی
  - تداوم و تقویت اردوهای راهیان نور
  - ثبت دقیق خاطرات، آموزه‌ها و تجربیات رزمندگان
  - تولید محصولات فرهنگی - هنری ویژه کودکان
  - آشنایی نوجوانان و جوانان با فرهنگ دفاع مقدس

## منابع :

- ۱- آرمسترانگ، مایکل. (۱۳۸۱). مدیریت استراتژیک منابع انسانی. تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ۲- اعرابی، محمد. (۱۳۸۵). مدیریت استراتژیک منابع انسانی. تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ۳- ..... (۱۳۹۲). نقشه مهندسی فرهنگی کشور. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۴- احسانی، حسینعلی. (۱۳۹۱). انگیزش و دفاع مقدس. قم. زمزم هدایت
- ۵- افتخاری، اصغر. جانی پور، محمد. (۱۳۹۲). منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران؛ مطالعه موردی، تحلیل وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال سوم. شماره ۹. زمستان ۹۲
- ۶- بابایی، محمدباقر. (۱۳۸۴). مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع). تهران. دانشکده فرماندهی و دوره عالی جنگ سپاه

- ۷- بنی لوحی، سید علی. (۱۳۷۸). مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی در دفاع مقدس با تحلیلی مقایسه‌ای. موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- ۸- تقی زاده اکبری، علی. (۱۳۸۰). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس. ارزش‌های اسلامی. قم، زمزم هدایت
- ۹- سخاکی، غلامرضا، (۱۳۸۸)، روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه نویسی. تهران، بازتاب
- ۱۰- خودسیانی، مصطفی. مرادپیری، هادی. خان احمدی، اسماعیل. (۱۳۹۱). بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده. مجله سیاست دفاعی سال ۲۱. شماره ۸۱. زمستان ۹۱
- ۱۱- رسولی، مصطفی. (۱۳۷۹). فرماندهی امام خمینی و پیروزی عملیات‌ها از آغاز جنگ تا پایان عملیات بیت‌المقدس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه
- ۱۲- رهبر معظم انقلاب، ۹۳/۷/۲ دیدار جمعی از فرماندهان نظامی و انتظامی
- ۱۳- رهبر معظم انقلاب، ۸۸/۶/۲۴ بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس
- ۱۴- رهبر معظم انقلاب، ۸۸/۶/۲۴ بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس
- ۱۵- رهبر معظم انقلاب، ۸۸/۶/۲۴ بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس
- ۱۶- رهبر معظم انقلاب، ۸۳/۴/۱۶ بیانات در دیدار خانواده معظم شهدا و... استان همدان
- ۱۷- سلیمی، حسین. (۱۳۷۹). فرهنگ گرای، جهانی‌شدن و حقوق بشر. تهران. مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۱۸- شیداییان، حسین. (۱۳۸۰)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس: رهبری امام خمینی. پژوهشکده تحقیقات اسلامی. قم. زمزم هدایت.
- ۱۹- ..... (۱۳۸۹). پژوهش دفاع مقدس - مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات. پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس. تهران. شکیب
- ۲۰- صحیفه نور. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱۶
- ۲۱- غفاریان، وفا. کیانی، غلامرضا. (۱۳۸۴). استراتژی اثربخش. تهران. فرا
- ۲۲- کالینز، جان. (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ. کورش بایندر. تهران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۲۳- لطفیان، سعیده. (۱۳۸۴). استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک. تهران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۲۴- مولائی آرانی، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی عوامل جهت دهنده سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت. دانشگاه امام صادق (ع)
- ۲۵- محمد مهدی بهداروند، محمدرضا قرایی آشتیانی و چمران بویه. (۱۳۹۲). تبیین عوامل شکل‌دهنده روحی و معنوی رزمندگان در دوران دفاع مقدس. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال ۱۱. شماره ۴۳. پاییز ۹۲

۲۶-مدنی، مصطفی. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مدیریتی مؤثر بر عملکرد فرماندهان سپاه در دفاع مقدس (خرازی، زین‌الدین، همت، باکری). دانشور رفتار. سال ۱۵. شماره

۲۷- هریسون، لارنس و هانتینگتون، سامویل. (۱۳۸۳). اهمیت فرهنگ. انجمن توسعه مدیریت ایران. تهران انتشارات امیرکبیر.

## The position and role of women in the Islamic awakening in the Middle East region

abo mahmad asgar khany<sup>28</sup>

eabdalsalam taqi<sup>29</sup>

### Abstract

---

Danishgah Stadium, Tehran <sup>28</sup>

Master's student in International Relations, University of Tehran <sup>29</sup>

There is no doubt that women have not enjoyed a desirable position and high status throughout history and have often been subjected to indifference and oppression. However, with the increasing growth of human awareness and the rapid advancement of humanities and social sciences, the question has been raised as to what is the real position of women in society and how can women's lost rights be restored. Women, as half of the human race on this planet, have played a very important role in movements, movements and revolutions throughout history.

Therefore, in this article, the researcher aims to examine the role of women in creating, following up and achieving the popular uprisings in the Middle East, or the Islamic Awakening, and seeks to answer the question: What was the role of women in the recent popular uprisings in the Middle East? In this article, which was conducted using a descriptive-analytical method, the researcher used library and Internet tools.

### Keywords

Islamic Awakening, Women, Feminism, Middle East, Women's Rights

## جایگاه و نقش زنان در بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه

ابو محمد عسگر خانی<sup>۳۰</sup>

عبدالسلام تقی<sup>۳۱</sup>

چکیده

<sup>۳۰</sup> استاد روابط بین الملل دانشگاه تهران  
<sup>۳۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران

تردیدی نیست که زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شأن بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی مهری و ظلم و ستم واقع می‌شدند، اما با رشد روزافزون آگاهی‌های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه کدام است و چگونه می‌توان حقوق از دست‌رفته زنان را استیفا کرد. زنان به عنوان نیمی از انسان‌های این کره خاکی، نقش بسیار مهمی در جنبش‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌ها در طول تاریخ به عهده داشته‌اند.

لذا در این نوشتار هدف محقق بررسی نقش زنان در ایجاد، پیگیری و به نتیجه رساندن خیزش‌های مردمی منطقه خاورمیانه یا همان بیداری اسلامی است و به دنبال پاسخ به این سؤال هست که نقش زنان در خیزش‌های مردمی اخیر در منطقه خاورمیانه چه بود؟ در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است، محقق از ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره جسته است.

## کلیدواژه

بیداری اسلامی، زنان، فمینیسم، خاورمیانه، حقوق زن

## مقدمه

در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و فعالیت‌های گوناگون، زن مسلمان مانند مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است و آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند؛ انجام دهد. حساسیت نقش زنان، برخاسته از عمق تأثیرگذاری زنان در تمامی عرصه‌های زندگی آن‌هاست. تردیدی نیست که زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شأن بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی مهری و ظلم و ستم واقع می‌شدند، اما با رشد روزافزون آگاهی‌های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می‌توان حقوق از دست‌رفته زنان را استیفا کرد. در این راستا به یقین می‌توان گفت که ادیان الهی به ویژه دین خاتم، بیش از همه به احیای شخصیت والای زن همت گماشته‌اند و خداوند متعال بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر اعم از زن و مرد فراروی آنان گشوده است. از طرف دیگر فرهنگ غرب با تسلط بر امکانات مادی و مراکز ارتباطی و اطلاعاتی،

سعی در تحمیل الگوی ناقص خویش بر ملت‌های جهان دارد. آنان که هنوز از سودمندی دستاوردهای خویش مطمئن نیستند و از درون، دچار چالش‌های عمیق و فراگیر شده‌اند، به تهاجم فرهنگی علیه کشورهای دیگر دست زده‌اند. لذا در این نوشتار هدف محقق به بررسی نقش زنان در ایجاد، پیگیری و به نتیجه رساندن خیزش‌های مردمی منطقه خاورمیانه یا همان بیداری اسلامی پرداخته است و به دنبال پاسخ به این سؤال هست که نقش زنان در خیزش‌های مردمی اخیر در منطقه خاورمیانه چه بود؟ در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است محقق از ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره‌جسته است. در همین پیوند نویسنده بر خود فرض می‌داند که قبل از ورود به بحث توضیحاتی پیرامون مفاهیمی چون بیداری اسلامی، حقوق زن در دیدگاه اسلامی و غربی ارائه نماید.

### زن از دیدگاه اسلام

یکی از عالی‌ترین برنامه‌های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمام بی‌عدالتی نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری‌طلبی‌های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان‌ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد. این دین آسمانی تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش‌های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...»<sup>۳۲</sup>، «[ای] مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست».

از طرف دیگر، هدایت تشریحی، عام و گسترده است و به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر کس می‌تواند از این دریای رحمت الهی حظ و بهره‌ای ببرد و راه تکامل و سعادت خویش را هموار سازد. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»<sup>۳۳</sup>

ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس. پس اختلاف در جنسیت، نمی‌تواند مانعی برای تکامل باشد...

اسلام با قوانین بی‌بدیل خود و گفتار و رفتار پیامبری که رحمه للعالمین بود، شخصیت از دست رفته زنان را احیا کرد و او را مایه رحمت و برکت معرفی نمود، چنانکه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «الْبَنَاتُ هُنَّ الْمَشْفِقَاتُ الْمُجَهَّزَاتُ الْمُبَارَكَاتُ، دخترها مایه رحمت، صلاح زندگی و برکت هستند.» (متقی هندی، کنز العمال).

در کشورهای غربی با آنهمه هیاهوی تبلیغاتی و شعار برابری حقوق زن و مرد تا یک قرن قبل حق مالکیت برای زنان قائل نبودند و بعد از انقلاب صنعتی - آن هم برای تشویق زنان برای حضور در کارخانه‌ها به عنوان نیروی کار ارزان قیمت - برای آنان حق مالکیت را به رسمیت شناختند؛ اما اسلام که انسان‌های کوردل و شهوت‌پرست قرن بیستم آن را به محدودیت حقوق زنان متهم می‌کنند، از قرن‌ها قبل حق مالکیت را برای زنان، به رسمیت شناخته و به هیچ کس حق تصرف در اموال آنان را نمی‌دهد. خداوند متعال به صراحت می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ<sup>۳۴</sup>، مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند [و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود]» .

<sup>۳۲</sup> حجرات، ۱۳

<sup>۳۳</sup> انسان، ۳

<sup>۳۴</sup> نساء/۳۲

همچنین برای آنان به انتظار و نیاز آنها در چهارچوب شریعت، حق ارث معین شده است. «لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ...»<sup>۳۵</sup> و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [به ارث] می گذارند، سهمی است». در اسلام به زنان حق دخالت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داده شده است، اما مشروط به حفظ عفاف و پاک دامنی و حریم انسانیت. اسلام از طرفی با حضور بی قید و شرط زنان در تمام امور و از بین رفتن حریم‌های اخلاقی مخالفت کرده و از طرف دیگر برای فعالیت‌های ضروری اجتماعی با حفظ عفت مانعی ایجاد نکرده است و راه اعتدال که سعادت آنان را در پی دارد در پیش روی آنان قرار داده است.

### زن در دیدگاه لیبرال

اگر اندیشمندان لیبرال با توسل به عملکرد کلیسا[ی] قرون وسطی، به تدریج به شک‌گرایی دینی پرداخته‌اند، در دوران جدید، لیبرال‌ها، ایمان مذهبی را قشری‌گری خواندند. لیبرالیسم ادعا می‌کند، اندیشه‌ای روشن‌گر است و برای مبارزه با جهل و خرافه دوران قرون وسطی، قد علم کرده است. انسان‌گرایی، خودگرایی و آزادی‌عنصری هستند که اساس این مکتب را تشکیل می‌دهند. ولی یورش همه‌جانبه لیبرالیسم علیه دین، بیشتر به قرن بیستم برمی‌گردد. اصل انسان‌گرایی و اومانیسیم و تأکید بر کفایت عقل و دانش او برای درک و فهم هر چیز، موجب جدا شدن انسان از مبدأ و سقوط او به دنیای مادی شد. دنیاگرایی و سودگرایی نیز بریدن او را از دین مورد تأکید قرار داد. بدین ترتیب مکتب اباحت متولد شد. این مولود، انسان عاقل نفع‌طلب را، به جای خداوند قرار داد تا برای تنها هدفش که بهره‌مندی از نفسانیات بود، تلاش کرده و هر اقدامی را که به او فایده می‌رساند، انجام دهد. مباح شدن تمامی اعمال ستوده، اعم از فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، بر این اساس بود.

لیبرالیسم در دوران جدید، تأکید بیشتری بر فرد انگاری دارد. در لیبرالیسم جدید انسان با تکیه بر عقل خویش نجات‌دهنده خود و جهان است و نیازمند به وجود خداوند و ایمان دینی نیست. "آیزنبرلین" از متفکران جدید می‌گوید: آنچه عصر ما طلب می‌کند، ایمان قوی‌تر نیست، بلکه عکس آن است، شور مسیحایی کمتر، شک‌گرایی روشن‌گرانه بیشتر در لیبرالیسم نو، لذا دنیای مادی، حتی از نوع پست، اهمیت دارد. زیرا هر آنچه از ذهن انسانی برمی‌خیزد، مورد تأکید است. یکی از شعارهای فریبنده که در افق فکری اومانیسیم خودنمایی بیشتری دارد «حقوق زن» و حمایت از آن است. حمایت از زن اگر جدی و به دور از فریب کاری باشد، ارجمند است. زیرا در مکتب دین به ویژه اسلام زن جایگاه ویژه‌ای دارد؛ ولی متأسفانه آنچه در مجامع غیردینی است؛ چیزی دیگر است. (صادقی، ۱۳۸۱)

زن‌گرایی افراطی، باعث تضییع حقوق اساسی زن است. زن‌گرایان به بهانه احیا[ی] حقوق زن از هویت و ارزش زن کاستند. بدیهی است که زن‌گرایی هدایت نشده، جز این نتیجه‌ای ندارد. گرچه این تفکر (زن‌گرایی) عکس‌العمل طبیعی نادیده گرفته شدن زن و حقوق او، در تاریخ است، ولی چاره درد را نباید در فمینیسم جویا شد. آری در ادوار مختلف (جز در میان پیروان راستین انییا) به زن، ستم رفته است. البته تفکر زن‌گرایی ریشه در اومانیسیم دارد و دارای سابقه تاریخی نیست. در جامعه غربی مادر بودن و تربیت فرزند، تخریب و اشتغال زن در مشاغل مختلف ارزش محسوب می‌شود که طبیعتاً در چنین شرایطی زنانگی زن سرکوب می‌شود. براساس تفکر بنیادی غرب، کسب ثروت به هر شکل، روش و

قالبی امکانپذیر می‌شود و در این راستا زن از جسم خود برای تولید ثروت استفاده می‌کند و به عنوان جزئی از نیروی تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد. (عظیمی، ۱۳۹۰)

فرهنگ و اجتماع امروز غرب، بیشتر به جنبه ظرافت و جنسی زن توجه دارد؛ از طرفی او را به منزله اسباب بازی می‌داند و از سوی سوم وسیله رسیدن به هوسرانی می‌شمارد. مرد هوسران غرب، زن زیبا را به نام آرتیست، مدیست و مانکن از کانون شیرین خانواده بیرون می‌آورد و در سیاه چاله گناهِش می‌اندازد تا هوس‌های غریزه را ارضا کرده باشد. دنیای غرب شرایطی برای زنان ایجاد کرده و آن را آزادی زن نام نهاده است که اگر به دقت مورد مطالعه و بررسی قرارگیرد، معلوم خواهد شد که چیزی بیش از بردگی نیست. با توجه به چنین وضعیتی، جایگاهی که برای زن در نظام اقتصادی تعریف می‌شود با یک تفکر ابزاری همراه است که پاسخگوی افزایش نیازهای مادی، اقتصادی و تبلیغی باشد. (هاجری، ۱۳۸۲: ۵۶)

تعریف جایگاه زن بر اساس چنین دیدگاهی نمی‌تواند در قالب حضور زن در خانواده باشد؛ چراکه وقتی نیروی تولید ثروت جامعه، بخش عظیمی از وقت خود را صرف تربیت فرزندان و رسیدگی به همسر خود کند، در نتیجه بخشی از فعالیت‌های وی که می‌تواند موجب افزایش مصرف در جامعه شود؛ کاملاً از بین خواهد رفت. استقلال اقتصادی زن در تفکر غربی از این جهت مورد اهمیت قرار می‌گیرد تا از این طریق پایگاه و زیرساخت اساسی جامعه که خانواده است، متزلزل شود. با چنین تعریفی هرزگی برای زن، درآمدزایی، استفاده ابزاری در تولید و حضور در آگهی‌های تبلیغاتی به منزله شغل و استخدام به عنوان منشی برای زن در دفتر کار برای جذب مشتری، ارزش محسوب می‌شود؛ اما مادری و خصوصیات اصلی زنانگی به عنوان عقب افتادگی مطرح است.

### نقش زنان در بیداری اسلامی منطقه

با نگاهی اجمالی به انقلاب‌ها و تحولاتی که از ابتدای تاریخ اسلام تا به حال به عنوان انقلاب‌هایی با ماهیت یا محتوای اسلامی شکل گرفته، درمی‌یابیم نقش زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین محرک‌ها و تأثیرگذارترین عوامل هر انقلاب، انکار نشدنی است. هر تحول و یا بیداری و درمقیاس بزرگ‌تر، هر انقلابی مستلزم محرک و ابزار و وسایلی است که لازمه آن انقلاب، استفاده صحیح از آن ابزار محرک است. اما نقش زنان در مسائل اخیر منطقه و جریان بیداری اسلامی با توجه به تأثیرپذیری از الگوهای سرآمد زنان انقلابی در تاریخ اسلام و همچنین روحیه انقلابی زنان مبارز در کشورهای مختلفی که تحت تأثیر این بیداری قرار گرفته‌اند؛ متفاوت و قابل توجه است. این تفاوت نسبت به میزان تأثیرگذاری و الگوپذیری زنان از مبانی اعتقادی و فرهنگی در عرصه‌های مختلف به خوبی قابل درک است.

از منظر اسلام، زنان می‌توانند علاوه بر ایفای نقش پرارزش همسری و مادری در خانواده، در تمامی امور جامعه خویش نیز نقش‌آفرین باشند. در این دیدگاه، یکی از تکالیف زنان، همچون مردان، اصلاح جامعه است. بنابراین، با توجه به تفاسیر فوق‌الذکر در طول تاریخ اسلام زنان به عنوان اعضای جامعه، همواره دارای نقش‌آفرینی‌هایی در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی بوده‌اند. به طور نمونه، می‌توان از نقش حضرت فاطمه (س)<sup>۱</sup> در دفاع از ولایت علی (ع)<sup>۲</sup> و یا نقش تأثیرگذار حضرت زینب (س)<sup>۳</sup> در قیام پرحادثه عاشورا نام برد که یکی از نمونه‌های درخشانی است که اهمیت جایگاه زنان را در تاریخ اسلام به تصویر می‌کشند. از دیگر افتخارات بانوان مسلمان این است که اولین شهیدی که در راه اسلام جان خویش را زیر شکنجه مشرکان نثار کرد، "سمیه، مادر عمار" از زنان مجاهد بود.

در عصر معاصر نیز زنان در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی نقش‌آفرینی داشته‌اند که از بارزترین نمونه‌های این حضور، در نهضت مشروطیت که آغازی بر پایان شیوه‌های حکومت خودکامه در ایران بود؛ می‌توان اثرات ارزشمند فعالیت‌های

سیاسی اجتماعی و فرهنگی اقدامات زنان را به وضوح مشاهده کرد. در انقلاب مشروطیت زنان ایرانی به پیکاری خردمندان و دامنه‌دار دست زدند و مطالبات خود را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیش نهاده و بر تحقق آن تأکید ورزیدند. از دیگر اقدامات زنان مشروطیت به حمایت از جنبش کالاهای بومی و عدم خرید منسوجات واردشده اروپایی اشاره کرد. همچنین به نقش پررنگ زنان در تحریم تنباکو نیز می‌توان اشاره کرد که در رسیدن به اهداف این جنبش بسیار مؤثر واقع گردید. (استوری، ۱۳۸۶: ۵۹)

انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اجتماعی است که از این قاعده مستثنی نبوده و نقش زنان چه پیش از انقلاب و چه پس از آن حائز اهمیت است. میلیون‌ها زن ایرانی در انقلاب سال ۱۳۵۷ با قدرت هر چه تمام تر پا در صحنه نهادند. زنان ایرانی در تمامی مراحل پیروزی انقلاب اسلامی به روشنی بیان کردند که زن مسلمان ایرانی در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و... حضور دارد و اعتقادات دینی او مانع از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی نخواهد شد و ثابت کرد که در عین حفظ دیانت و پاک‌دامنی، می‌تواند تاریخ‌ساز باشد.

هرچند در بسیاری از کشورهای عربی، زنان از آزادی‌های سیاسی بسیاری برخوردار نیستند، زنان در خاورمیانه تا قبل این خیزش‌ها در مقایسه با دیگر مناطق جهان پایین‌ترین سهم را در مشارکت سیاسی و حضور در امور مدنی و اجتماعی را به خود اختصاص داده بودند؛ به طوری که میانگین حضور زنان در مشارکت سیاسی در خاورمیانه کمتر از ۶ درصد بود. در کشورهای عربی خاورمیانه بحرین با ۱۳ درصد بیشترین سهم را در حضور زنان در امور سیاسی و مشارکت در مسائل مدنی اجتماعی را به خود اختصاص داده بود. تونس با ۱۲ درصد مشارکت در رتبه بعد قرار داشت. در سر دیگر طیف کشورهای کویت، امارات متحده عربی، قطر و عربستان با کمترین حضور زنان در عرصه اجتماعی و سیاسی قرار دارند. در این کشورها زنان حتی به برخی از حقوق اولیه مانند رانندگی و یا حق رأی دسترسی ندارند؛ اما باید بی‌اغراق گفت: "زنان در تحولات بیداری اسلامی نقش حائز اهمیتی داشتند. زنان در تحولات اخیر نقش بی‌بدیلی داشتند و هم گام با مردان برای دستیابی به حقوق اساسی خود در مبارزات سیاسی حضور پیدا می‌کردند. حضور زنان مسلمان، نشانگر رهایی آنان از قید و بندهای عرفی و مادی غرب و قیام برای کسب آزادی از شر خودکامگان سیاسی است (عباسقلی زاده، ۱۳۸۶: ۵).

نقش زنان اساس و بنیاد هر حرکت در جامعه است. او می‌تواند جامعه را به سوی ترقی و تمدن هدایت کند. مسئله مهمی که به آن باید اشاره کنم، نقش آفرینی زنان در ساختن افراد جامعه است. نقش زنان در رهبری گروه‌های انقلابی به عنوان یکی از پرچم‌داران عرصه مقاومت، نقش زنان در الگوسازی و یا الگو شدن برای دیگر اقشار، نقش زنان به عنوان رهبران جهاد خاموش (به معنای رهبری کردن جهاد در خانه و تربیت نیروهای جهادی)، نقش زنان در تربیت اسلامی، نقش زنان به عنوان بسترسازان جریان بیداری اسلامی و نقش زنان به عنوان تکیه‌گاه مبارزه برای یک خانواده مبارز را می‌توان نام برد، از طرفی هر فرد جامعه از ایام کودکی، زیر نظر مادر شخصیتش شکل می‌گیرد. از کودکی می‌آموزد که در آینده چه نقشی را ایفا کند و به همین اساس جامعه اسلامی شکل می‌گیرد. "(عظیمی نژادان، ۱۳۸۳: ۳۴).

اگر مبنا و مأخذ قانون‌گذاری، وحی الهی باشد؛ از هرگونه خطا و افراط و تفریط مصون است. اما اگر قانون، ساخته فکر بشر باشد، در اکثر اوقات یا راه افراط را می‌پیماید و یا راه تفریط را. در مورد جایگاه و ارزش زن روزگاری راه تفریط در پیش روی انسان‌ها بود و زنان از حقوق مسلم خود محروم بودند؛ ولی امروزه که انسان‌ها از نظر فکری رشد کرده‌اند، مرکب تیزروی خود را به سرعت برخلاف جهت گذشته به حرکت درآورده و راه افراط را در پیش گرفته‌اند و به قول

معروف برای سوارشدن بر مرکب آنچنان خیز برداشته‌اند که از طرف دیگر مرکب به زمین خورده‌اند. غرب می‌خواست حقوق از دست رفته زن را به او برگرداند؛ ولی با آزادی‌های بی‌قیدوشرط و غیرانسانی، او را از رسیدن به تکامل و انسانیت بازداشت. آن‌ها می‌خواستند زن را از بردگی نجات دهند، ولی او را به بردگی مدرن کشانیده‌اند؛ اما اسلام راه میانه و اعتدال را فراروی انسان‌ها قرار می‌دهد که پیمودن آن موجب سعادت و موفقیت در دنیا و آخرت می‌شود.

در نهایت امر باید گفت با شکست الگوی زن مدرن در غرب، تحولات بیداری اسلامی و مطالبه‌ای که جهان از یک الگوی جدید زن دارد، به نظر می‌رسد که فرهنگ ایرانی اسلامی می‌تواند پاسخ صریح و جامعی را در خصوص مسائل زنان ارائه کند. در این میان اما به نظر می‌رسد ایجاد یک الگوی بومی از زنان و حل آسیب‌های پیش روی این قشر، از ضرورت‌های ابتدایی به حساب می‌آید.

همان‌گونه که شاهد هستیم ماه‌هاست مردم برخی کشورهای خاورمیانه با اقدامات اعتراضی خود، در پی تغییرات اساسی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای خود هستند. در این میان، علیرغم تبلیغات دولت‌های غربی مبنی بر عدم مشارکت زنان مسلمان در امور کشور خود، حضور آنان همدوش مردان در این حرکت‌های اعتراضی نشان از حضور مؤثر و بیداری اسلامی زنان مسلمان منطقه دارد. زنان مصری با حضور پررنگ خود در میان تظاهرکنندگان و در جای جای مصر ثابت کردند آنچه غربیان در مورد انزوای زنان مسلمان می‌گویند دروغی بیش نیست. مشارکت زنان در انقلاب تونس، لیبی و یمن نیز توجه جهانیان را به خود معطوف کرده‌است. حضور زنان مسلمان نشانگر رهایی آنان از قید و بندهای عرفی و مادی غرب و قیام برای کسب آزادی از شر خودکامگان سیاسی است. در بحرین نیز انبوهی از زنان محجبه مسلمان در کنار دیگر هم‌وطنان خود، خواستار سرنگونی خاندان آل خلیفه هستند. بیداری اسلامی در زنان بحرینی، نشانگر آگاهی آنان درباره نقش مؤثر و سرنوشت‌ساز خود در اصلاح جامعه خویش است. از جمله زنان برجسته‌ای که در این بیداری اسلامی علیه دولت آل خلیفه خروشیده‌است؛ خانم «آیات القرمری» است.

با آغاز بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، زنان در خط مقدم انقلاب‌ها به مبارزه با ظلم و جور حاکمان برخاستند و سهم خود را پرداختند. این انقلاب‌ها در درجه اول، انقلاب علیه باورهای غلط جهانیان به زنان مسلمان عرب بود که آنان را طفیلی و به حاشیه نگهداشته شده می‌شمردند و با این خیزش‌ها بود که جهان را به تعظیم در مقابل زنان انقلابی و خودباور واداشت. (خبرگزاری زنان، ۱۳۹۱)

### نتیجه

مشارکت پررنگ زنان مسلمان محجبه در خیزش‌های مردمی در کشورهای عرب، در حقیقت خط بطلانی بر تفکرات متحجرانه و تبلیغات مغرضانه ضد اسلامی است. انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی نه تنها ساختار استبدادی حکومت این کشورها را به لرزه درآورده، بلکه بسیاری از دیدگاه‌ها را از جمله در خصوص زنان جهان عرب و اسلام، تغییر داده است. به واقع، زنان مسلمانی که در رخدادهای ماه‌های گذشته در تونس، مصر و حتی اجتماع بشدت محافظه‌کار یمن ظاهر شدند، ذهنیت موجود در خصوص زنان عرب جهان اسلام را به عنوان افرادی محبوس در خانه، خاموش و کم‌اهمیت، تغییر داده‌اند. زنان مسلمان نه تنها در جنبش‌های اعتراضی در آن کشورها فعالانه مشارکت دارند که حتی نقش‌های پررنگ تری همچون رهبری را نیز به عهده گرفته‌اند. این زنان در سازماندهی تظاهرات و تجمعات، بسیج مردم و ابراز خواسته‌ها و مطالبات خود در زمینه اصلاحات و تغییرات نقش آفرینی می‌کنند.

حضور فعال این زنان و همراهی آنان با دیگران در خیزش‌های مردمی، از یک سو تعریف متحجرانه از زن را به عنوان پرورش دهنده صرف فرزندان، فردی محبوس در خانه و تحت سلطه همسر و بستگان مرد خود رد می‌کند و از دیگر سو، خط بطلانی هم بر دیدگاه غربی و نئولیبرالی است که به زنان مسلمان از منظر الگوی طالبان نگاه می‌کند. از منظر این دیدگاه، زنان جهان اسلام موجودات ترحم برانگیزی هستند که روشنفکران، سیاستمداران یا حتی ارتش باید از آنان حمایت کنند.

اما با همه این تفاسیر در جوامع اسلامی در جهت پیشبرد اهداف و مقاصد زنان باید چند نکته را مدنظر داشت که از مهم ترین این نکات این مطلب است که هم زمان با تلاش زنان برای برابرتر ساختن شرایط زندگی و حضور فعالانه‌تر داشتن در عرصه اجتماع در منطقه خاورمیانه به خصوص در کشورهای عربی این منطقه، مسئله بسیار حیاتی در تعیین چشم‌انداز آینده تحول در منطقه در باور و عزم و اراده‌ی نخبگان سیاسی است که به این باور برسند که مشارکت افزون‌تر زنان در روندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور امری ضروری است. تنها در این حالت است که توسعه همه جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این کشورها تحقق پیدا خواهد کرد و مشکلاتی که در خصوص نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد، حل و فصل خواهد شد.

## منابع

۱- قرآن کریم

۲- صادقی، ۱۳۸۱، «زن در اندیشه لیبرالیسم» قابل دسترسی در سایت: بازیابی در ۲۴ شهریور

[http://www.hawzah.net/fa/MagArt\\_tml?MagazineArticleID=2838](http://www.hawzah.net/fa/MagArt_tml?MagazineArticleID=2838)

۳- عظیمی عباسعلی، ۱۳۹۰، «ارزش زن به درآمدزایی اوست» قابل دسترسی در سایت: بازیابی در پنج شنبه ۱۳۹۰/۳/۱۹

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=168270>

۴- خبرگزاری زنان، ۱۳۹۱، «زنان بحرینی سبیل مقاومت زن مسلمان در جهان» قابل دسترسی در سایت: بازیابی در ۱۴/۲/۱۳۹۰

<http://womenrc.ir/News/68678.htm>

۵- هاجری عبدالرسول، ۱۳۸۲، «فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو» نشر بوستان قم

۶- عظیمی نژادان شبنم، ۱۳۸۳، «زن، معمار جامعه مردسالار»، تهران، اختران

۷- کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرساله، ج ۱۶، ص ۴۵۴، ح ۴۵۳۹۹

۸- عباسقلی زاده محبوبه، ۶۸۳۱ «جنبش زنان حرکت از سازمان‌های غیردولتی به شبکه‌های شناسنامه-دار»، میدان زنان، ۱۷ اسفند.

۹- استوری جان، ۱۳۸۶، «مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه». ترجمه حسین پاینده. چاپ یکم.

نشر آگه

## **A look at the evolution of "lifestyle" in Iran and its consequences**

zhra qydari<sup>36</sup>

## Abstract

The term "lifestyle" was first used from a psychological and individualistic perspective by "Alfred Adler" in 1929. In Western culture, this term is mostly used in relation to the conformity of an individual's life with a particular personality type or group. In fact, some choose behaviors as common symbols. The main goal of this style is to create identity, change the beliefs and different cultures of people around the world with the aim of living in the American way, with the thesis: "We don't care about your religion, your creed, the color of your skin, or your hair, just live like an American, even if you are Muslim." Dealing with the livelihood and economy of life in Islam, alongside spirituality and the remembrance of God, is the source of peace and mental health for a Muslim individual, because the root cause of the problems of today's civilizations is the lack of spirituality and, in other words, the materialistic interpretation of worldly life. Western civilization undoubtedly owes its current progress and advancement to Islam and Islamic sciences, and later, by entering important historical periods such as the Renaissance, the Protestant Movement, the Industrial Revolution, and the acceptance of the capitalist system, and by paying attention to humanism and rational thinking, it paved the way for this progress. But to continue and maintain this civilizational progress, it needed raw materials and a consumer market, which it achieved by creating false demand in Eastern countries. In this regard, it considered "Islam" a serious obstacle to its interests; therefore, by adopting colonialist measures, attacking the religious beliefs and convictions of the people of these countries, and resorting to vulgar and corrupt tactics, i.e., "women and wine," it paved this path for itself. The footprint of this influence can be found in countries such as Andalusia, Algeria, India, Iran, and... This influence in Iran has had many paths and stages, which are briefly discussed in this article. According to most historians, Iran's contact with the West began during the Safavid period; however, the real process of Iran's Westernization began with the government of Reza Shah, and during the years of the government of his son Mohammad Reza Pahlavi, the theory of modernization as an economic and cultural model continued with several measures. But due to the lack of a foundation based on knowledge of the issues and realities of the day and the democratic structure, it collapsed like a palace in the winter of 1957. The victory of the Islamic Revolution in Iran upset the political calculations of Western countries, especially America and Israel; therefore, the colonial powers aimed their sharp arrows of aggression at the Islamic Republic using soft and hard war methods. In this regard, the views of the great architect of the Islamic Revolution, Imam Khomeini (RA) and the Supreme Leader of the Revolution, are very worthy of reflection: emphasis on intelligent adaptation, confrontation with alien culturalization, negation of power-seeking, struggle against welfare-seeking and extravagance, and economic development based on justice. Without a doubt, changing lifestyle if it is understood in the Western sense, i.e., seeking pleasure for a better life, spending, etc., will have negative and harmful consequences. This is due to disregard for the commandments of Islam, changes in the values and norms of individuals and society, a spirit of welfare and

consumerism, the degradation of the status of the family and women, the adoption of Western models, etc.

### **Keywords**

Western lifestyle, Islamic lifestyle, development, intellectuals, leadership perspectives, consequences

زهرا قیداری<sup>۳۷</sup>

## چکیده

واژه سبک زندگی یا «style life» برای اولین بار از دل نگاه روانشناسانه و فردگرایانه توسط «آلفرد آدلر» در سال ۱۹۲۹ میلادی به کار رفت. در فرهنگ غربی این عبارت بیشتر در خصوص تطابق زندگی فردی با تیپ‌های شخصیتی یا گروهی خاص به کار برده می‌شود. در واقع بعضی رفتارها را به عنوان نماد مشترک انتخاب می‌کنند. هدف اصلی این اسلوب؛ هویت‌سازی، تغییر اعتقادات و فرهنگ‌های متفاوت مردم جهان با هدف به شیوه آمریکایی زیستن می‌باشد با این تز که: «ما با دین شما، مذهب شما، رنگ پوست شما و موی شما کاری نداریم، فقط آمریکایی زندگی کنید، حتی اگر مسلمان هستید». پرداختن به معیشت و اقتصاد زندگی در اسلام در کنار معنویت و یاد خدا، مایه آرامش و سلامت روانی فرد مسلمان است؛ چرا که ریشه اصلی مشکلات تمدن‌های امروزی، خلاء معنویت و به تعبیری تفسیر مادی‌گرایانه از زندگی دنیوی است. پس اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، بهترین سبک زندگی را به دست می‌دهد. بی‌تردید تمدن غربی، ترقی و پیشرفت کنونی خود را مدیون اسلام و علوم اسلامی است و در وهله بعد با ورود به مقاطع تاریخی مهم چون رنسانس، نهضت پروتستانیزم، انقلاب صنعتی و پذیرش نظام سرمایه‌داری و توجه به اومانیزم و تفکر عقلانیت محض راه این پیشرفت را برای خود همواره نمود. اما برای تداوم و حفظ این پیشرفت تمدنی به مواد خام و بازار مصرف نیاز داشت که با طرح نیاز کاذب در کشورهای شرقی نیز به هدف خود رسید. در این راستا «اسلام» را مانع جدی منافع خود می‌دانست؛ لذا با اتخاذ تدابیر استعمارگرانه و تهاجم به اعتقادات و باورهای مذهبی مردمان این کشورها و توسل به حرب‌های ابتذال‌گونه فساد یعنی «زن و شراب» این راه را نیز برای خویش هموار کرد. جای پای این نفوذ را می‌توان در کشورهایی چون اندلس، الجزایر، هند، ایران و... پیدا کرد. این نفوذ در ایران راه‌ها و مراحل زیادی داشته است که در این مقاله به اختصار به آن‌ها پرداخته شده است. ارتباط ایران با غرب به نظر اکثر مورخان از دوره صفویه آغاز می‌شود؛ اما جریان واقعی غربی شدن ایران با حکومت رضاشاه صورت می‌پذیرد و در سال‌های حکومت پسرش محمدرضا پهلوی نظریه مدرنیزاسیون به عنوان یک مدل اقتصادی و فرهنگی با اقداماتی چند تداوم می‌یابد. ولی به دلیل فقدان یک شالوده مبتنی بر شناخت مسائل و واقعیات روز و ساختار دموکراتیک، همچون قصری پوشالی در زمستان ۵۷ فرو ریخت.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، محاسبات سیاسی دول غرب، بویژه آمریکا و اسرائیل را به هم زد؛ لذا قدرت‌های استعماری لبه تیز پیکان تهاجم را به شیوه‌های جنگ نرم و فرانرم، به سوی جمهوری اسلامی نشانه گرفتند. در این راستا دیدگاه‌های معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب بسیار قابل تأمل است: تأکید بر اقتباس هوشمندانه، مقابله با فرهنگ‌پذیری بیگانه، نفی سلطه‌طلبی، مبارزه با رفاه‌طلبی و اسراف و تبذیر، توسعه اقتصادی مبتنی بر عدالت.

بی‌شک تغییر سبک زندگی اگر به مفهوم غربی آن یعنی لذت خواهی برای زندگی بهتر، مصرف‌زدگی و ... تلقی گردد پیامدهای منفی و زیانباری در پی خواهد داشت که بی‌توجهی به فرامین اسلام، تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای فرد و

جامعه، روحیه رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی، تنزل جایگاه خانواده و زن، روی آوردن به الگوهای غربی و ... از این دست است .

#### واژگان کلیدی:

سبک زندگی غربی، سبک زندگی اسلامی، سیر تطور، روشنفکران، دیدگاه‌های رهبری، پیامدها

واژه «سبک زندگی» بین فرهنگ غربی و اسلامی، صرفاً یک اشتراک لفظی است و نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی حاکم بر هر یک از نظام‌های غربی و اسلامی، متفاوت است.

سبک زندگی هر ملتی ریشه در تاریخ آن کشور دارد. بی‌تردید، مبتکر این واژه نه تمدن غرب، بلکه دین اسلام است که از صدر اسلام و زمان ائمه اطهار(ع) سنت و سیره نظری و عملی آن‌ها مورد تأسی پیروان این آیین بوده است. اما «سبک زندگی یا لایف استایلی که در ادبیات مدرن غرب مطرح شد و در دهه ۱۹۶۰ میلادی در حوزه‌های مردم‌شناسی، مطالعات فرهنگی، روانشناسی اجتماعی و ... به کار گرفته شد، ایدئولوژی و جهان‌بینی مورد نظر غرب را که همان اومانیزم و عقلانیت محض و نظام سکولاریزم است را با خود به همراه دارد و در پی لذت‌جویی محض، مصرف‌گرایی، زیبایی‌شناسی مادی و بی‌هویتی دینی است.

یکی از مؤلفه‌های مهم سنجش کارایی و توانمندی یک دین، کارآمدی آن دین در مدیریت زندگی فرد و جامعه است؛ در این راستا، تمامی محافل و مکاتب فکری مختلف در پی آن است که خود را کارآمد نشان دهد. اسلام همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان را پوشش داده و برای هر حوزه، دستورات و قوانین ویژه خود را دارد؛ لذا اسلام کامل‌ترین سبک‌های زندگی را عرضه می‌کند.

تمدن غربی پس از عصر رنسانس و کنار گذاشتن دین از صحنه زندگی مردم (به دلیل اعتقادات خرافی و اوهام گونه کلیسا) و ورود به انقلاب صنعتی، در پی یافتن «بازار مصرف» و «مواد خام» راه شرق را در پیش گرفت و در این مسیر با «مبارزه با اسلام» علاوه بر ورود کالاهای صنعتی خود به بازارهای شرقیان، سعی در ارائه فرهنگ و سبک زندگی غربی نیز نمود و با ایجاد «نیاز کاذب» میل به «مصرف بیشتر» جهت «سود بیشتر» را توصیه می‌کند. ناتوی فرهنگ غرب در راستای رسیدن به اهداف خود، با ارائه فرهنگ غربی به عنوان «ابر فرهنگ» سعی در اشاعه سبک زندگی غربی به ویژه امریکایی دارد.

اما سبک زندگی و تغییر در آن اگر در محدوده «اقتباس هوشمندانه» از دستاوردهای تمدن و علوم غرب باشد، منافاتی با فرهنگ و آیین ملت ما نخواهد داشت؛ اما اگر صرفاً «تقلید محض» و به نوعی مدپرستی و رفاه‌زدگی و تجملات و ... باشد؛ با ایدئولوژی و فرهنگ ما هیچ‌گونه سنخیتی نخواهد داشت.

تاریخچه واژه «سبک زندگی» در غرب و هدف از آن سبک زندگی به معنای *style life* که در علوم اجتماعی مطرح شده، ناظر بر مفهوم خاصی است و به ترجیحات افراد در حوزه سلاقی و مصرف مربوط می‌شود. بنابراین در سبک زندگی بحث مصرف و نگاه زیباشناختی مطرح است. همچنین به سلاقی و تمایلات افراد که متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه آن‌هاست، توجه دارد. (هاشمی، ۱۳۹۰، ۱۲۱)

در فرهنگ غربی که خاستگاه مفهوم سبک زندگی است، این عبارت بیشتر در خصوص تطابق زندگی فردی با تیپ‌های شخصیتی یا گروهی خاص به کار برده می‌شود. به عنوان مثال عده‌ای مانند خواننده یا بازیگر بخصوص لباس می‌پوشند، حرف می‌زنند، راه می‌روند، یا آرایش می‌کنند، گروهی از مرام یک آیین پیروی می‌کنند و سر می‌تراشند، ازدواج نمی‌کنند. برخی با دوستان یا همفکران خود، حول مورد مشترکی که می‌تواند ادبیات، سیاست، ورزش یا تفریح خاصی باشد، گرد

می‌آیند و بعضی رفتارها را به عنوان نماد مشترکشان انتخاب می‌کنند. در مجموع، همه این‌ها سبک زندگی این افراد می‌شوند. (صالحین، ۱۳۹۲، ۲)

واژه «سبک زندگی» برای اولین بار از دل نگاه روانشناسانه و فردگرایانه توسط آلفرد آدلر در سال ۱۹۲۹ میلادی به کار رفت؛ اما در دهه ۶۰ میلادی بود که به عنوان یک ترم مهم در حوزه‌هایی مانند مردم‌شناسی به مطالعات فرهنگی، روانشناسی اجتماعی و ... به کار گرفته شد.

سبک زندگی بیان‌گر نقطه تعادل بین جهان‌بینی، ارزش‌ها و هنجارهای افراد، در تطابق با همه اقتضائات دنیای واقعی با در نظر گرفتن همه اصول انسان‌شناسانه است؛ به عنوان مثال پوشش یک شخص از سویی به همه مبانی اعتقادی او بر می‌گردد و آن را بازتاب می‌دهد، و از سویی قدرت اقتصادی فرد یا جامعه ممکن است بروز آن اعتقاد اصیل را تغییر دهد، یا چیزی که از آن به مد تعبیر می‌شود فشاری به فرد یا اجتماع وارد کند تا پوشش دیگری را برگزیند. (ساعی، ۱۳۹۰ ص ۱۲۰)

سبک زندگی حیطه‌های نوع روابط با دیگران، نوع کالاهایی که مصرف می‌کنیم، شیوه مصرف، شیوه گذراندن اوقات فراغت، الگوهای خورد و خوراک، شیوه‌های ازدواج، ساختار ارتباطات خانوادگی و فامیلی، نوع پوشش و لباس و ... را نیز بطور کلی در برمی‌گیرد.

ساموئل هانتینگتون در کتاب «چالش‌های هویت در امریکا» موقعیت نظام سیاسی امریکا را در هویت‌سازی، علی‌رغم حضور افراد متعدد خارجی با رسوم، اعتقادات و فرهنگ‌های متفاوت و بعضاً متضاد به تمامی جهان‌خاکی و در یک کلمه «امریکایی کردن» آن‌ها می‌داند. به این معنا که ما با دین شما، مذهب شما، رنگ پوست شما و موی شما کاری نداریم؛ فقط امریکایی زندگی کنید، حتی اگر مسلمان هستید.

تفکیک سبک زندگی از اعتقادات و دین - به عبارتی سکولاریزه کردن سبک زندگی - مهم‌ترین دستاورد نظام سلطه بوده که مرزهای آن به جامعه امریکایی محدود نمی‌شود. با این منطوق بوده که فرهنگ مهاجم غرب، خود را تبدیل به «فرهنگ غالب» کرده‌است. وقتی انسان‌های بسیاری در خارج از مرزهای امریکا، امریکایی زندگی می‌کنند، ایالات متحده می‌تواند به عنوان عمق استراتژیک خود روی آن‌ها حساب کند. موفقیتی که امریکایی‌ها نتوانستند با قدرت نظامی و سیاسی خود به آن دست یابند، با امریکایی کردن زندگی بسیاری از مردمان جهان برایشان فراهم آمده‌است. جوزف نای، نظریه‌پرداز «قدرت نرم» معتقد است که امریکا در دیپلماسی عمومی خود با دو بازوی رسانه‌ای و آموزشی، رؤیا و انتخاب‌های جهانیان را می‌سازد. (وزارتی، ۱۳۹۲، ۴)

### اسلام و سبک زندگی

اسلام به عنوان برترین و عالی‌ترین دین، ارائه دهنده بهترین و سازنده‌ترین برنامه‌های زندگی در سطوح متعالی متناسب با شأن مادی و معنوی انسان می‌باشد. به عبارتی دیگر انسان اسلام، انسانی است که با هدف عبودیت و بندگی خالق یکتا، پا در رکاب دنیا نهاده است. به تعبیر قرآن کریم: و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون<sup>۳۸</sup> به تعبیر شهید مطهری از

نظر اسلام، معنویت جدا از زندگی در این جهان وجود ندارد ... به کار بستن دستورات الهی، وسیله‌ای است برای طی طریق عبودیت و پیمودن صراط قرب و استكمال وجود... (مطهری، ۱۳۶۹، ۶۹)

انسان، این گل سرسبد آفرینش به مقصود نهایی کمال خویش نائل نخواهد آمد مگر آنکه از گذرگاه پرفراز و نشیب سبک و سلوک زندگی دنیوی، عزتمندانه و شرافتمندانه بگذرد؛ چرا که اقتصاد و معیشت به عنوان یکی از شئون اساسی انسانیت، جایگاهی مهم در رسیدن او به کمال دارد.

امام باقر(ع) می‌فرماید: الكمال كل الكمال التفقه فی الدین و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشه کمال کامل در بصیرت در دین و صبر بر مشکلات و اقتصاد در امور زندگی است. (کلینی، ۱۳۴۴، ۳۹)

بشر امروز در حالیکه دارای اراده، آزادی انتخاب، شعور برتر، قدرت تفکر، خلاقیت و سازندگی و ... است؛ اما در کوره راه‌ها و بیراهه‌های معیشت و اقتصاد زندگی، امانت الهی مسئول بودن و انسان بودن خویش را که پیامبران و کتاب و قانون الهی مبین آن‌هاست، فراموش کرده‌است، چرا که آینده از آن مردمی است که در شاهره بهترین و کامل‌ترین دین الهی و فرامین آن گام نهند و با انتخاب و گزینش بهترین شیوه و سبک زندگی به خود متعالی که همان قرب الهی است نائل آیند. امنیت و آرامش روحی و روانی در امر معیشت زندگی جز با یاد و ذکر خداوند مسیر نخواهد گردید. علامه طباطبایی در کتاب شریف المیزان در تفسیر آیه: من عرض عن ذکری فبان له معیشه ضنکا<sup>۳۹۲</sup> می‌فرماید: معیشت ضنک به شکلی از زندگی گفته می‌شود که در آن فرد، احساس آرامش نداشته باشد و مداوم به دنبال افزایش ثروت و دارایی خود باشد. به عبارت دیگر، ممکن است که فرد وضع مالی خوبی داشته باشد، اما احساس آرامش و راحتی در صورتی است که به ذکر خدا توجه کند. (طباطبایی، ج: ۱۴ ص ۳۱۴)

ریشه اصلی مشکلات تمدن‌های امروزی، خلاء معنویت و به تعبیری تفسیر مادی‌گرایانه از زندگی دنیوی است. به تعبیر شهید مطهری: اگر نهر و نخست‌وزیر فقید هند پس از یک عمر لادینی، در شامگاه عمر خویش، به جستجوی خدا بر می‌آید و معتقد می‌شود که: «در برابر خلاء معنوی تمدن جدیدی که رواج می‌پذیرد، بیش از دیروز باید پاسخ‌های معنوی و روحانی بیابیم» برای این است که بشر امروز باید در طرز تفکر و جهان‌بینی خود تغییر اساسی بدهد و بداند که هستی و حیات با معنی است نه پوچ و عبث ... و برنارد شاو چه زیبا این خلاء معنوی را تشخیص داده و می‌گوید: «چنین پیش‌بینی می‌کنم و از هم اکنون آثار آن پدیدار شده‌است که ایمان محمد(ص) مورد قبول اروپای فردا خواهد بود و به عقیده من اگر مردی چون او صاحب اختیار دنیای جدید شود، طوری در حل مسائل و مشکلات دنیا توفیق خواهد یافت که صلح و سعادت آرزوی بشر، تأمین خواهد شد. (مطهری، ۱۳۶۶، ۱۸-۲۰)

اسلام و معرفی الگوهای برتر ما اعتقاد داریم اسلام به عنوان یک دین کامل، علاوه بر ایمان به خدا و آخرت، با ارائه قوانین و دستورات دینی در راستای تنظیم حیات دنیوی و آموزه‌های نظری، الگوهایی عملی نیز در حوزه حیات فردی و اجتماعی انسان معرفی می‌کند.

شیوه زندگی پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) با توجه به اقتضات و شرایط هر زمان با زمان دیگر بزرگترین منبع از سبک زندگی اجرا شده، و به سعادت انسانی منتج شده می‌باشد. به تعبیر قرآن کریم: لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجوا الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیراً.<sup>۴۰</sup>

بی‌تردید زندگی پیامبر(ص) و خاندان عظیم الشان ایشان، اصولی دارد که آن اصول تغییرناپذیر است. پس می‌توان روح کلی حاکم بر سیره پیامبر و ائمه اطهار(ع) را با سبک زندگی اسلامی کنونی، یکی دانست.

یکی از بهترین الگوها در بحث سبک زندگی، خطبه متقین نهج البلاغه است. مولای متقین علی(ع) به زیبایی صفات متقین را بیان می‌فرماید: منقطعهم الصلواب، ملههم الاقتصاد، مشیهم التواضع... سخنانشان درست، لباسشان بر پایه اقتصاد و به اندازه احتیاج و رفتارشان با مردم بر پایه تواضع است... (نهج البلاغه، ۱۳۷۴، ۳۹۷)

مؤمنان واقعی در سلوک و سبک زندگی به الگوهای راستین دینی متمسک می‌شوند؛ چنانکه در زیارت عاشورا می‌خوانیم اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممتی محمد و آل محمد، پس گام اول، شناخت زندگی و سنت و سیره این بزرگواران و سپس گام نهادن در این مسیر می‌باشد. چرا که با وارد شدن و پیمودن طریق پیامبران و اولیاء الهی، ایدئولوژی خاص آن‌ها را نیز پذیرفته و به سبک زندگی آن‌ها نزدیک‌تر خواهیم شد. سبک زندگی عزای امام حسین(ع) و گریه برای اباعبدالله؛ ایدئولوژی جهاد، استقامت و شهادت را با خود به همراه دارد. و این چنین است سبک زندگی ائمه اطهار(ع) اولیاء الله، صالحان، شهدا و ...

### نقش اسلام در پیشرفت تمدن غرب

با مطالعه تاریخ اسلام به ارزش عظیم و غرورآمیز خدمات اسلام به تمدن بشری و دیون بسیار سنگین اروپای امروز به تمدن اسلامی واقف می‌شویم. کلیسا نه تنها تمدنی بوجود نیامد، بلکه تمدنی را که به او گرویده بود فاسد کرد؛ ولی اسلام خود تمدن درخشانی بوجود آورد و به جهان عرضه داشت.

سدیلو، مورخ مشهور فرانسوی می‌نویسد: ترقی تمدن امروز اروپا، مرهون دانش‌هایی است که اسلام در سراسر شرق و غرب منتشر ساخت و حقیقتاً باید اعتراف کرد که مسلمین، استادان اولیه ملل اروپا بوده‌اند.

و جرجی زیدان مسیحی نیز می‌گوید: هر چه اسلام حکومت می‌کرد؛ علم و ادب به سرعت پیشرفت می‌نمود. (هاشمی نژاد، ۱۳۴۸، ۳۹) ویل دورانت در جلد یازدهم تاریخ تمدن خود می‌نویسد: پیدایش و اضمحلال تمدن اسلامی از حوادث بزرگ تاریخ است. اسلام طی پنج قرن ۸۱ هـ تا ۵۹۷ هـ / ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ م از لحاظ نیرو و نظم و بسط قلمرو و اخلاق نیک و تکامل سطح زندگانی و قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی و ادبیات و تحقیق علمی و علوم طب و فلسفه، پیشاهنگ بوده ... اروپا از دیار اسلام، غذاها و شربت‌ها و داروها و درمان و اسلحه، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و رسوم صنعت و تجارت، قوانین و رسوم دریانوردی را فرا گرفت و غالباً لغات آن را نیز از مسلمانان، اقتباس کرد... (قربانی، ۱۳۷۲، ۲۱) آری این چنین بود که تمدن گسترده اسلامی از راه بازرگانی و مبادلات فرهنگی و ترجمه کتب اسلامی و جنگ‌های صلیبی و ... به اروپا راه یافت و مردم آن دیار را در طریق تمدن وارد کرد.

تمدن اسلامی علاوه بر جنبه‌های تمدنی و مادی، بر فرهنگ و اخلاق و رفتار اروپائیان نیز تأثیری بس شگرف داشت؛ آنچنان‌که آبر ماله مورخ فرانسوی، ضمن تشریح علل پیروزی مسلمانان، رفتار انسانی آن‌ها را این گونه می‌ستاید: مردم روم و فلسطین و شام و مصر، زیر بار مالیات فرسوده و به بهانه کفر و زندقه مورد آزار بودند ... مسلمانان را که میانه‌روی پیشه کرده به اغماض و گذشت، سلوک می‌کردند، منجی خود می‌دانستند، و لذا عده زیادی از آن‌ها اسلام آورده و برای اعلامی این دین وارد جانبازی شدند.

و اما از نظر زندگی و سبک زندگی، به قدری پیشرفته بودند که اعجاب‌آور است؛ خانه‌های مجلل، غذاهای متنوع، لباس‌های رنگارنگ، زندگی مرفه و با تجمل، شهرهای آباد و بهداشتی، فراوانی نعمت و رعایت نظافت و پاکیزگی، امنیت عمومی و سرگرمی‌های مشروع، حمایت از طبقه زیردست و محروم و بوجود آوردن مراکزی برای نگهداری ایتام و معلول و بیمار و ... کتابخانه‌های عمومی و خصوصی، مساجد آباد، حمام‌های زیبا و تمیز، انواع کارگاه‌های پارچه بافی، صنایع مستظرفه و ... از ویژگی‌های مسلمانان و کشورهای اسلامی دیروز بوده است.

ولی در فرانسه و انگلستان و آلمان و دیگر کشورهای اروپایی، مطلب کاملاً برعکس بود؛ نه از علم خبری بود و نه از اخلاق و رفتار انسانی اثری. بهداشت و نظافت و مراکز خیریه و مدارس و کتابخانه و زندگی مرفه و ... مثل عنقا وجود خیالی داشت فقط تیولداران حق داشتند از لذائذ زندگی بهره‌مند باشند (قربانی، ۱۳۷۰، ۳۱۰)

63

به مقایسه یکی از نویسندگان غربی درباره اسپانیا با کشورهای اروپایی اکتفا می‌کنیم. این نویسنده می‌گوید: «... در هیچ یک از کشورهای اروپا، شهری که دارای کوچکترین نشانه‌ای از مدنیت باشد و فی‌المثل دست کم هزار سکنه داشته باشد و یا دارای خیابان‌های پهن چراغ‌زده و مجرای آب گوارا و نظافت و مزایای دیگر باشد وجود نداشت و حتی از جزئی‌ترین وسایل بهداشتی بی‌بهره بودند، چنانکه گرمابه ابداً نداشتند، دبستان در آن شهرها نایاب بوده و بالاخره تشکیلات و مراجع صالحی که از دزدی و بی‌عصمتی و جور و ستم جلوگیری نمایند به هیچ وجه در آن‌ها وجود نداشت ... (قربانی، ۱۳۷۰، ۳۱۵)

### دلیل اصلی پسرفت و انحطاط مسلمین

چرا با وجود آن همه جلوه‌ها و مظاهر فرهنگی و تمدن اسلام، اینک غریبان متمدن سعی در اشاعه فرهنگ مهاجم خویش در قالب سبک زندگی آن هم از نوع امریکایی‌اش دارند؟ چرا ما باید در محدوده قانون سلطه و نظم نوین جهانی قدر قدرت‌های سکولاریزم قرار بگیریم؟ آیا به اندازه کافی از تاریخ و عبرت‌های آن درس نگرفتیم؟ آیا اسلام ما پاسخگوی نیازهای امروز ما نیست؟ تا چه اندازه از حربه‌های تبلیغی و سم‌پاشی‌های دشمن در مورد ارتجاعی بودن و درمده شدن دین اسلام حرف و حدیث شنیده و متأثر شده‌ایم که: اسلام دین ۱۴۰۰ سال پیش است و پاسخگوی نیازهای جدید بشر امروز نیست! ... دستورات و فرامین اسلام، با پیشرفت‌های حیرت‌آور در عرضه صنعت و تکنولوژی هم‌خوانی و سنخیت ندارد! و هزاران سؤال تشکیکی دیگر از این نوع ...

آیا یک آیه یا یک حدیث نمی‌تواند مارا متوجه اشتباهاتمان سازد؟ آنجا که خداوند تعالی در کتابش می‌فرماید: «لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب»<sup>۴۱</sup>... بی‌تردید، مهم‌ترین دلیل این انحطاط و پسرفت را می‌توان در انحراف فکری و عملی

مسلمانان از تعالیم عالیه اسلام دانست: توجیه نادرست برخی عقاید اسلامی، زیر پا نهادن دستورات اسلام، پیمودن راه تفرقه و اختلافات قومی و مذهبی، شکستن حریم حلال و حرام الهی، بدعت‌ها و خرافات، فساد عقیده و اخلاق، توجه صرف به زندگی دنیوی و ... همه و همه دلیل بر این انحراف‌اند.

به پیش‌بینی امام علی(ع) (یأتی علی الناس زمان لا یبقی فیهم من القرآن الما رسمه و من الاسلام الما اسمہ زمانی فرا می‌رسد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی باقی نمانده است. (فقیهی، ۱۳۷۴، ۷۴۷)

آیا با همین دلیل و منطق نبود که شیخ مشروعه‌خواه مشروطه، آیه الله شیخ فضل الله نوری، علم طغیان برافراشت که ما چه کم از غریبان داریم که باید نسخه‌های مدنیت و با فرهنگ شدن ما از فرنگستان بیاید؟ به تعبیر شهید نوری: مشروطه‌ای که از دیگ پلوی سفارت انگلیس سر بیرون بیاورد، به درد ما ایرانی‌ها نمی‌خورد. مشروطه‌ای که پیرم‌ها برای آن سینه بزنند، به درد ما مسلمان‌ها نمی‌خورد. (نصری، ۱۳۸۷، ۷۱)

به گفته جلال آل احمد: ... از آن روز بود که نقش غرب‌زدگی را هم چون داغی بر پیشانی ما زدند. و من نعل آن بزرگوار را بر سر دار، هم‌چون پرچمی می‌دانم که به علامت استیلای غرب‌زدگی پس از دویست سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شد. و اکنون در لوای این پرچم، ما شبیه به قومی از خود بیگانه‌ایم. در لباس و خانه و خوراک و ادب و مطبوعاتمان و خطرناک‌تر از همه در فرهنگ‌مان، فرنگی مآبی می‌پروریم و فرنگی مآب راه‌حل هر مشکلی را می‌جوییم (آل‌احمد، ۱۳۸۹، ۶۴)

### چرا بدینی به غرب؟

پس از رنسانس، بشر غربی با این توجیه که ادیان، اموری خرافاتی و زائیده جهل و توهمات بشری است، تلاش نمود تا اصلی‌ترین قوانین زیست بشری را با کمک عقل خود کشف نماید. پر واضح است دینی که اشاعه‌دهنده آن، کلیسا و مقامات عالی آن باشند غیر از این سرنوشتی نداشت. به تعبیر شیخ محمد عبده: اروپا از آن روزی که مذهب خویش را رها کرد، جلو رفت و ما از آن روزی که مذهب خویش را رها کردیم، عقب رفتیم (مطهری، ۱۳۶۶، ۲۲) به دیگر سخن اروپا از آن هنگام که از دامن کلیسا و افکار پوچ و الحادی آن برید اروپا شد و ما از آن هنگام که از دامن کبرایی قرآن و عترت بریدیم مستأصل و درمانده شدیم.

جهان غرب منازل بسیاری پیمود تا بدین‌جا رسید که یکی از آن‌ها منزل اقتباس از اسلام و تمدن اسلامی بود؛ آن هم با لطایف‌الحیل و شیوه‌های متنوع؛ به گفته جلال آل احمد: غرب از وقتی ما را از سواحل شرقی مدیترانه تا هند شرق خواند که از خواب زمستانه قرون وسطایی خود برخاست و به جستجوی آفتاب و ادویه و ابریشم و دیگر متاع‌ها، نخست در زی زایران اعتبار قدس مسیحی به شرق آمد (بیت اللحم و ناصره) و بعد در سلیح نبرد صلیبان و بعد در کسوت بازرگان و بعد در پناه توپ کشتی‌های پر از متاع خود و بعد به نام مبلغ مسیحیت و دست آخر به نام مبلغ مدنیت، تمدن و این آخری درست نامی بود از آسمان افتاده ... آخر استعمارهم از ریشه عمران است و آن که عمران می‌کند، ناچار با مدینه سر و کار دارد... (آل‌احمد، ۱۳۸۹، ۲۲)

غرب، اسلام را بزرگترین مانع در راه پیشبرد اهداف استعماری خود می‌داند، لذا همواره سرستیز با آن دارد. و همه راه‌ها را آزموده تا مسلمان را از هویت اسلامی خویش و از درون تهی سازد. بهترین راه‌ها را در «فساد اخلاق و تهاجم به فرهنگ و سنن و آداب اخلاقی یک ملت» تجربه کرده‌است.

تاریخ، خود بهترین شاهد و گواه بر این مدعاست؛ آن‌چنان که رد پای استعماری آن‌ها را در الجزایر، اندلس، ایران و ... با استفاده از ابزار «زن، شراب و فساد اخلاقی» می‌توان دید. به گفته (همفر) جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی: در اینجا بود که من به یاد سخن طلایی وزیر مستعمرات افتادم که هنگام وداع به من می‌گفت: ما اسپانیا را از دست کفار مسلمین با شراب و فساد پس گرفتیم. اینک باید سایر سرزمین‌هایمان را نیز به پایمردی این دو وسیله نیرومند باز پس بگیریم ... (همفری، ۱۳۸۶، ۴۵)

این‌گونه است که مسلمانان پس از قرن‌ها سلطه بر اسپانیا با حربه به ظاهر خداپرست و مردم‌پرست برپایی مراکز علمی و آنگاه حضور ابتدال‌آمیز «زن و شراب» از آنجا رانده می‌شوند.

همفر «نابود ساختن اقتصاد ملی ممالک اسلامی، اعم از کشاورزی و راه‌های تحصیل درآمد برای ادامه زندگی ... کوشش در ایجاد روحیه سهل‌انگاری و تن‌آسایی در آحاد مردم و تقویت حس تنفر و بیزاری از پرداختن به امور تولیدی و ... را برنامه اقتصادی وزارت مستعمرات در جهت نابودی اسلام و مسلمانان برمی‌شمارد که در موافقت‌نامه‌ای پنجاه صفحه‌ای مدون شده بود. (همفری، ۱۳۸۶، ۹۶)

نمونه تاریخی دیگر می‌توان به چین اشاره کرد که به نوشته کتاب «نگاهی به تاریخ جهان»: «... انگلیسی‌ها به نام دفاع از منافع و حیثیت ملیشان در سال ۱۸۴۰ میلادی به چین حمله بردند. این جنگ به درستی به نام «جنگ تریاک» نامیده شده‌است؛ زیرا انگلیسی‌ها برای آن می‌جنگیدند که حق تحمیل تریاک را بر چین بدست آورند و پیروز هم شدند ... (لعل نهر، ۱۳۷۲ ج ۲ ص ۸۵۹) چرا که از قبل آن، سود هنگفتی به جیب می‌زدند.

و اگر استعمارگران فرانسوی به آسانی به الجزایر مسلمان سیطره یافتند نبود مگر با دور انداختن چادر الجزایری و بحران هویت مردم آن به گفته فرانتس فانون: هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده‌است تماما به او نشان می‌دهد، پس از دیدن هر چهره بی‌حجابی، امیدهای حمله‌ور شدن اشغال‌گر ده برابر می‌شود... (فانون، ۱۹۵۹، ۴۴) و اگر رضاخان میرپنج در مسیر مسخ فرهنگی ایران و ایرانی قدم می‌نهد جز انجام مأموریت ارباب‌خویش، انگلستان، هدفی ندارد. و این‌گونه است که چادر و چاقچور را دشمن ترقی و پیشرفت ایران می‌داند که حکم دم‌لی را پیدا کرده است که باید به آن با احتیاط نشت زد و از بینش برد. (هدایتخواه، ۱۳۷۵، ۱۵۶)

پهلوی دوم و محمدرضا پهلوی نیز آن هنگام که با شورش و اعتراض قشر دانشگاهی و روشن‌فکر خود مواجه می‌گردد، رئیس ساواکش بهترین نسخه‌ای که رضاخان پدر پیچیده بود را برای درمان می‌پیچد: مگر در این دانشگاه، دختری نیست؟ سعی کنید تعداد دختران این دانشگاه را زیاد کنید و جوان‌ها را به مسائل دیگری سرگرم کنید! (روحانی، ۱۳۶۹، ۱۲)

اینگونه است که این سرگرمی ابعاد دیگری در مجلات و رسانه‌های منبعث از غرب رژیم پهلوی می‌یابد: انتخاب «دختر شایسته یعنی: معرفی دختری که بیشترین نزدیکی به الگوی زندگی غربی را داشته باشد و تشویق همگان به انتخاب این الگو و سبک زندگی او!

### سیر تطور و تحول تأثیرات سبک زندگی غربی بر سبک زندگی اسلامی ایرانی:

گذر از « سنت » به « مدرنیته »

مجموعه مسائل و مشکلاتی که ایران امروز با آن‌ها درگیر است، نتیجه تقریباً دو بیست سال تاریخ پر فراز و نشیب این مرز و بوم است که شاهد تعارض و تقابل بین سنت و مدرنیته هستیم. سنتی که در عصر حاضر نامهربانانه، دست‌خوش تغییرات و تحریفات ناآگاهان به دین و آلت دست استعمار و تمدن غربی گردیده‌است.

به دلایل عینی و شواهد روشن و مستند، استکبار جهانی، به ویژه استعمار غربی، در قرن‌های نوزده و بیست میلادی، ایران زمین را به میدانی برای تاخت و تاز و رقابت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خویش، بدل ساخته‌است.

در جامعه غرب، پس از انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ میلادی و به تبع آن، رشد یکباره تولید محصولات عمدتاً مصرفی، تلاش برای یافتن کشورهای هدف برای فروش محصولات صنعتی، آغاز شد.

این انقلاب به حدی اهمیت یافت که به گفته دکتر نصر آن را بزرگترین پیروزی بشر معنی کردند؛ زیرا که نیاز مادی را پاسخ‌گو بود. پنداشتند که با تأمین نیاز مادی، نیاز معنوی را هم جواب خواهند داد. (پناهی سمنانی، ۱۳۶۳، ۱۹).

در تاریخ معاصر ایران از طریق چهار موج این تحول را پیگیری خواهیم کرد:

**– موج اول:** پایان جنگ‌های ایران و روسیه و انعقاد عهدنامه ترکمانچای ۱۲۴۳ ق/ ۱۲۰۶ ش – دوره‌ای که از اصلاحات عباس میرزا شروع می‌شود، صدارت امیرکبیر را در بر می‌گیرد و بالاخره با عزل سپهسالار به پایان می‌رسد (۱۲۳۵ – ۱۲۹۵ ق) این دوران تقلید از اصلاحات محمدعلی پاشا در مصر و از تنظیمات عثمانی است. (بهنام، ۱۳۷۵، ۱۲۸) بنا به نظر متخصصان تاریخ ایران، نخستین برخوردهای منظم، اما محدود میان ایران و غرب روابط سیاسی بازرگانی به عصر صفویه می‌رسد. اما تا نیمه قرن نوزدهم هیچ کوششی برای غربی‌سازی مشاهده نمی‌شود، یعنی هیچ برنامه‌خاصی برای «اقتباس» یا «تقلید» از آداب، اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی و نیز تفکر فلسفی غرب در ایران وجود ندارد. «شکست‌های پیاپی ایران از روسیه بین سال‌های ۱۲۱۸ قمری و ۱۲۴۳ قمری ۱۸۰۳ م و ۱۸۲۴ م و احساس ضعف نظامی و حقارت فرهنگی برخاسته از آن، برای نخستین بار گروهی از ایرانیان از جمله فرزند شاه، عباس میرزا و وزیرش قائم مقام فراهانی را به خود آورد و به اصطلاح آن روزگار هنگامه روس، حالت تنبه و انفعالی برانگیخت. قراردادهای تحمیلی گلستان و ترکمانچای، گروهی کوچک از کارگزاران دولت را واداشت تا آنچه را که در روسیه و عثمانی دیده بودند با اوضاع ایران بسنجند و با طرح پرسش‌هایی درباره علل عقب‌ماندگی ایران، در پی جواب و چاره‌جویی برآیند. و این‌گونه تحت تأثیر روسیه و عثمانی، تبریز شهر ولیعهد نشین، مرکز ترویج افکار و آداب رسوم غربی گردید و در این راستا نوسازی ارتش، اعزام دانشجویان به فرنگ، ترجمه کتب زندگینامه به فارسی و ... آغاز شد. (بهنام، ۱۳۷۵، ۲۴ – ۱۹) تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که محمدشاه قاجار ۱۲۶۴ – ۱۲۵۰ ق نیز سهم بسزایی در تجدد ایران داشته‌است. در این دوره پای پزشکان فرانسوی به ایران باز می‌شود.

وی طی فرمانی، مسیحیان اروپایی را از مزایای حقوقی دیگر رعایای ایرانی بهره‌ور ساخته که تأسیس مدارس مذهبی از پیامد آن است (همان، ۲۷)

**موج دوم:** دوره‌ای که از نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه آغاز می‌شود و تا انقلاب مشروطیت ادامه می‌یابد ۱۳۲۴ ق در ادامه روند مدرن‌سازی می‌توان به تأسیس دارالفنون توسط میزراتقی خان فراهانی‌امیرکبیر اشاره کرد که نه فقط موجب ورود و گسترش فنون در صنایع مدرن شد، بلکه ترجمه آثار متعددی را از زبان‌های غربی به فارسی ممکن ساخت. این نکته را نباید فراموش کرد که امیرکبیر مردی نبود که با سیاست‌های استعماری روس و انگلیس کنار بیاید. مواضع صریح وی از اعمال و رفتارش کاملاً مشهود است. چنانکه به کرات به مصرف کردن جنس ایرانی از لباس و قلیان و کوزه و... تأکید می‌نمود و به شدت از صنایع داخلی حمایت می‌کرد. (حکیمی، ۱۳۷۲) صفحات متعدد کتاب در دورانی که سرسپردگی و حقوق بگیری از سفارت‌خانه‌های روسی، انگلیسی و عثمانی برای قریب به اتفاق رجال وقت قاجار، امری عادی و حتی افتخارآمیز تلقی می‌شد، امیرکبیر نه تنها این سنت شوم را درهم شکست بلکه به گفته دکتر پولاک فرانسوی: پول‌هایی که می‌خواستند به رشوه به وی بدهند و او نمی‌گرفت، خرج معدوم کردن وی شد (حکیمی، ۱۳۷۲، ۱۴۷) فراهم ساختن زمینه مسافرت‌های ناصرالدین‌شاه به فرنگ که اولین بار توسط میرزا حسین‌خان مشیرالدوله صورت گرفت تأثیر زیادی در این مدرن‌سازی داشت. به گفته مشیرالدوله: «او شاه را متقاعد کرد که به سفر اروپا برود، تا بتواند از نزدیک طرز زندگی اروپائیان را مشاهده کند و از آن نتایج مفیدی برای مردم ایران حاصل شود (سامعی، ۱۳۸۰: ۱۶) قتل ناصرالدین‌شاه ورود اندیشه‌های مدرن را به ایران متوقف نکرد. جانشین او مظفرالدین‌شاه نیز به سفر اروپا رفت. به هنگام نخستین سفرش به فرانسه در تابستان ۱۳۱۸ قمری بود که شاه «سینما» را کشف کرد تحولات بزرگی نیز در این دوره در عرصه‌های نقاشی و معماری پدید آمد. (همان، ۱۸)

**موج سوم:** از انقلاب مشروطیت تا سلطنت پهلوی ۱۳۴۴-۱۳۲۴ ش، دوره‌ای که با هرج و مرج همراه است: استبداد صغیر جنگ اول بین‌الملل و شورش‌ها و ناامنی‌های همراه با آن ... ورود افکار سوسیالیستی به ایران ... در این دوره رسماً هیچ اقدامی در جهت نوسازی مدرنیزاسیون انجام نمی‌گیرد ولی روز به روز بر عده تحصیل‌کردگان در فرنگ اضافه می‌گردد و آداب و رسوم فرنگی همراه با کالاهای ساخت غرب وارد ایران می‌شود. (بهنام، ۱۳۷۵، ۱۲۹) جریان واقعی غربی شدن ایران با حکومت رضاشاه و اعزام دانشجو به فرانسه و آلمان آغاز شد در این زمان برای نخستین بار جامعه شهری سنتی ایران به کالاهای فرنگی و مصرفی دسترسی می‌یافت که تا آن هنگام در اختیار اشراف‌زادگان قاجاری بودند. سیاست مدرن‌سازی سریع رضاشاه تا حدی ناشی از شیفتگی وی نسبت به غرب بود و تا حدی نیز به روابط بسیار خوبش با مصطفی کمال پاشا آتاتورک - رهبر ترکیه بستگی داشت. در این دوره است که به دلیل ارتباط نزدیک ایران با آلمان «انجمن ایران و آلمان که نقش مهمی در غربی شدن جوانان ایرانی بازی کرد، با همت تعدادی از روشنفکران مقیم آلمان چون سیدحسن تقی‌زاده تأسیس می‌شود. (سامعی، ۱۳۸۰: ۲۲) در واقع می‌توان دوره پهلوی اول را «دوره صنعتی شدن و اروپایی کردن آداب و رسوم جامعه ایرانی نام گذاشت.

**موج چهارم:** از سلطنت پهلوی دوم تا کنون از پایان جنگ بین‌الملل دوم تا انقلاب ایران ۱۹۷۹-۱۹۴۵ یعنی دوران توسعه و رشد در این زمان تمدن امریکایی رواج پیدا می‌کند و افکار سوسیالیستی نه تنها روشن‌فکران را که گروهی از طبقات

متوسطه را جذب می‌کند. اولین نشانه‌های جامعه مصرفی پدیدار می‌گردد. و یک نوع غرب‌گرایی وحشی به چشم می‌خورد. ماجرای ملی کردن نفت و پیامدهای آن موجب یک نوع سرخوردگی از غرب می‌شود، اما سیاست نوسازی آمرانه دولت، زمینه را برای رشد و توسعه آماده می‌کند. (بهنام، ۱۳۷۵، ۱۳۵). سیاست‌های محمدرضا شاه زمینه مصرفی شدن جامعه ایرانی را فراهم می‌سازد. آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی در کتابش اوضاع ایران را در سال ۱۹۷۴ م - ۱۳۵۳ ش این‌گونه تشریح کرده‌است: ایران یکی از کشورهای جهان سوم است. بنابراین اولین کاری که اینجا می‌کنید، این است که تا می‌توانید کالاهای آن را بفروشید و فقط در صورتی سرمایه‌گذاری کنید که برای فروش کالاهای آن چاره‌ای جز این کار نداشته باشید... من معتقدم که ایران یکی از بهترین بازارهایی است که شما می‌توانید برای مصرف کالاهای خود در جهان سوم پیدا کنید (نصری، ۱۳۸۷، ۱۶۹). در این سال‌هاست که «نظریه مدرنیزاسیون» به عنوان یک مدل اقتصادی و فرهنگی برای توسعه، طرفداران بسیاری می‌باید و تلاش غربیان و در رأس آن‌ها آمریکا با طرح نظرات روستو (اقتصاددان آمریکایی) و ارائه «مانیفست غیرکمونیست» و گذر از جامعه‌ای که دارای اقتصاد کشاورزی باشد به اقتصاد صنعتی و در پی آن برنامه دیکته شده آمریکا با نام طرح انقلاب سفید بدست محمدرضا پهلوی تبعیت از این مانیفست و سیاست است. (فردوست، ۱۳۷۱، ۳۰۲) بدین‌گونه محمدرضا پهلوی با میدان دادن به خارجی‌ها به خصوص آمریکایی‌ها در اقتصاد و زندگی روزمره ایرانیان، احساسات ضد بیگانه را که در ایران ریشه عمیقی دارد علیه خود برانگیخت... سیاست مدرنیزاسیون شاه با مخالفت عناصر مذهبی و قشر وسیعی از مردم مواجه شد. از نظر آن‌ها سیاست مدرنیزه کردن کشور، مترادف با فساد و تزریق فرهنگ غربی، به هم ریختن نظامات و قواعد اجتماعی، ائتلاف پول و سرمایه و وابستگی بیشتر به بیگانگان بود. این سیاست نه فقط با فرهنگ و رسوم جامعه ایرانی مغایرت داشت، از نظر اقتصادی نیز به ایران لطمه می‌زد. به عنوان مثال واردات انواع کالاهایی که مشابه آن در داخل تولید می‌شد، تولیدات داخلی را به خطر می‌انداخت (طلوعی، ۱۳۷۳، ۵۷۸) در نتیجه مدرنیته‌ای که محمدرضا پهلوی مدعی آن بود به دلیل فقدان یک شالوده مبتنی بر شناخت مسائل و واقعیات روز و ساختار دموکراتیک، همچون قصری پوشالی در زمستان ۱۳۵۷ فرو ریخت. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ م محاسبات سیاسی دول غرب به ویژه آمریکا و اسرائیل را برهم زد. زیرا آن‌ها سعی داشتند تا همچنان مدرنیته غربی را جایگزین شریعت اسلامی نمایند و در این راستا از هیچ کوششی در جهت مخدوش نمودن هویت و فرهنگ شرق به ویژه ایران فرو گذار نکردند. متأسفانه این تلاش برای استحاله و مسخ فرهنگی اخلاقی در فضاهای مجازی و با رسانه‌های جدید شکل و قالبی دیگر به خود گرفته‌است.

### نقش روشنفکران

جریان روشنفکری دینی از جریان‌های تأثیرگذار در تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایرانی محسوب می‌گردد. واژه روشنفکر معادل واژه فرانسوی Intellectual است و به کسی اطلاق می‌شود که کار فکری، در مقابل کار یدی می‌کند.

این واژه در واقع فارسی شده اصطلاح «منورالفکر» است که در نهضت مشروطیت بر سر زبان‌ها افتاد. این عنوان در اوایل مشروطه، بیشتر به تحصیل کرده‌های فرنگ یا کسانی که به یک زبان خارجی آشنا بودند و به منابع خارجی دسترسی داشتند، اطلاق می‌شد. (طلوعی، ۱۳۷۶ ج ۲ ص ۸۰۷)

به عقیده جلال آل احمد: روشنفکر در ایران کسی است که در نظر و عمل به اسم برداشت علمی اغلب برداشت استعماری دارد؛ یعنی از علم و دموکراسی و آزاد اندیشی در محیطی حرف می‌زند که علم جدید هنوز در آن پا نگرفته و آزاد اندیشی را هم نه در قبال حکومت‌ها، بلکه فقط در قبال بنیادهای سنتی (مذهب، زبان، تاریخ، اخلاق، آداب اعمال می‌کند... (آل احمد، ۱۳۵۷ ص ۴۶)

با گذشت زمان این واژه معانی فراوانی به خود پذیرفته و گاه به دسته‌ای افراد اطلاق می‌گردد که سلطه استعمارگران و بیگانگان را خطری جدی برای اسلام تشخیص داده و دوام اسلام را بازگشت به اسلام و به کار بستن قرآن و سنت پیامبر امکان‌پذیر می‌دانند. از این دسته می‌توان به شخصیت‌هایی چون عباس میرزا، قائم مقام فراهانی، میرزا تقی‌خان فراهانی امیرکبیر، آخوند خراسانی، شیخ فضل‌الله نوری، آیه... مدرس، امام خمینی (ره)، شهید مطهری، شهید بهشتی و ... نام برد. و دسته دوم افرادی که با سرسپردگی به یک یا چند قدرت استعماری، به دنبال تقلید بی‌اساس جامعه خویش از مظاهر تمدن غربی بر آمده‌اند. در زندگینامه این گروه از روشنفکران به این نکته می‌رسیم که آن‌ها یا تحصیلات خود را در غرب انجام داده‌اند یا در مأموریت سیاسی، مدت مدیدی را در غرب گذرانده‌اند. هر چند که خلاف رویه این افراد نیز به شخصیت‌هایی مانند امیر نظام گروسی و ... بر می‌خوریم که هرگز هویت ایرانی ملی خویش را تغییر ندادند. از این گروه می‌توان به میرزا ابوالحسن خان ایلچی سفیر ایران در عهد فتحعلی‌شاه در انگلیس (یا به عبدالرحیم طالبوف ۱۲۵۰) اشاره کرد.

نقش روشنفکران وابسته «تقی زاده»، ۱۳۷۷: ۵۳ که مسلمانان را به جرم آنکه پیرو آیین اسلام هستند، «گمراه جهالت» خوانده یا میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله ارمنی ... یا سیدحسن تقی‌زاده که متعقد بود که: «برای ترقی باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد» و خود با کنار گذاشتن لباس روحانیت و ملبس شدن به لباس و آداب و رفتارهای فرنگیان عملاً نشان داد که منظورش از ادای این جملات چیست! (همان، ۱۳۷۷: ۶۰)

این افراد آنچنان مبهوت و مجذوب سنن و آداب غریبان می‌شدند که غالباً در بازگشت به ایران، کوله باری از ادا و اطوار غربی‌ها را در لباس و معاشرت و سخن گفتن و رسومات با خود سوغات می‌آوردند.

به تعبیر جامع مقام معظم رهبری: ... روشنفکری در ایران از اول بیمار متولد شد. هنوز هم گریبان روشنفکران ما، در قبضه همان بیماری است ... به جای آنکه خلیقات مثبت را از آن‌ها یاد بگیرند و ترویج کنند. چیزهای ظاهری و کم ارزش و یا مضر مثل آزادی جنسی و اختلاط زن و مرد و بی‌اعتنایی به معنویت و حذف دین و بدگویی به روحانیت را ترویج می‌کنند... (همان، ۱۳۷۷: ۱۰)

با پیروزی انقلاب اسلامی، جریان روشنفکری دینی تداوم می‌یابد؛ با تقویت خودباوری و اثبات خویشتن، به نفی غلیظ غرب و مبارزه با امریکا خودنمایی می‌کند. هر چند در کنار این جریان روشنفکری دینی، گروه‌های دیگر مطرح‌اند که به

نوعی بازگشت به تفکر تقی‌زاده‌هاست با این تفاوت که دین را نفی نمی‌کنند اما آن را به حوزه فردی محدود می‌کنند و ... (شعبانی ساروئی، ۱۳۸۷، ۹۲)

دیدگاه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب به مدرنیته «سبک زندگی»

موضع امام خمینی (ره) بزرگ معمار انقلاب اسلامی ایران، اندیشمند دینی و سیاسی جهان اسلام، در تبادل دستاوردهای تمدن جدید، موضع پذیرش و نقادی و انتخاب است. امام (ره) به عنوان یک متفکر عقل‌گرا، جایگاه والایی برای عقل در شناخت قائل‌اند. اما عقلانیت مورد نظر ایشان با عقلانیت رایج در غرب که محدود به مادیات و توجه ابزاری به دنیا برای زندگی بهتر است تفاوت‌های عمده‌ای دارد. به عقیده وی، توسعه اقتصادی نباید جای خدا و معنویت را بگیرد.

امام (ره) توسعه اقتصادی که سبب تحول مثبتی در زندگی مردم شود را به دیده تحسین می‌نگرد؛ اما نقد ایشان به سه عنصر از عناصر مربوط به توسعه اقتصادی باز می‌گردد: یکی افراط در دنیاگرایی - رفاه‌زدگی، دیگری عدم وابستگی اقتصادی به بیگانگان سوم آنکه توسعه اقتصادی باید در بردارنده عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد؛ یعنی توده مردم از نتایج آن منتفع شوند نه اقلیت برخوردار و مرفه جامعه ... (حسنی، ۱۳۷۸، ۹۴ - ۹۲)

رهبر معظم انقلاب نیز با تأسی از اندیشه‌های دینی و عقلانی امام (ره) بر اقتباس هوشمندانه و هوشیارانه تمدن غربی «تأکید می‌فرمایند نه بر تقلید کورکورانه و محض از سنن و آداب غربیان: ... ما که بحث تهاجم فرهنگی را مطرح می‌کنیم و بر آن پای می‌فشاریم، معنایش این نیست که یک فرهنگ نباید از محیط خارج از خود چیزی را به خود بیفزاید؛ برعکس، باید فرهنگ‌ها با یکدیگر تبادل داشته باشند. منتهی این اتفاق در ایران نیفتاده.

معظم‌له در ادامه مطلب به «گزینش ناصحیح» جریان اقتباس ناآگاهانه تمدن غربی در دوران قاجار و پهلوی اشاره می‌نمایند. ایشان عیب بزرگ فرهنگ مهاجم را «سلطه‌طلبی» می‌داند و بر «علم‌پذیری» نه «فرهنگ‌پذیری» آن‌ها تأکید دارند: ... گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگ دیگران اشتباه نشود، این مغالطه بزرگی است که کسی بگوید علم غربی‌ها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقتان هم خوب است فرهنگ بی‌بند و باری، بی‌دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصل دانستن مادی‌گری و ارزش‌های مادی، فرهنگ‌های غلطی است که امروز غرب دچار این‌هاست. (اندیشه معلم، ۱۳۹۰، ج ۱۵)

با بررسی دیدگاه‌های جامع و تعیین‌کننده امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، اختلاف اساسی ما با غرب، اختلاف در نگرش به زندگی و سبک زندگی است؛ آن‌ها مقوله «لذت» را مبنا قرار می‌دهند و ما «تقرب به خدا» را اصل قرار می‌دهیم. اما همین تمدن غربی، آن هنگام که منافع خویش را در آشفته بازار تجاری و اقتصادی، آن هم از نوع سرمایه‌داری مدرن می‌بیند، با بر چهره نهادن ماسک‌ها و نقاب‌های رنگارنگ، همراه با گردش چرخ زمانه به گردش مترقیانه خود ادامه می‌دهد و برای یافتن بازار مصرف خویش به لطایف الحیل، سعی در رخنه و نفوذ در کشورهای به اصطلاح عقب‌مانده یا در حال توسعه یا جهان سوم می‌کند؛ گاه جای پای نفوذ خود را از طریق دست‌نشانده‌ای سیاسی هموار می‌سازد و گاه با تهاجم به فرهنگ و تمدن آن کشور، سعی در تخریب هویت ملی مردم آن‌ها دارد؛ حال چه با عنوان «مصرف‌زده» کردن و چه با عنوان سبک زندگی مدرن و سوق دادن به سمت و سوی پیشرفت و ...

بی‌تردید راه‌حل اساسی این است که نباید با تقلید کورکورانه راه را بر این تهاجمات هموار کرد. به گفته اقبال لاهوری: آن‌ها که چشمشان از تقلید و بردگی کور شده‌است نمی‌توانند حقایق بی‌پرده را درک کنند. این فرهنگ و تمدن نیم‌مرده اروپایی چگونه می‌تواند کشورهای ایران و عرب را حیات نوین بخشد، هنگامیکه خود به لب‌گور رسیده‌است؟ به اعتقاد اقبال: بزرگترین عیب فرهنگ اروپا در عقلانیت محض آن است که بوسیله آن می‌خواهد کشتی بشریت را از مهلکه نجات بدهد. (مطهری، ۱۳۸۸، ۱۲)

پیامدهای تغییر سبک زندگی به شیوه غربی

۱- بی‌توجهی به دستورات اسلام: دستورات الهی و آموزه‌های دینی پیامبران و ائمه اطهار(ع) بر پایه سعادت‌مندی و عاقبت به خیری در دنیا و آخرت است. خداوند متعال در آیات متعدد به بهره‌مندی از نعمت‌های الهی توصیه می‌کند. (ملک: ۱۵ - یس: ۳۵ و ۳۴ - سبأ: ۱۵ - نحل: ۱۴ - طه: ۸۱ - بقره: ۱۷۲: - مائده: ۸۸ - ۸۷ و ...)

در نگرش اسلام و قرآن راه رسیدن به کمال از طریق صراط مستقیم می‌گذرد، که همان راه اعتدال است نه راه اسراف و تبذیر و حتی بخل و امساک. حضرت علی(ع) می‌فرماید: راست و چپ گمراهی است و راه مستقیم، جاده‌ای است غیرقابل انحراف. (نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۶، ۴۸)

71

انسان امروز، با زدن نقاب مدرنیته بر چهره، در حالی که هنوز ساختار روانی و درونی آن را نهادینه نکرده، قدم در راه اسراف و تبذیر می‌گذارد. شهید علم‌الهدی این انسان را چه زیبا توصیف می‌کند در نامه خود به خواهرش در سال: ۱۳۵۶ ... ما زندگی را در رنج می‌گذرانیم تا راحتی و آسایش ایجاد کنیم. تمام عمر می‌دویم، به این امید که لحظاتی را بنشینیم ... اما آرامش را لمس نمی‌کنیم، زیرا مرتباً از طریق اجتماع به ما نیازهای کاذب تلقین می‌شود ... درست همان‌گونه می‌اندیشیم و همان‌گونه انتخاب می‌کنیم که فرهنگ مادی بورژوازی غرب به ما تحمیل کرده و معیار ارزش‌هایمان بسته‌بندی شده از غرب می‌آید ... و ما تمام تلاشمان و ناراحتی‌مان این است که بهتر زندگی کنیم؛ به جای اندیشیدن به اینکه چگونه باید زندگی کنیم و چرا؟! ... (هفته‌نامه پنجره، ۱۳۹۰، شماره: ۱۰۰، ۱۲۳)

۲- تغییر ارزش‌ها و هنجارهای فرد و جامعه: کاملاً عقلانی و منطقی است که افراد برای ورود به جامعه و ایفای نقش‌های مؤثر، باید اصولی را بپذیرند و رفتارهایی را یاد بگیرند. در گذشته، وجود نظام‌هایی مانند خانواده‌های گسترده، قبیله، ایل و مانند آن، فضای آماده‌ای را ایجاد می‌کرد تا در آن یک کودک قدم به قدم در مواجهه با پدر، مادر، اعضای خانواده، فامیل و ... ارزش‌ها و نظم حاکم را بپذیرد و درونی کند.

بازی‌های کودک با گروه همسالان، تنبیه و تشویق بدست والدین، رفت و آمدهای خانوادگی، مراسمات آیینی ... همه و همه فضاهای ارتباطی و موقعیت‌هایی را ایجاد می‌کرد که حداقل‌های مورد نیاز برای جامعه‌پذیری افراد را فراهم می‌آورد. ... روحیه سوداگرانه و شبه سراب زندگی بهتر، افراد را از دل خانواده و طایفه خود جدا کرد ... و افرادی که معنی زندگی را فقط لذت بردن می‌دیدند، حاضر نبودند در خانواده‌های خود مسئولیت مراقبت از پدران و مادران پیر خود را بپذیرند و

یا حتی حاضر شوند تعداد بیشتری فرزند داشته باشند، چرا که فرزند کمتر، زندگی بهتر و در حقیق، هدف لذت بردن بیشتر از زندگی بود.

خانواده‌ای که هسته اولیه آن را پدر و مادر و شاید تک فرزندی نیز تشکیل می‌دهد و این کودک نیز برای جامعه‌پذیری، خواهر و برادری در خانواده خود نمی‌بیند و این نقش را نهادهایی چون مهدکودک‌ها و نظام رسانه‌ای چون صدا و سیما و ماهواره و اینترنت و فیس‌بوک و... بر عهده می‌گیرند. طبیعی است که در این سیستم، جای کانون گرم خانواده را نیز سرگرمی‌های عصر مدرنیته چون ماهواره و اینترنت پر می‌کند... در نتیجه هنجارها و ارزش‌ها را این فرهنگ به او آموزش مجازی می‌دهد.

۳- تنوع در زندگی به شیوه اسراف و تبذیر: در قرآن کریم واژه «اسراف» و مشتقات آن مکرر به کار رفته است (انعام: ۱۴۱ - غافر: ۴۳ - شعراء: ۱۵۱ - ذاریات: ۳۴ و...) در سوره اسراء آیه ۲۷ اسراف‌کاران، برادران شیطان معرفی شده‌اند. این مفهوم را باید در جهان‌بینی و اعتقادات اسلامی جستجو کرد و اینکه خداوند به عدالت و احسان فرمان می‌دهد و چون اسراف‌کاران بی‌عدالتی در مصرف را پیشه خود ساخته‌اند، قهراً "مورد خشم و عقوبت خداوند قرار می‌گیرند. مقام معظم رهبری از اسراف و مظاهر آن با عنوان بی‌انضباطی مالی تعبیر می‌کنند: عزیزان من! در کشور ما اسراف زیاد می‌شود؛ اسراف در نان، اسراف در آب، اسراف در برق، اسراف در مصالح ساختمانی، اسراف در انواع و اقسام کالاهای گوناگون، اسراف در اسباب بازی بچه، و در وسایل تجملاتی و... عزیزان من! این اسراف، همان کاری را با یک کشور می‌کند که دشمن می‌خواهد. (نصرتی، ۱۳۸۷، ۳۷۷)

۴- تنزل جایگاه رفیع زن: مهدیقلی‌خان هدایت - مخبرالسلطنه - (رئیس‌الوزرای رضا شاه پهلوی)

که خود از قضیه کشف حجاب رضاخان دل خوشی نداشت و در این مورد معتقد است که: کلاه اجنبی ملیت را از بین برد و برداشتن چادر عفت را و نیز هدف اروپائیان از ترویج مظاهر تمدنی خویش را تزلزل اسلام می‌داند. و تبعیت از جلوه‌های منفی تمدن غربیان را زمینه‌ساز جنایات و شهوت‌رانی علیه زنان می‌داند. (صلاح، ۱۳۸۴، ۴۱)

۵- تزلزل بنیان خانواده: طبق آمارهای رسمی و غیررسمی، خانم‌های خانه‌دار بیشترین میزان استفاده از ماهواره را دارند، که می‌توانند مهم‌ترین قشر برای نشانه گرفتن توسط دشمن به حساب آیند.

در این شبکه‌های ماهواره‌ای؛ خیانت به شوهر، بدپوششی و بی‌حجابی، پرخاشگری به افراد خانواده، بی‌اعتنایی به تربیت فرزندان، شکستن اعتماد میان زن و شوهر، جایگزین کردن حیواناتی نظیر سگ و گربه و محبت به آنان به جای محبت به فرزند و همسر از یک سو و تغییر سلیقه افراد از قناعت به سمت اسراف و مصرف‌گرایی و زندگی تجملی از سوی دیگر تبلیغ می‌شود.

۶- رایانه و اینترنت جایگزین تفریحات سالم: دوری‌گزینی فرزندان از والدین و طلاق‌های فیزیکی و عاطفی فراوانی در جامعه دیده می‌شود. بازی‌های کامپیوتری خشن، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، فیس‌بوک و چت‌روم‌ها، جای کتاب‌خوانی و روش‌های معمول گذراندن اوقات فراغت را گرفته‌اند.

۷- مصرف‌زدگی جایگزین حمایت از سرمایه ملی: مخبرالسلطنه در توضیح این وجه از مصرف‌زدگی ایرانی چه زیبا داد سخن می‌دهد که: ... تکلف در لباس به جایی کشیده شده که عایدات مشروع و حلال هشتاد درصد، وفا به ایفای مد نمی‌کند. لباس ظهر، لباس عصر، لباس شب، کفش و کلاه و جوراب هم‌رنگ و ... سابقا و سمه می‌کشیدند، سرانگشتان را حنا می‌بستند. چون پول به خارج نمی‌رفت، وحشی‌گری بود؟ حال که مبلغی گزاف به بهای ماتیک می‌رود نشان از ترقی و تمدن است؟ بگویم مد هم وسیله انتشار ثروت است؛ در صورتی خواهد بود که از متاع داخله باشد نه از جنس خارجه و منحصر به ثروتمندان... (تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸، ۸۵)

۸- سلب آرامش روانی و داشتن حسرت گذشته: ارائه محصولات متنوع و فراوان برای داشتن سبک زندگی بهتر در فضای وب و مطرح‌ترین سایت‌های دنیا و ... نه تنها آرامش و اطمینان خاطر را به همراه نیاورد بلکه حسرت دوران بودن در کنار خانواده گسترده و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و سجاده پهن شده آن‌ها، آغوش پرمهرشان، لبخند همیشه برلبشان علیرغم تمامی کم و کاستی‌های زندگی و ... را بر دل همه گذاشت. به گفته مخبرالسلطنه هدایت: ما زندگی داشتیم، آرام، بی دغدغه، خالی از نقیض و تکلفات مزاحم، یک اتاق برای زندگی کافی بود ... امروز، اتاق خواب، اتاق ناهارخوری، اتاق سالن حتی اتاق قمار لازم شده است ... تخت‌خواب، میز، نیمکت، جا تنگ کن منزل لازم است. همه این تکلفات زندگی را دشوار کرده است. رشک و حسد را بسیار و تلاش روزی را مشکل ... درب خانه‌ها باز بود، سفره‌ها پهن ... کم کم رشته زندگی ساده خودمان از دست رفت و پا به دایره تجدد گذاردیم! (...بهنام، ۱۳۷۵، ۱۵۸)

۹- روی آوردن به الگوهای غربی و فراموشی الگوهای راستین اسلامی و ملی: سبک زندگی، الگوی خاصی برای زندگی کردن است. این که فرد چه الگویی را برای زندگی خود برمی‌گزیند، مهم است و رابطه زیادی با هویت او دارد.

۱۰- تبلیغ فرهنگ غرب به عنوان ابرفرهنگ: فرهنگ مهاجم، با ارائه معیارهای ابرفرهنگ از قبیل رفاه مادی، مصرف‌گرایی، بهره‌جویی و لذت بردن بی‌حد و لجام گسیخته در زندگی و ... سبک زندگی ایده‌آل خود را به کشورهای دیگر تزریق و سپس آن‌ها را به خود وابسته می‌کنند.

۱۱- اشاعه و توسعه وسایل الکترونیکی و ارتباط جمعی نامرغوب و زیان آور: در این زمینه کشورهای غربی بدون در نظر گرفتن اصول اساسی عرضه و تقاضا و نیاز مشتری و صرفاً جهت افزایش بعد مصرفی بودن، مبادرت به ساخت وسایل الکترونیکی می‌نمایند که فاکتور «سلامت» در آن در نظر گرفته نشده است به عنوان مثال متأسفانه در بازارهای ما تلفن‌های همراه چینی با میزان اثر بالا و ارزان قیمت و با امکانات بسیار بالا که در بازارهای جهانی تأیید نمی‌شود موجود است و مواردی از این قبیل ...

۱۲- آسیب‌پذیر شدن مخاطبان کم سن و سال رسانه‌های داخلی و خارجی (تلویزیون و ماهواره و اینترنت): به دلیل کمبود توانایی‌ها و مهارت‌های شناختی، این گروه در برابر تبلیغات، شکننده‌تر هستند و تقاضای خرید محصول و افزایش غذاها و تنقلات و فست فودهای مضر و نامطلوب و تبلیغ سایر محصولات که غالباً با عنوان «فرهنگی» ارائه می‌گردند، درک نادرستی از این فرآورده‌ها را بدست می‌آورند.

۱۳- افزایش فاصله طبقاتی و جرائم اجتماعی: متأسفانه روند رو به رشد «مصرف‌گرایی» و «تبعیت از «مد» جامعه ایرانی در سال‌های اخیر سبب ایجاد یک «به هم ریختگی طبقاتی» به دلیل اختلاس، رانت‌خواری و ... گردیده‌است. این عامل خود می‌تواند زمینه‌ساز ناهنجاری‌ها و تخلفات و جرائم اجتماعی گردد.

بیان راهکارها:

- ۱- فضاسازی اخلاقی در جامعه باید جایگزین تکرار آموزه‌های دینی و اخلاقی ناآگاهانه گردد.
- ۲- ارائه شیوه‌های صحیح مناسبات انسانی اندیشه مثبت و سازنده - پرهیز از بدبینی و یک‌سوگیری - منفی‌بافی و (...). متأسفانه سبک زندگی ما به شدت خودمحور است. بطور کلی ما در خانواده، مدرسه و جامعه به گونه‌ای تربیت می‌شویم که نگاهمان، نگاه اجتماعی نیست، نگاهی فردی است.
- ۳- ارائه اسوه‌ها و الگوهای دینی: حدیث شریف: «کونوا دعاه للناس باعمالکم» ... متوجه مسئولان کشور، سرمداران نظام تعلیم و تربیت از جمله معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران تربیتی و ... است. در این راستا توجه ویژه به تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان مدنظر می‌باشد.
- ۴- ارتقاء سطح فرهنگ شهروندان در استفاده از رسانه‌های غربی و جایگزین نمودن برنامه‌های سرگرم‌کننده مبتذل ضد اخلاقی ماهواره با برنامه‌های سازنده رسانه ملی.
- ۵- سرمایه‌گذاری‌های طولانی مدت در امور مربوط به کودکان پیش‌دبستانی: اکثر این مراکز، صرفاً مرکزی برای نگهداری و سرگرم کردن کودکان هستند. ساعات حضور کودک در این مراکز با تماشای کارتون، رقص و بازی‌های بی‌هدف پر می‌شود. بازنگری جدی بر برنامه و اهداف جزئی و کلی مقطع پیش‌دبستانی و نظارت صحیح در این مورد اولویت ویژه‌ای دارد.
- ۶- آموزش سبک زندگی اسلامی به خانواده‌ها و متولیان تعلیم و تربیت: خانواده مهم‌ترین رکنی است که سبک زندگی را ناخودآگاه به فرزندان منتقل می‌کند. در کنار خانواده، مدرسه هم نقش مهمی دارد. امروزه بهترین مدارس ما مدارسی‌اند که دانش‌آموزان المپیادی موفق یا رتبه برتر کنکوری داشته باشند نه مدارسی که سبک زندگی معلمان و دانش‌آموزان آن، اسلامی باشد. انضباط، وجدان کاری، قانون‌پذیری و ... ملاک‌های رفتاری و اخلاقی در سبک زندگی ایرانی اسلامی تلقی می‌شوند و بهترین مکان برای آموزش این ارزش‌ها خانواده و مدرسه است.
- ۷- آموزش ضرورت‌های تدبیر در مصرف و مبارز با تجمل‌گرایی: در این مورد آموزش‌های تخصصی و پرورش کارشناسان مجرب در زمینه اصلاح مصرف و بهره‌وری و استفاده از این افراد برای آموزش به دیگران امری کارساز خواهد بود.
- ۸- تأکید بر نقش رسانه ملی به ویژه تلویزیون: با تغییر ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه پس از انقلاب اسلامی، متأسفانه باز هم شاهد نوعی انحراف پنهان در رسانه‌ها هستیم. اهمیت فاکتورهایی چون: محوریت زیبایی‌چهره در انتخاب بازیگر، روابط آزاد و صمیمانه زن و مرد در قالب همکار، دوست ... طرح عشق‌های آتشین به دنبال یک نگاه، آرایش‌های غلیظ و محرک به بهانه گریم، حجاب و پوشش نامناسب و ... در برخی موارد به یکی از عوامل ایجاد ناهنجاری در حجاب و عفاف و رفتار و سلوک زنان جامعه تبدیل شده‌است. تعلیم هنجارهای رفتاری، اصلاح سبک زندگی در جهت

درک ارزش‌های منابع ملی، بهبود فرهنگ استفاده از وسایل مصرفی و ... در قالب‌های گوناگون گفتگو، فیلم، سریال و مستند و ... بر عهده صدا و سیماست.

۹- نظارت بر پنخس آگاهی‌های بازرگانی: به ویژه آگاهی‌های مربوط به محصولات خارجی و

وارداتی. در واقع فضای فکری افراد جامعه و بخصوص خانواده به جای تمرکز بر نیازهای واقعی بر نیازهای کاذب متمرکز می‌شود. برنامه خانواده که از مهم‌ترین برنامه‌های تلویزیونی در سطح دنیاست، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به شما القاء می‌کند که برای آشپزی نیاز به مایکروفر، ماهی تابه مارک فلان و ... دارید. در واقع ساختار روابط خانواده برای مصرف هر چه بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرد.

۱۰- معرفی منابع اسلامی سبک زندگی به مردم و آموزش آن توسط متخصصان و نخبگان این امر: خوشبختانه اسلام دارای منابع و مراجع دست اول و غنی در این زمینه می‌باشد. متخصصان امر با تفسیر و توضیح و ساده کردن واژه‌ها و اصطلاحات این منابع، آن‌ها را جهت استفاده همگان، عمومی می‌سازند. قرآن کریم، نهج البلاغه، نهج الفصاحه و ... سیره چهارده معصوم از این دسته‌اند. کتاب «مفاتیح‌الحیاه» زیر نظر آیه الله جوادی آملی که می‌توان آن را مکمل کتاب «مفاتیح‌الجنان» شیخ عباسی قمی دانست؛ نیز جزو منابع بسیار غنی سبک زندگی اسلامی می‌باشد. یا کتاب «الحیاه» محمدرضا حکیمی و از دین دست منابع ...

75

۱۱- ترویج و ارج نهادن به فرهنگ حجاب و عفاف: متأسفانه به دلیل جذابیت برنامه‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای، قشر جوان ما تحت تأثیر الگوها و شخصیت‌های سریال‌ها، مبادرت به تغییر لباس و پوشش و حتی نحوه آرایش خود می‌نمایند. وظیفه رسانه‌های تبلیغی ماست که در این زمینه با انتخاب زنان با شخصیت و عقیف الگوهای منابعی به این نسل معرفی نمایند.

۱۲- ارائه تعریفی بومی و ملی از سبک زندگی: که مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی ایرانی باشد، امری ضروری است. در این راستا، محققان اسلامی باید تحقیقات علمی خود را بر پایه تعریفی بومی از «سبک زندگی» استوار سازند.

### نتیجه گیری

در مقایسه سبک زندگی سنتی گذشته و مدرن امروزی که هر یک اقتضانات و ویژگی‌ها و پیامدهای مثبت و منفی خود را دارند؛ اگر گذشته را به رخ حال می‌کشیم فقط به خاطر پایبندی به شرع مقدس، قانع بودن، تشخیص نیازهای اصلی؛ عدم مصرف‌گرایی، ارتباطات صمیمانه، رعایت اصول شهروندی و ... انسان‌های آن روزگار بود. اما اکنون بدون تعریفی جامع و سازمان‌یافته از سبک زندگی و متأثر از فرهنگ مهاجم، قدم در دهکده جهانی گذاشته‌ایم که حتی چاق سلامتی و احوالپرسی‌هایمان را نیز امواج تلفن‌های همراه و رایانه و اینترنت انجام می‌دهند. این به مفهوم مبارزه با موج اطلاعات و فناوری علوم نوین نیست؛ بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری «فرهنگ‌پذیر» بیگانه نباشیم؛ و گرنه اقتباس هوشمندانه و آگاهانه هر چند که غرب از رهگذر استفاده از دستاوردهای تمدن اسلامی غرب شد [از علوم غربیان به شرط از فیلتر دین گذراندن آن‌ها می‌توان گذران زندگی را آسان‌تر، نظام آموزشی را کارا تر و آسایش و امنیت و عدالت اجتماعی را عملی‌تر سازیم. چرا که بی‌بصیرتی، نادانی و جهالت در تقلید محض از فرهنگ غربی، از آفات مهم انسان و جوامع بشری است.

## منابع و مآخذ

۱. آل احمد، جلال (۱۳۸۹) غرب‌زدگی، قم، انتشارات ژکان.
۲. آل احمد، جلال (۱۳۵۷) در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران، انتشارات خوارزمی.
۳. بهنام، جمشید (۱۳۷۵) ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، نشر و پژوهش فرزانه.
۴. پناهی سمنانی، محمد (۱۳۶۳) قائم مقام فراهانی چهره درخشانی ادب و سیاست، تهران، نشر ندا.
۵. حسینی، محمد حسن (۱۳۷۸) نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۶. حکیمی، محمود (۱۳۷۲) داستان‌هایی از زندگانی امیرکبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. روحانی، حمید (۱۳۶۹) نقش تاریخی بانوان، مجله شاهد بانوان، شماره ۱۶۸.
۸. ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰) رسانه اسلام ناب، هفته نامه پنجره، شماره ۱۰۰.
۹. سامعی، حسین (۱۳۸۰) ایران و مدرنیته، تهران، نشر گفتار.
۱۰. شعبانی ساروئی، رمضان (۱۳۸۷) جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، تهران، سازمان بسیج فرهنگیان.
۱۱. صالحین (۱۳۹۲) شجره طیبه صالحین (نشریه)، سال دوم، شماره سوم.
۱۲. صلاح، مهدی (۱۳۸۴) کشف حجاب، زمینه‌ها، واکنش‌ها و پیامدها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین ( ) - (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۴. طلوعی، محمود (۱۳۷۳) داستان انقلاب، تهران، نشر علمی.
۱۵. طلوعی، محمود (۱۳۷۶) بازیگران عصر پهلوی، تهران، نشر علمی.
۱۶. فانون، فرانتس (۱۹۵۹) انقلاب الجزایر، ترجمه دکتر ابوالقاسم پاینده، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. فردوست، حسین (۱۳۷۱) ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۸. فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۷۴) ترجمه نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات صبا.
۱۹. قربانی، زین‌العابدین (۱۳۷۰) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. قربانی، زین‌العابدین (۱۳۷۲) علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، تهران، دفتر نشر
۲۱. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۳۴۴) اصول کافی، ترجمه و شرح حاج سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)
۲۲. لعل نهر، جواهر (۱۳۷۲) نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، تهران، چاپخانه سپهر.
۲۳. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۸) تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران.
۲۴. معاونت پژوهش و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۹۰) تصویر غرب در نگاه مقام معظم رهبری، مجله اندیشه معلم، تهران، ج ۱۵.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸) احیای تفکر اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.

۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶) سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹) ولاءها و ولایتها، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۷۷) تاریخ تهاجم فرهنگی غرب - نقش روشنفکران وابسته «تقی زاده»، تهران.
۳۰. نصری، محسن (۱۳۸۷) ایران، دیروز، امروز، فردا تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی.
۳۱. هاشمی نژاد، عبدالکریم (۱۳۴۸) مسائل عصر ما، تهران، انتشارات آیین جعفری.
۳۲. هفته‌نامه پنجره (۱۳۹۰) زیستن برای مصرف، مصرف برای زیستن [متن نامه شهید علم الهدی خطاب به خواهرش در سال ۱۳۵۶، شماره ۱۰۰.
۳۳. هدایتخواه، ستار (۱۳۷۵) زیور عفاف، مشهد، انتشارات ضریح آفتاب.
۳۴. همفری (۱۳۸۶) خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۵. وزارتی، محمدحسین (۱۳۹۲) چرا سبک زندگی، نشریه شجره طیبه صالحین، سال دوم، شماره سوم.

## Modernity and the Rising Age of Marriage

tahamasbeh aliporanyeh<sup>42</sup>  
farideh vakilyeh<sup>43</sup>

Despite the fact that the Iranian people have a rich national and religious background and context in the matter of marriage, and a set of components such as timely action and continued protection of this social institution have been and are significant among members of society; However, the present study, based on statistics and figures, concludes that firstly, we are faced with the problem of delay in getting married at an early age and secondly, the premature collapse of the family institution in Iran, which is influenced by individual, social factors, and some administrative and governmental obstacles and can be resolved. The research method is hermeneutics and the framework is the model of understanding the issues considered by Quentin Skinner.

### Keywords

Marriage, individual barriers, social barriers, governmental barriers, modern sexual morality

---

Associate Professor of Political Science and member of the academic staff of Razi University<sup>42</sup>

t.alipour@yahoo.com

Master of Political Science, Razi University<sup>43</sup>

Fvakili60.Gmail@-com

## مدرنیته و بالا رفتن سن ازدواج

طهماسب علیپوریانی<sup>۴۴</sup>

فریده وکیلی<sup>۴۵</sup>

### چکیده

علی‌رغم آنکه مردم ایران از پیشینه و بسترهای غنی ملی مذهبی در امر ازدواج برخوردارند و مجموعه مؤلفه‌هایی چون اقدام به موقع و استمرار صیانت از این نهاد اجتماعی در میان آحاد جامعه قابل توجه بوده و هست؛ اما پژوهش حاضر به استناد آمار و ارقام برآن است که اولاً با مسئله تأخیر در اقدام به ازدواج به موقع و ثانیاً فروپاشی زودهنگام نهاد خانواده در ایران مواجه‌ایم که عوامل فردی، اجتماعی و برخی موانع اجرایی و حکومتی در این خصوص مؤثر بوده و قابل چاره‌جویی است. روش پژوهش هرمنوتیک و چارچوب الگوی فهم مسائل مورد نظر کوئینتین اسکینر می‌باشد.

### واژگان کلیدی

ازدواج، موانع فردی، موانع اجتماعی، موانع حاکمیتی، اخلاق جنسی نوین

<sup>۴۴</sup> استاد یار علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی . t.alipour@yahoo.com

<sup>۴۵</sup> کارشناس ارشد علوم سیاسی ، دانشگاه رازی، Gmail@-com . Fvakili۶۰

## مقدمه

از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرارداد، در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر کنند<sup>۴۶</sup>

اساساً زوجیت بنیادی الهی دارد و قانونی است عمومی که گستره‌ی هستی را در بر گرفته است. آنچه در خلقت انسان اصالت دارد زوجیت است نه مجرد (تنها زیستن). بر همین اساس دین مبین اسلام به ازدواج به عنوان یک اصل اساسی تأکید کرده‌است. ازدواج به عنوان یک امر ارزشی، به وجود آورنده‌ی مطمئن‌ترین و آرامش‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغاز زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. نکاح در لغت به معنای ۱- زناشویی بستن ۲- زناشویی کردن ۳- زناشویی ۴- امتزاج طبایع بعضی با بعضی که موجب پدید آمدن موالید گردد و در اصطلاح حقوقی، نکاح رابطه‌ای است حقوقی- عاطفی که به وسیله‌ی عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند (صالحی، ۱۳۸۵، ۱۵۰-۱۳۵). به عبارتی خانواده به وسیله‌ی عقد ازدواج بین مرد و زنی که کلیه‌ی جوانب و تشریفات مذهبی، رسمی و اجتماعی در آن منظور شده‌است، بنیان‌گذاری می‌شود. از دیدگاه اسلام ماهیت ازدواج یک قرارداد و پیمان با شرایطی ویژه است. این پیمان و قرارداد افزون بر اینکه از استحکام خاص برخوردار است، «میثاقاً غلیظاً»<sup>۴۷</sup>، دارای ارزش و منزلت الهی و خدایی ویژه است و در سطح دیگر قراردادهای اجتماعی قرار نمی‌گیرد تا صرفاً از قواعد عمومی آن قراردادها پیروی کند (زیتتی؛ ۱۳۸۴: ۲۲۷-۱۹۷). اما امروزه این امر مقدس و حیاتی، تحت شعاع مسائل دیگری قرار گرفته است و با رشد اندیشه‌های اومانیستی و انسان‌گرایانه و مبنا قرار گرفتن خواست و اراده‌ی انسان به جای خواست خداوند، در امر ارزش‌گذاری، این نیاز فطری بشر در حصار از قواعد سخت محبوس و زندانی شده، تا آنجا که جوانان برای گریز از این قواعد به ارضاء غریزه جنسی در خارج از چارچوب ازدواج تن می‌دهند و بدین وسیله نهاد خانواده را متزلزل می‌کنند و سلامت اخلاقی و آرامش روانی جامعه را به خطر می‌اندازند. بر اساس آخرین آمار که تاکنون به دست ما رسیده، ۱۴/۵ میلیون مجرد در ایران وجود دارد. مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، آخرین آمار مربوط به افراد در سن ازدواج که هرگز ازدواج نکرده و افراد در خطر تجرد قطعی را تشریح می‌کند. علی‌اکبر محزون در گفتگو با خبرنگار «شهری» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با اشاره به اینکه افراد در سن ازدواج، شامل طیف سنی ۲۰ تا ۳۴ برای آقایان و ۱۵ تا ۲۹ برای خانم‌ها می‌شود، اظهار کرد کلیه آقایان در سن ازدواج با طیف سنی ۲۰ تا ۳۴ سال، شامل ۱۲ میلیون و ۷۰ هزار نفر که از این تعداد ۵ میلیون و ۵۷۰ هزار نفر هرگز ازدواج نکرده‌اند، وی افزود بنابراین ۴۶ درصد آقایان در سن ازدواج هرگز ازدواج نکرده‌اند. مدیرکل آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، همچنین با بیان اینکه خانم‌های در سن ازدواج با طیف سنی ۱۵ تا ۲۹ سال شامل ۱۱ میلیون و ۷۹۰ هزار می‌شود، گفت: از این تعداد ۵ میلیون و ۶۷۰ هزار خانم که هرگز ازدواج نکرده، محزون ادامه داد؛ بنابراین ۴۸ درصد خانم‌های در سن ازدواج، هرگز ازدواج

<sup>۴۶</sup> (روم: ۲۱)<sup>۴۷</sup> (نساء: ۲۱)

نکرده و در ادامه به آمار مربوط به کلیه افرادی که در خطر تجرد قطعی قرار گرفته و در طیف سنی بعد از ۳۴ سال برای آقایان و پس از ۲۹ سال برای خانم‌ها تا سن ۵۰ سالگی قراردارند، اشاره کرد و افزود تعداد ۳۲۰ هزار نفر آقا و تعداد ۹۸۰ هزار نفر خانم از سن متعارف ازدواج عبور کرده و در خطر ورود به سن تجرد قطعی قرار دارند. وی در ادامه این گفتگو، اشاره کرد و گفت: ۶۲ هزار آقا و ۹۰ هزار خانم در کشور وجود دارند که تا سن ۵۰ سالگی ازدواج نکرده‌اند، که مجموعاً ۱۵۲ هزار نفر می‌باشند. همچنین ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در اثر فوت همسر به صورت مجرد در حال زندگی هستند. و ۲۱۴ هزار نفر از آقایان و ۴۴۰ هزار نفر از خانم‌ها بر اثر طلاق به صورت مجرد زندگی می‌کنند، بنابراین به گفته مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، کلیه ازدواج نکرده‌ها در کشور، در سه گروه، افراد در سن ازدواج که هرگز ازدواج نکرده‌اند، افراد در خطر تجرد قطعی، و افراد در سن تجرد قطعی، برابر است با ۱۲ میلیون و ۶۶۲ هزار نفر و در مجموع ۱۴ میلیون و ۶۶۲ هزار نفر آمار کلیه مجردین در کشور است (خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، ۱۳۹۳). در سال ۹۰ بیشترین میزان ازدواج در کل کشور به ترتیب به استان‌های اردبیل و خراسان شمالی با رقم ۱۵ هزار و کمترین مقدار در کل کشور به استان تهران با رقم ۸/۴ در هزار تعلق دارد.

بر اساس آخرین آمار ازدواج در سال ۹۴، از ابتدای سال تا پایان دی ماه بالغ به ۷۲۰ هزار ازدواج در کشور ثبت شده است که میانگین سن ازدواج در دختران و پسران به ترتیب ۲۳ و ۲۸ سال بوده است. آمار ازدواج در سال‌های ۵۰-۸۵ سیر صعودی داشته و از سال ۸۵ تا ۹۴ سیر نزولی داشته و از هر هزار ازدواج دختران، ۲۱ ازدواج در سن ۱۵ تا ۱۹ سالگی صورت گرفته و در هر هزار ازدواج پسران، ۲/۲ ازدواج در این محدوده صورت می‌گیرد (که نشان‌دهنده بالا رفتن سن ازدواج است) (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵).

همچنان که بیان شد بر اساس رویکرد اسلامی ازدواج یکی از اساسی‌ترین راهکارهای ارضاء غریزه جنسی می‌باشد. سلامت اخلاق جنسی یک جامعه نسبت متقابلی با فراهم بودن امکانات ازدواج برای افراد آن جامعه دارد؛ زیرا در دنیای امروز با شکسته شدن دیوارها و مرزها، افراد در معرض پیام‌های متفاوت و متناقض با فرهنگ خود قرار دارند و این عوامل همراه با ضعف انسان در مقابل غریزه جنسی ممکن است افراد را به سمت شکستن هنجارهای فرهنگی و حدود الهی بکشاند. اما می‌خواهیم بدانیم چه عواملی باعث شده‌اند که گرایش به ازدواج به عنوان یک سنت حسنه و یک اصل اساسی در زندگی، دچار مشکل شده و توانایی جوانان ایرانی برای ازدواج را سلب نموده است؟ در این جا ما برای تحلیل این معضل، عواملی که باعث کاهش گرایش به ازدواج شده‌اند را در ابعاد فردی، اجتماعی، حاکمیتی و اجرایی که تحت تأثیر حیات مدرن است را مورد بررسی قرار می‌دهیم که به شرح هر کدام از این علل می‌پردازیم:

#### ۱- عوامل فردی

##### ۱-۱) بیکاری و عدم استقلال اقتصادی

یکی از مشکلاتی که جوانان با آن روبرو هستند؛ مسئله استقلال اقتصادی است. محمد رضوی در این رابطه بیان می‌دارد که جوانان امروز نسبت به پیشینیانشان در شروع قرن بیستم به مراتب کمتر بالغ هستند و آشکارا از آن‌ها در تمام زمینه‌ها از قبیل رفتار جنسی، دوست داشتن، ازدواج، آموزش و کار بدنی متفاوت هستند. جوانان امروزی از لحاظ جنسی زودتر

بالغ می‌شوند و از لحاظ اقتصادی در زمان طولانی‌تری به بلوغ می‌رسند. (شرفی، طاهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳-۵۳). ورود زنان به بازار کار جهت کسب استقلال مالی، ورود تکنولوژی و کاهش اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، مهاجرت بی‌رویه مردان به شهرها به دلیل جاذبه‌های شهری و بیکاری در روستا، رکود اقتصادی، تغییر در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، افزایش جمعیت به ویژه جمعیت جوان جامعه و ... افزایش میزان بیکاری را سبب شده که این نیز بر کاهش ازدواج تأثیر گذارده است.

### ۲-۱) پیامدها و معضلات ادامه تحصیل

همزمان با دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و گذر از دنیای سنتی به دنیای مدرن و به تبع آن افزایش آموزش‌های عمومی و نیاز به کسب تخصص در یک حرفه خاص با توجه به بازار به شدت رقابتی، کار به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده‌است و به دلیل زمان‌بر بودن تحصیلات عالی برای کسب تخصص و در مقابل عدم ظرفیت کافی برای اشتغال در رشته‌ی مورد نظر و نیاز به کسب مدارج علمی بالاتر و پس‌اند این‌ها، استقلال مالی دیررس، باعث افزایش سن ازدواج و عدم گرایش به تشکیل خانواده شده‌است.

نیک‌منش و کاظمی در رساله ۱۳۸۵ در تحقیقی با عنوان «علل و راه‌حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان»، به بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج جوانان پرداخته‌اند، ۱۲۰ نفر از جامعه آماری این تحقیق که دختران بالای ۲۵ سال و پسران بالای ۲۷ سال ساکن شهر زاهدان صورت گرفته، نتایج این تحقیق نشان داد که فرصت‌های ازدواج برای دختران دارای تأخیر در ازدواج نسبت به پسران بیشتر بوده و دختران مهم‌ترین دلیل ازدواج نکردن خود را نیافتن فرد مورد علاقه و ادامه تحصیل عنوان کرده‌اند (طیبی‌نیا، موسی، ۱۳۹۳: ۸۶-۶۳). از طرفی ادامه تحصیل دختران، باعث بالا رفتن تحصیلات دختران نسبت به پسران و همین مسأله به نوبه خود باعث کاهش ازدواج می‌شود؛ از طرفی بعضی معتقدند که ازدواج باید بعد از تحصیلات صورت گیرد که این مسأله باعث از دست دادن موقعیت‌های مناسب علی‌الخصوص در مورد دختران می‌شود (بانکی، مؤسسه تحقیقات اهل بیت، ۱۳۹۳).

### ۳-۱) تغییر معیارهای ازدواج

در گذشته خانواده‌ها براساس زندگی بسیط و شناختی که از یکدیگر داشتند، متناسب با وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود برای فرزندان‌شان همسر انتخاب می‌کردند و در این میان فرزندان انتخاب خانواده را می‌پذیرفتند، به عبارت دیگر در گذشته انتخاب‌ها والد محور بوده اما در دنیای امروز معیارهای ازدواج تغییر کرده‌است و ازدواج‌ها ماهیتی فرد محور پیدا کرده‌اند، یا در حالت اعتدالی ماهیتی والد محور و فرد محور، به هر حال امروزه جوانان قبل از هر چیز دنبال یافتن یک هم‌فکر هستند که از جهات مختلف با او هم سطح باشد. بر این اساس تمایل به ازدواج بر اساس عشق، انتخاب آزاد همسر، بالا رفتن توقعات و سختگیری در انتخاب همسر، در پی مطرح شدن فردیت اهمیت پیدا کرده که گاهی اوقات بر اثر عدم پیدا کردن فرد مناسب منجر به کاهش میزان اقدام به ازدواج می‌شود (شرفی، طاهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳-۵۳).

## ۴-۱) مشکلات خانوادگی

یکی از دلایلی که برخی از جوانان مطرح می‌کنند بیماری یا پیری والدین یا یکی از آنهاست که نیازمند مراقبت و پرستاری هستند و همچنین فوت یا از دست دادن والدین و برعهده گرفتن بار تکفل خانواده و همچنین تجربه طلاق و اختلاف والدین و بدبینی‌های حاصل از آن، اعتیاد والدین و سابقه انحرافات اخلاقی و سابقه بزهکاری و حبس والدین و تأثیر آن بر سرنوشت جوانان را می‌توان نام برد (بانکی، مؤسسه تحقیقات اهل بیت، ۱۳۹۳).

## ۵-۱) توهمات و عدم صلاحیت جوانان

گاه آنچه به عنوان مانع در مورد ازدواج مطرح می‌شود مشکلات عینی در ازدواج نیست بلکه ریشه در ساختار شخصی و روانی افراد یعنی توهمات افراد دارد این توهمات بر اثر عواملی مثل تحت تأثیر قرار گرفتن جوانان از تجربیات ناموفق خود در گذشته یا تجربیات ناموفق دیگران و ایجاد بدبینی نسبت به جنس مخالف، و از طرفی این طرز تفکر که فرد مناسب ایده‌آلی نیست، و رؤیایی بودن جوانان و عدم توجه واقع‌بینانه نسبت به خود، تردید در ازدواج و تشکیل خانواده، ترس و نگرانی از ناموفق بودن ازدواج، عدم توانایی در ابراز علاقه به فردی که به عنوان همسر انتخاب خواهد شد، ترس از برخورد با جنس مخالف، نیافتن فرد مورد علاقه، نداشتن اعتماد به نفس برای تشکیل خانواده، وسواس در انتخاب همسر و توجه افراطی به شکل ظاهری همسر، داشتن بیماری یا نقص جسمانی، احساس آرامش از زندگی مجردی و اعتقاد به این قضیه که ازدواج یعنی اسارت، داشتن مشکلات روانی و همچنین سرکوب نیازها و غرایز و ایجاد دلمردگی و عدم رغبت به ازدواج با بالارفتن سن، ایجاد می‌شود (طیبی‌نیا، موسی، ۱۳۹۳: ۸۶-۶۳).

## ۲- عوامل اجتماعی

## ۱-۲) تحول خانواده

ما امروز بر فرازی از تاریخ ایستاده‌ایم که انسان از گذرگاه‌های تاریخی مهمی عبور کرده‌است. گذر از زندگی صیادی به زندگی کشاورزی، گذر از زندگی کشاورزی به زندگی مدرن و صنعتی و گذر از زندگی مدرن به زندگی پست مدرن و عصر ارتباطات و رایانه‌ها. این تحولات، ساختارهای اجتماعی را دچار دگرگونی و تغییر و تحول نموده‌است. در این میان نهاد خانواده نیز از این امر مستثنی نبوده و هم پای سایر نهادها دچار تغییر و تحول شده‌است. از جمله تغییرات اساسی که در خانواده رخ داده‌است می‌توان به گذر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای اشاره کرد. این گذر باعث دو تغییر اساسی در این نهاد شده‌است که عبارتند از:

الف) تغییرات کمی: تغییرات کمی مبتنی بر کاهش تعداد اعضای خانواده و فرزندآوری است، بدین صورت که در خانواده‌ی گسترده همه‌ی اعضای یک خانواده یعنی پدر بزرگ، مادر بزرگ، والدین و فرزندان حتی بعد از ازدواج در کنار هم زندگی می‌کردند، اما در خانواده‌ی هسته‌ای فقط والدین با فرزندان، آن هم حداکثر دو فرزند و تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند و به محض تشکیل زندگی مشترک از هم جدا می‌شوند.

ب) تغییرات کیفی: تغییرات کیفی مبتنی بر شکستن ساختار قدرت در خانواده است. بدین صورت که در خانواده گسترده ساختار قدرت عمودی و سلسله مراتبی بوده، اما در اینجا ساختار قدرت افقی است و همه افراد تلاش می‌کنند که در قدرت خانوادگی سهیم باشند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. بنابراین تغییر و تحول خانواده در دو بعد کمی و کیفی تأثیر بسزایی در گرایش به ازدواج دارد، به عنوان مثال در خانواده گسترده که متعلق به دوران کشاورزی است، برای ازدواج شرایطی همچون پیدا کردن شغل و مناسب مطرح نبود؛ زیرا فرزندان همواره با پدر مشغول کشاورزی و دامداری می‌شدند و بعد از ازدواج نیز در خانه پدر ساکن بودند؛ یعنی به نوعی پدر مکانی رواج داشته است. اما در خانواده هسته‌ای دیگر چنین چیزی جاری نیست، والدین هر کدام در جایی مشغول به کارند و فرزندان نیز باید به کسب تخصص لازم برای یافتن شغل مناسب بپردازند و بعد از متأهل شدن باید سرپناه جدیدی را برای خود جستجو کنند. به عبارت دیگر گسترش نو مکانی رواج پیدا کرد. بنابراین این گذر و تحول خانواده باعث شده که جوانان در دستیابی به استقلال اقتصادی دچار مشکل شوند و در نتیجه گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده کاهش پیدا کند. از سوی دیگر با تحول خانواده از حالت گسترده به هسته‌ای، الگوهای ازدواج نیز تغییر کرد و افراد دیگر حاضر نبودند به ازدواج‌هایی که قبلاً والدین برای آنها ترتیب می‌دادند تن بدهند، زیرا برای افراد عشق و دوست داشتن، آشنایی پیش از ازدواج و شناخت کافی از یکدیگر و سایر معیارهای فردی اهمیت فراوانی یافته است. اعزازی در این رابطه بیان می‌دارد: «در خانواده گسترده، همسرگزینی از طریق مبادله دختر و پسر، پیوند دو خانواده را به وجود می‌آورد، به همین سبب همسرگزینی در اختیار خانواده بود نه در اختیار فرد، با پیدایش نظام جدید (خانواده هسته‌ای) همسرگزینی از اختیارات خانواده خارج شد و اختیاری-فردی شد و همسرگزینی آزاد پدید آمد. در همسرگزینی آزاد، محرک انتخاب همسر عشق رمانتیک است و با انتخاب همسر به دلیل عاشق بودن در نظام خانوادگی این توقع در کار است که زن و شوهر تعهدی دارند تا عاشق یکدیگر شوند» (اعزازی، ۱۳۸۵، ۱۹۰-۱۶۸).

## ۲-۲) گسترش شهرنشینی

همزمان با ورود به دنیای صنعتی و احداث کارخانه‌ها، افراد برای دست‌یابی به درآمد و رفاه بیشتر و همچنین برخورداری از امکاناتی که در شهرها تمرکز یافته بود، به مهاجرت از روستاها به شهرها پرداختند. از سوی دیگر رشد شهرنشینی مصرف‌گرایی را با خود به همراه آورد؛ زیرا کارخانه‌ها با مزاد مصرف روبرو شدند و تبلیغات بازاریابی را بر مبنای روان‌شناسی افراد به راه انداختند و خود به خود جامعه و به تبع آن خانواده را به سمت مصرف‌گرایی سوق دادند، در این باره نویسنده‌ای در دهه‌ی ۱۳۵۰ ه.ش بیان می‌دارد: «روز به روز شکایت زنان از محرومیت‌های مادی بیشتر به گوش می‌رسد، علت این شکایت‌ها نه پایین آمدن درآمد خانواده، بلکه ناشی از خصوصیات جامعه مصرفی است. جامعه‌ای که همه ارزش‌ها و تمتعات مادی را طلب می‌کند؛ مصرف زده است. امروز جامعه‌ی ما گسترش مصرف بی‌امانی را آغاز کرده است. مسابقه‌ای تا دم مرگ و تنها برای توفیق‌های مادی، شرکت ناگزیر خانواده‌ها در این مسابقه افراد را بسیار مشوش و فرسوده می‌سازد و آنان را از توجه به ارزش‌های معنوی باز می‌دارد، عواطف را بی‌رنگ‌تر می‌سازد و به همبستگی‌ها جنبه مادی

می‌بخشد. بنابراین نمایش‌نامه‌ای با این محتوی که مال من از مال تو بهتر است به وجود آمد و عملاً خانواده‌ها وارد رقابت بی‌پایان مصرف‌گرایی شدند. این عامل باعث افزایش هزینه‌های جانبی ازدواج همچون برگزاری جشن عروسی، تهیه‌ی جهیزیه گرانبها و سایر موارد دیگر شد که این عامل نیز باعث کاهش تشکیل خانواده شد» (شرفی، طاهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳-۵۳).

### ۲-۳) تغییر تحولات جمعیتی در ایران و عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران

با نگاهی کلی به متوسط نرخ رشد جمعیت کشور طی چهار دهه اخیر مشاهده می‌شود که رشد جمعیت در ایران با تغییرات قابل توجهی همراه بوده‌است. جدول شماره یک، متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشور را در مقاطع انجام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ را نشان می‌دهد.

جدول شماره یک

متوسط رشد سالانه جمعیت	دوره
۳/۱	۱۳۳۵-۴۵
۲/۷	۵۵-۱۳۴۵
۳/۹	۶۵-۱۳۵۵
۲/۵	۷۰-۱۳۶۵
۱/۵	۷۵-۱۳۷۰

(جعفری، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۳)

جدول شماره یک متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت ایران طی سال‌های ۱۳۳۵-۷۵ را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که تحولات جمعیتی در ایران طی چند دهه گذشته از الگوی یکنواختی تبعیت نکرده و دارای فراز و نشیب قابل توجهی بوده‌است. با بررسی و مقایسه متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در ایران و دیگر کشورهای جهان مشاهده می‌شود که ایران در دوره ۱۳۵۵-۶۵ یکی از بالاترین نرخ‌های جمعیت را میان کشورهای جهان تجربه کرده‌است. البته روند افزایش شدید جمعیت در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی یعنی از سال ۱۳۵۸ آغاز شده‌است. در این مقایسه برای اینکه بتوانیم مقایسه سال‌ها و سن افراد را ساده‌تر انجام دهیم آمار و اطلاعات را بر اساس دهه تفکیک کرده‌ایم. بر اساس هرم سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۷۵، که در مقطعی رشد جمعیت با سرعت زیاد افزایش یافته است، به طوری که قاعده هرم جمعیت ایران شکسته شده و به سمت کوچک شدن پیش رفته است نرخ رشد بالای جمعیت در ایران طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ منجر به افزایش قابل توجه جمعیت این دوره شده‌است به طوری که جمعیت ۳۴ میلیون نفری ایران در سال ۱۳۵۵ برای سال ۶۵ به بیش از ۴۹ میلیون نفر افزایش یافته (جعفری مژده‌ی، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۳). این افزایش جمعیت به شکل‌های

گوناگون نظام اقتصادی - اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. افزایش جمعیت ایران در دهه ۶۵-۱۳۵۵ که عمدتاً از افزایش موایلد ناشی شده است، در سال‌های اولیه تأثیر خود را به صورت افزایش هزینه‌های تحمیل شده به بخش بهداشت و درمان نشان داد. این فشار هزینه‌ای به صورت افزایش هزینه‌های مربوط به خدمات پزشکی، بهداشتی و تغذیه نوزادان و کودکان بود به همین دلیل اولین نهادی که به صورت جدی، بحران افزایش جمعیت و لزوم کنترل آن را مطرح کرد وزارت بهداشت بود.

پس از آنکه این جمعیت انبوه، سال‌های خردسالی را طی کرد و به سنین ورود به مدرسه رسید، فشار هزینه‌های خود را به صورت افزایش هزینه‌های تحمیل شده به بخش آموزش و پرورش نشان داد به طوری که در مقاطعی از زمان، مهم‌ترین معضلی که ذهنیت کل جامعه را به خود مشغول کرده بود، کمبود فضای آموزشی موجود در کشور بود، با حرکت سنی این انبوه جمعیتی و بالا رفتن سن آن‌ها، بحران کمبود امکانات آموزشی به تدریج به مقاطع بعدی تحصیل منتقل شد. پس از آن این فشار هزینه‌ای به صورت افزایش جوانان بیکار جویای کار به نظام اقتصادی - اجتماعی کشور وارد شد به طوری که هم اکنون مشکل بیکاری مهم‌ترین دل‌مشغولی دولت و به نوعی کل جامعه است. از سوی دیگر فشار ناشی از این تحول جمعیتی در کنار برخی عوامل دیگر به صورت افزایش تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌ها و تقاضای آموزش عالی نیز بروز یافته است. این جمعیت انبوه دهه ۶۵-۵۵ به عنوان یک عامل اولیه و مستقل فارغ از تأثیرپذیری از عوامل گوناگون منجر به بروز اختلال در وضعیت ازدواج در جامعه هم شد، همانطوری که قبلاً اشاره شد بر اساس تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر در ایران به ویژه دهه ۶۵-۵۵، ساختار سنی - جنسی جمعیت به طور قابل توجهی تغییر کرده است، این تغییر ساختاری جمعیت در ایران، پیامدهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی متعددی را به دنبال داشته است که در مقاطع زمانی گوناگون به شکل انواع مشکلات اقتصادی - اجتماعی خود را به جامعه تحمیل کرده است. یکی دیگر از این پیامدها که هم اکنون ما شاهد بروز آن هستیم، ایجاد نوعی عدم تعادل در تعداد پسران و دخترانی است که در سنین ازدواج قرار دارند؛ زیرا اولاً از یک طرف افزایش جمعیت در این دهه به طور قابل توجهی بارز بوده است و از طرف دیگر سن ازدواج دختران کمتر از پسران است، بنابراین به فرض وجود اینکه حتی تعداد پسران و دختران از نظر تعداد برابر باشند چون سن ازدواج دختران کمتر از پسران است و همچنین تمایل پسران به ازدواج با دختران جوان‌تر از خود، ناخودآگاه این عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران به وجود آمد. عدم تعادل در وضعیت ازدواج عمدتاً در قالب مربوط به تنگنای ازدواج در ادبیات جمعیت‌شنای ارائه شده است. این مطالب به عدم تعادل در تعداد زنان و مردان موجود در سنین ازدواج مربوط می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که اگر در یک کشور با جمعیت در حال افزایش مردان با زنان جوان‌تر از خود ازدواج کنند، نوعی عدم تعادل در وضعیت ازدواج در آن کشور به وجود می‌آید و این مسئله‌ای بود که گریبان‌گیر جامعه ایران شد (جعفری مژده‌ای، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۳).

طبق اطلاعاتی که از مرکز آمار در سال ۹۴ منتشر شده تعداد مردان یک میلیون و اندی بیشتر از تعداد زنان است (خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، ۱۳۹۳). اما آنچه که در اینجا حائز اهمیت است میانگین سن ازدواج زن و مرد و متوسط اختلاف سن ازدواج بین مرد و زن است که این شرایط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و این اختلاف سن ازدواج دختر و پسر،

باعث ایجاد مازادی از دختران خواهد شد که در آینده دیگر شانس برای ازدواج ندارند. جدول شماره دو، دختران ۱۰ تا ۲۰ ساله که طی سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ (باتوجه به متوسط اختلاف سن ازدواج)، ازدواج نخواهند کرد را نشان می‌دهد.

جدول شماره دو

تعداد	تعداد	درصد
۱۲۵۵۳۸۵	۱۸/۶	متوسط اختلاف سن ازدواج
۱۶۶۰۶۶۱	۱۹/۳	چهار سال

87

مشاهده می‌شود که تعداد دختران مجرد و بدون شانس ازدواج طی سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ در حالت اول (متوسط اختلاف سن ازدواج برابر سه سال) ۱۴/۶ درصد و در حالت دوم (متوسط اختلاف سن برابر چهار سال) ۱۹/۳ درصد از دختران این دوره سنی است که ظاهراً شانس برای ازدواج ندارند؛ البته اگر اختلاف سنی دختران و پسران از ۳ و ۴ سال به ۲ و ۱ سال و یا حتی هم سن هم برسد این معزل عدم تعادل جمعیتی در وضعیت ازدواج حل خواهد شد و این نیازمند تبلیغات رسانه‌ای همچون ازدواج با همسالان است که خوشبختانه این مسئله برای بسیاری از مردم جامعه خالی از اشکال است، اما در مرحله عمل این مسئله یعنی عدم تعادل جمعیتی در کنار عوامل دیگر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرات خود را در بالا بردن سن ازدواج داشت (جعفری مژده‌ی، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۸۳).

### ۳- عوامل فرهنگی

#### ۳-۱) گسترش اخلاق جنسی نوین

در ارتباط با گزینه‌ی جنسی رویکردهای مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

۱. رویکرد مبتنی بر رهبانیت یا اخلاق جنسی کهن

۲. رویکرد مبتنی بر آزادی جنسی یا اخلاق جنسی نوین

۳. رویکرد اسلامی

پایه و بنیان رویکرد رهبانیت یا اخلاق جنسی کهن مبتنی بر پلیدی گزینه جنسی، ریاضت‌طلبی و رهبانیت، دوری از ازدواج و تشکیل خانواده، طرد تمتعات و لذائذ دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی است. آیین «برهمنی» (۸.ق)، «آیین جانبی» (۶

ق.م)، آیین بودایی (ق.۶.م) در هند، آیین تائوئیسم در چین، آیین مانی (۲۴۰م) در ایران باستان؛ «سنی سیسم» یا «کلیون» در یونان؛ «اسینه» (ق.۲.م) در میان یهودیان و مسیحیت در میان پیروان مسیح، نمونه‌هایی از این رویکرد هستند. در رویکرد مبتنی بر آزادی روابط جنسی یا اخلاق جنسی نوین، اعتقاد بر این است که عدم ارضاء گزینه جنسی بر اثر عوامل و محدودیت‌های بیرونی و عوامل اخلاقی و مذهبی، به ویژه اخلاق جنسی کهن، باعث به وجود آمدن بیماری‌های روحی و روانی همچون هیستریک و عقده‌های روانی می‌شود و معتقدند با توجه به پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی و پزشکی در قرن معاصر، همچون استقلال مالی زنان و گسترش نهضت‌های آزادی‌خواهی زنان، پیشرفت‌های پزشکی و به تبع آن گسترش وسایل پیشگیری از حاملگی، افزایش سهم دولت در نگهداری و آموزش کودکان، اخلاق جنسی نوین را پی‌ریزی کردند. این گروه معتقدند تجدید نظر در اخلاق جنسی یکی از نیازهای حیاتی زمان به حساب می‌آید. نقطه شروع این رویکرد از دوره رنسانس به بعد است و در نهایت در قرن بیستم به اوج خود رسید. از بنیان و متفکران این اخلاق جنسی می‌توان از «مارکس» (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، «انگلس» (۱۸۲۰-۱۸۹۵)، «فرید» (۱۹۳۹-۱۸۵۶)، «راسل» (۱۸۷۲-۱۹۷۰) نام برد. اما رویکرد اسلام به گزینه جنسی مبتنی بر دوری از افراط و تفریط است. در این رویکرد، گفتمان‌حاکم بر امور جنسی، از نوعی اخلاق جنسی تبعیت می‌کند که مبتنی بر عفاف، حجب و حیا و تقوا و خویش‌داری و تعادل و صداقت و پاکدامنی در دو بعد جسمی و روانی است (طاهرپور، باغگلی، ۱۳۸۶: ۲۲۲). از سوی دیگر اسلام تلاش می‌کند امور جنسی را به کانون خانواده بکشانند و جامعه را از هرگونه تحریکات جنسی مبرا و پاک کند و آن‌را محلی برای فعالیت سازنده و مثبت قرار دهد. از نظر اسلام هر نوع اخلاق جنسی، آداب و رسوم و مقررات اجتماعی که در صدد امحاء، سرکوبی، تقبیح این‌گونه گرایش و تمایلات در وجود انسان را رد می‌کند و برای اثبات این مدعا می‌توان به منطبق قرآن مراجعه کرد، خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن، انسان‌ها را به بهره‌گیری از لذت‌های مادی و نعمت‌های الهی دعوت نموده است. «و در آنچه خدا به تو داده سرای آخرت را بطلب، و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن»<sup>۴۸</sup>. یا این آیه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد تجاوز ننمایید، زیرا خداوند متجاوزان رادوست نمی‌دارد<sup>۴۹</sup>.

اسلام برخلاف مسیحیت و برخی آیین‌ها که عزوبت را بر تأهل برتری داده، به حدی افراد امت خود را به زناشویی ترغیب و تشویق نموده که در آن، هیچ امر اجتماعی مستحب‌تر و پسندیده‌تر از ازدواج و ایجاد نسل و بقای نوع نیست. در نهایت اینکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: خدا مرا برای رهبانیت و ریاضت نفرستاده است؛ بلکه مرا برای شریعتی آسان و با گذشت فرستاده (باقری، ۱۳۸۰: ۱۵۰-۱۳۲). در نقد دیدگاه «اخلاق جنسی نوین» یا آزادی جنسی، باید گفت که آزادی مورد نظر اسلام، آزادی معنوی است. در رابطه با آزادی معنوی، دکتر مطهری بیان می‌دارد: آزادی معنوی برخلاف آزادی اجتماعی، آزادی انسان از خودش است. آزادی اجتماعی، آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر. ولی آزادی معنوی نوع خاصی از آزادی است و در واقع آزادی انسان است از قید و اسارت خودش (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۲). در ارتباط با جامعه ایرانی با توجه به اینکه ایران کشوری است که در حال گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن است و با توجه به کم رنگ

<sup>۴۸</sup> (قصص: ۷۷)<sup>۴۹</sup> (مائده: ۸۷)

شدن اعتقادات دینی در میان جوانان ایرانی، ما به نوعی شاهد گسترش اخلاق جنسی نوین در میان جوانان هستیم؛ که این امر زمینه کاهش انگیزه برای ازدواج و تشکیل خانواده را به وجود می‌آورد. امروزه ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که برخورد و تماس بین دختر و پسر امری اجتناب‌ناپذیر است و عملاً جدا کردن این دو جنس از یکدیگر غیرممکن است. اما خارج از روابط اضطراری یا اجتناب‌ناپذیر، نوع دیگری از روابط بین دختران و پسران وجود دارد که از آن می‌توان به عنوان روابط دوستانه‌ی بین دو جنس یاد کرد. میزان فراگیری این نوع روابط بر اساس تحقیقی که در این زمینه صورت گرفته است بیانگر آن است که ۶۳/۱ درصد پسران و ۷۰ درصد دختران خود تجربه رابطه با جنس مخالف را داشته‌اند. این افراد کنجکاوی و ویژگی‌های طبیعی انسان را به عنوان مهم‌ترین دلایل برای برقراری رابطه مطرح کرده‌اند.

این افراد رابطه خود را از نوع رابطه دوستانه رسمی و بسیار نزدیک بیان نموده‌اند. همچنین این افراد سطح رابطه را بیشتر کلامی و یا هر نوع رابطه‌ای مشروط به اینکه به رابطه جنسی ختم نشود، را ترجیح می‌دهند. و از میان ۳۹/۱ درصد از پسرانی که رابطه نداشته‌اند، ۴۶/۷ درصد آن‌ها مهم‌ترین علت را پیدا نکردن فرد مناسب مطرح نموده‌اند، همچنین از میان ۳۰ درصد از دخترانی که رابطه نداشته‌اند، ۶۲/۵ درصد از آن‌ها نیز مهم‌ترین علت را پیدا نکردن فرد مناسب ذکر کرده‌اند (طاهرپور، باغگلی، حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

آنچه در این میان مهم است این است که رابطه دوستانه بین دختر و پسر رابطه‌ی سالمی باشد و به نحوی نباشد که باعث آسیب روانی، بی‌اعتمادی نسبت به جنس مخالف، شکستن هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و دینی و ایجاد مشکل برای خانواده‌ها شود. و از سوی دیگر روابط ناسالم بین این دو جنس نیز می‌تواند بسیار مخرب و ویران‌گر و عاملی برای ایجاد نابهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی و به وجود آمدن خانواده‌های نابهنجار باشد.

با توجه به اینکه وجود رابطه بین دختران و پسران امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما آیا افرادی که رابطه‌ای فراتر از روابط اجتناب‌ناپذیر دارند (رابطه دوستانه) این رابطه را سالم ارزیابی می‌کنند یا ناسالم؟ تحقیق انجام شده نشان می‌دهد که ۸۱ درصد پسران و ۶۴ درصد دختران روابط بین دو جنس را در جامعه ناسالم ارزیابی می‌کنند و در این مورد خود فرد را مسئول اصلی می‌دانند و آموزش مطلوب جنسی و ایجاد امکانات برای ازدواج را راه‌حل این معضل می‌دانند (طاهرپور، باغگلی، حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

از موارد دیگری که می‌تواند رابطه سالم بین دو جنس را افزایش دهد می‌توان به اطلاع خانواده‌ها از این روابط و دادن راهنمایی‌های لازم به آنان و نظارت بر آن‌ها، پرهیز از هر نوع رابطه جنسی قبل از شناخت کافی نسبت به یکدیگر و اقدام رسمی برای ازدواج اشاره کرد؛ زیرا در صورتی که غیر از آن چیزی که بیان شد اتفاق بیفتد، ممکن است بعد از آشنایی عمیق‌تر به این نتیجه برسند که مناسب همدیگر نیستند و به علت رابطه جنسی مجبور به ازدواج شوند و در نتیجه یک خانواده آسیب‌پذیر را به وجود آورند. همچنین در این رابطه می‌توان به رعایت ارزش‌های اخلاقی جنسی اسلامی از قبیل حجاب و عفاف، خویشتن‌داری، غیرت و حفظ کرامت انسانی، شناخت صحیح جنس مخالف از یکدیگر؛ به این معنی که از خیال‌پردازی و الهه ساختن از یکدیگر یا پایین بردن شأن انسانی یکدیگر به عنوان موجودی صرفاً برای کام‌گیری جنسی پرهیزید.

تأکید بر کنترل درونی از طریق پایبندی به دین به جای اعمال محدودیت های صرف، تشکیل جلسات هفتگی خانوادگی به این صورت که افراد آزادانه و بدون دغدغه خاطر به بیان مسائل خود بپردازند و کمک والدین در حل مشکلات فرزندان، برخورد مبتنی بر شناخت و احترام متقابل و موارد دیگر اشاره کرد. اما علاوه بر آنچه ذکر شد مشکلی که امروزه در ایجاد روابط سالم بین دختر و پسر وجود دارد، تغییر کردن ارزش ها و نگرش ها نسبت به سطح و انتظاراتی است که افراد نسبت به این روابط دارند؛ مثل در دو دهه قبل، تنها انگیزه دختران از دوستی با جنس مخالف را میل به ازدواج و رسیدن به ثبات و پایداری در عشق و تشکیل خانواده رقم می زد، اما امروزه علاوه بر مسئله ازدواج و آشنایی با روحیات جنس مخالف، تفریح و وقت گذرانی و ارضاء نیازهای جنسی از دیگر انگیزه های این روابط است (طاهرپور، باغگلی، حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۲). (البته این گفته در مورد همه ی دخترها صدق نمی کند و بعضی از دخترها هدفشان از رابطه با جنس مخالف فقط کمبود محبت است).

بر اساس تحقیقی که توسط سازمان ملی جوانان در این زمینه از پسران و دختران مجرد بین ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تهران که مراتبی از رفتار جنسی خفیف تا کامل را تجربه کرده بودند صورت گرفته است، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ۳۹/۵ درصد پاسخگویان انگیزه خود را از دوستی با جنس مخالف در وهله ی اول ارضاء نیازهای جنسی خود و ۲۹/۱ درصد در وهله دوم آشنایی با روحیات جنس مخالف ذکر کرده اند، ۲۸/۶ درصد در وهله سوم تفریح و وقت گذرانی و ۲۷/۹ درصد در آخر آشنایی برای ازدواج.

در رابطه با مطلع بودن والدین از دوستی فرزندان شان با جنس مخالف ۶۰/۸ درصد از پاسخگویان بیان کرده اند که والدین شان از روابط شان با جنس مخالف مطلع اند و در این میان پسران بیش از دختران روابط خود را با والدین شان در میان می گذارند. هر چند که ۵۴/۶ درصد دختران روابط خود را با والدین شان در میان می گذارند، اما این درصد در میان پسران بیش از دختران است. مطلع بودن والدین از دوستی فرزندان شان با جنس مخالف نشانه ای بر پذیرش تغییرات ارزشی در جامعه از سوی والدین است. (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۱). بنابراین گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر از جمله عوامل دیگری است که باعث کاهش گرایش به ازدواج شده است.

### ۳-۲) گسترش فرهنگ تکاثر و تفاخر

تبلیغ زندگی تجملی و پر زرق و برق توسط رسانه های گروهی باعث ظهور الگوهای رفتاری جدید، تمایلات و نگرش های تازه می شود که تعادل ذهنی و فرهنگی جامعه را بر هم می ریزد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوان ها لازم است و جوان ها آن را می خواهند؛ اما موانعی هم وجود دارد؛ ولی همه ی موانع اقتصادی نیست، موانع اقتصادی بخشی از مشکل است؛ عمده موانع فرهنگی است - عادت ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم و هم چشمی ها، تجمل طلبی ها - اینهاست که یک مقدار نمی گذارد آن کاری که باید انجام گیرد صورت بگیرد، باید خود شما و خانواده هایتان این گره ها را باز کنید. من از این ازدواج دانشجویی که هر سال برگزار می شود؛ بسیار خشنود و خرسندم. اگر عادت کنند که ازدواج ها را ساده، بی پیرایه و بی تشریفات انجام بدهند، فکر می کنم خیلی از مشکلات حل خواهد شد. اساس ازدواج در اسلام بر سادگی است. در اوایل انقلاب هم همین طور بود؛ متنها متأسفانه این

فرهنگ تکاثر و تفاخر و سرمایه‌داری یک مقدار کار را مشکل کرد؛ متأسفانه بعضی از مسئولان هم با ازدواج‌های خانواده‌هایشان مشکلاتی را درست کردند (شرفی، طاهرپور، ۱۳۸۷: ۷۳-۵۳). ازدواج در این نظام فرهنگی صورت معامله به خود گرفته و وقتی ازدواج به قصد معامله صورت می‌گیرد طبیعتاً میزان مهریه، جهیزیه، خرید برای عروس و... همه با ویژگی فردی و خانوادگی دختر و همچنین در رابطه با یکدیگر سنجیده می‌شوند و شبیه ازدواج‌های خرید و فروش می‌شود که در آن دختر به فروش خود به قیمت بالا مفتخر است و مرد به خرید دختر همراه جهیزیه زیاد افتخار می‌کند. از سوی دیگر؛ اگر چه مسائل اقتصادی مانند نحوه‌ی امرار معاش و گذران زندگی و داشتن مسکن برای شروع یک زندگی، مهم است اما این عوامل باعث ایجاد موانع مهم‌تر و بزرگتر و در عین حال غیرضروری و کم اهمیت می‌شود، به عنوان مثال؛ مسائلی همچون ادامه تحصیل، میزان مهریه، میزان و نوع جهیزیه، عدم وجود روحیه‌ی قناعت، اکنون به صورت پدیده‌های باز دارنده‌ی ازدواج در پشت‌مشکلات اقتصادی قرار دارند و آرام آرام به صورت یک ساختار فرهنگی شکل گرفته‌اند و به یک فرهنگ تبدیل شدند (مقدس جعفری، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

#### ۴- موانع حاکمیتی ازدواج

در میان موانع حاکمیتی ازدواج می‌توان به موارد زیر اشاره کرد ۱- بی‌توجهی مسئولان مثل عدم حمایت از ازدواج‌های ساده ۲- جدی نگرفتن این موضوع در موارد درسی آموزشی اعم از دبیرستان و دانشگاه ۳- عدم وجود اولویت استخدام برای متأهلین جوان ۴- عدم واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک به زوج‌های جوان ۵- آسان نبودن پرداخت وام مورد نیاز و بالا بودن میزان پرداختی ماهانه ۶- عدم اعطای امتیاز به سربازان متأهل مثل تخفیف در مورد طول خدمت نظام سربازان متأهل ۷- کافی نبودن مراکز تخصصی مشاوره کارآمد در زمینه ازدواج ۸- عدم ساخت فیلم‌های مناسب با محوریت ازدواج موفق و پخش در رسانه ملی ۹- عدم برگزاری نشست‌های تخصصی در زمینه ازدواج ۱۰- و عدم وجود سازمانی خاص در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده (طیبی نیا، ۱۳۹۲: ۸۶-۶۳).

#### نتیجه‌گیری

علی‌رغم پیشینه قوی اقدام به ازدواج و حفاظت از آن در سنت و سیره بزرگان اسلام و متون دینی‌وریشه دوانیدن این فرهنگ دینی در ساختار و فرهنگ حیات اجتماعی مردم ایران زمین، ما شاهد تضعیف و اقدام به موقع این مسئله در جامعه ایرانی هستیم. ما در این مقاله به بررسی موانع و علل به تأخیر افتادن ازدواج در ابعاد فردی، فرهنگی، اجتماعی و حاکمیتی پرداختیم و به این نتیجه نهایی رسیدیم که تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و ایدئولوژیکی در پی وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری مدرنیته در غرب، تحولات اساسی را در سراسر جهان به وجود آورد، وقوع مدرنیته و تحت تأثیر آن فرآیند مدرنیته شدن در کشورهای جهان سوم از جمله ایران، نهاد ملی اجتماعی همچون خانواده را تحت تأثیر قرار داد و این تحولات مشکلاتی را در این حیطه برای جوانان ایرانی به ارمغان آورد که با آسیب‌شناسی هر یک قابل جبران است. بنا براین با توجه به مشخص شدن عواملی که باعث کاهش گرایش جوانان به ازدواج می‌شود؛ اکنون می‌توان متناسب

با مشکلات، راه‌هایی را در چهار محور فردی، اجتماعی، فرهنگی، حاکمیتی برای گسترش ازدواج آسان و به تبع آن افزایش ازدواج ارائه داد.

الف) محور فردی: در بعد فردی به بیکاری و عدم استقلال اقتصادی، پیامدهای ادامه تحصیل، تغییر در معیارهای ازدواج، مشکلات خانوادگی و توهمات و عدم صلاحیت جوانان اشاره کردیم که متناسب با هر کدام راهکارهایی ارائه می‌شود که عبارتند از: ۱- تفکیک بین ازدواج و استقلال مالی ۲- فراهم نمودن بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری در رابطه با اشتغال ۳- جلوگیری از رشد

ناهنجار و بی‌رویه قیمت مسکن ۴- ایجاد بینش معنوی و الهی در نسل جوان برای توکل بر خداوند و وعده الهی در مورد غنی ساختن بندگان در حال ازدواج ۵- استفاده از آموزش‌های دینی برای تشویق افراد خیر برای مهیا کردن امکانات برای شروع زندگی مشترک و همچنین گسترش مراکز مشاوره رایگان در ارتباط با ازدواج در سراسر کشور.

ب) محور اجتماعی: در بعد اجتماعی به تحول خانواده و گسترش شهرنشینی و تحولات جمعیتی دهه ۶۵-۵۵ اشاره شد که در این زمینه راهکارهای زیر ارائه می‌شود: ۱- مدیریت تحولات اجتماعی ۲- فرهنگ‌سازی در زمینه کم بودن فاصله سنی میان دختر و پسر و تشویق ازدواج با همسالان.

ج) محور فرهنگی: در بعد فرهنگی از دو مشکل گسترش اخلاق نوین جنسی و گسترش فرهنگ تکاثر و تفاخر نام برده شد که متناسب با هر کدام راهکارهایی ارائه می‌شود: ۱- نشر و گسترش اخلاق جنسی اسلامی یعنی نهادینه کردن حجاب، عفاف، خویشتن‌داری و غیرت در جوانان ۲- مبارزه با فرهنگ تکاثر و تفاخر از همه طرق ممکن.

د) محور حاکمیتی: در بعد حاکمیتی نیز به سخت بودن مراحل وام پرداختی و عدم واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک و کم نکردن مدت سربازی و عدم اولویت استخدام به متأهلین و عدم گنجاندن درس آموزشی مورد نیاز در زمینه ازدواج در برنامه درسی دانش‌آموزان دوره متوسطه و دانشجویان، اشاره شد بنابراین دولت و حاکمیت با تدابیر هوشمندانه خود و با تصویب قوانین مناسب در زمینه تشویق جوانان به ازدواج و رفع محدودیت‌ها و موانع، می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود، مثل اصلاح مقررات اعطای تسهیلات بانکی و تسریع در روند آن در زمینه وام‌های خوداشتغالی خرید مسکن، خرید کالا و اولویت بکارگیری جوانان متأهل در امور استخدامی و همچنین برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی به منظور رشد و توسعه زمینه‌های اجتماعی و صنعتی از جمله فعال کردن سرمایه‌های راکد و سرگردان بخش خصوصی تا فرصت‌های شغلی بیشتری در جامعه ایجاد شود و همچنین ایجاد نظام تشویقی برای خانواده‌هایی که مهریه‌های معقول و مناسب لحاظ می‌نمایند و عدم ثبت ازدواج‌هایی با مهریه‌های بسیار بالاتر از عرف و تدوین برنامه درسی با عنوان جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج به جای تنظیم خانواده در مدارس متوسطه و دانشگاه‌ها به صورت عمومی و فراگیر برای

تمامی رشته‌ها و همچنین گسترش رشته مطالعات خانواده در دانشگاه‌ها. بنابراین باید شرایطی در جامعه فراهم شود که تشکیل خانواده و گرایش به ازدواج مزیت‌ها و منفعت بیشتری برای جوانان نسبت به مجرد داشته باشد.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۵) «جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر»، تهران، انتشارات روشنگران، ص ۱۶۸-۱۹۰.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۰) «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، تهران، انتشارات مدرسه، ص ۱۵۰-۱۳۲.
۴. بانکی، -----، مؤسسه تحقیقات و معارف اهل بیت، موانع و مشکلات ازدواج و راه‌های برخورد با آن [www.ahlolbait.com](http://www.ahlolbait.com)، ۱۳۹۳/۱۲/۷، ۱۴/۱۱/۹۴.
۵. جعفری مژدهی، افشین (۱۳۸۲) «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، فصلنامه پژوهشی زنان، شماره ۵، ص ۸۳-۱۰۴.
۶. خبرگزاری مهر، جدیدترین آمار ازدواج و طلاق در سال ۹۴، [www.tik.ir](http://www.tik.ir)، ۹۵/۱۱/۳، ۹۵/۳/۸، ۷. خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، آمار مجردین ایران، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، ۹۳/۳/۱۷، ۹۴/۱/۱۷، ۸. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴) «بررسی رفتارهای خطرساز جوانان با تأکید بر روابط جنسی آزاد (مطالعه موردی، شهر تهران)»، ص ۷۱-۹۰.
۹. زینتی، علی (۱۳۸۴) «فلسفه ازدواج در اسلام و مسیحیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، ص ۲۲۷-۱۹۷.
۱۰. شرفی، محمدرضا؛ طاهریور، محمدشریف (۱۳۸۷) «راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش ازدواج آسان با تأکید بر رویکرد اسلامی»، فصلنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۷۳-۵۳.
۱۱. صالحی، محمد (۱۳۸۵) «تجلیل فقهی و حقوقی نکاح قبل از بلوغ در حقوق ایران و اسلام»، فصلنامه کانون وکلا، شماره ۱۹۴ و ۱۹۵، ص ۱۵۰-۱۳۵.
۱۲. طاهریور، محمدشریف؛ باغگلی، حسین (۱۳۸۶) «بررسی نگرش و عملکرد دانشجویان در مورد رابطه با جنس مخالف، خلاصه مقالات سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی»، تهران، انتشارات دانشگاه شاهد، ص ۲۲۲.
۱۳. طیبی‌نیا، موسی (۱۳۹۳) «میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان، شماره شانزدهم، ص ۸۶-۶۳.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) «اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب»، قم، انتشارات صدرا، ص ۳۳.
۱۵. مقدس جعفری، علی (۱۳۸۵) «تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت»، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲، ص ۱۰۳-۱۲۰.
۱۶. ناستی‌زاده، ناصر (۱۳۸۵) «موانع ازدواج دختران»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، سال سوم، ص ۱۰۷-۹۱.

## Studying and investigating the level of cultural and social participation of female citizens of North Khorasan

zahara reza poi<sup>50</sup>

### Abstract

The main objective of this article is to study and investigate the level of cultural and social participation of female citizens of North Khora. The research method used in this study was a descriptive survey. The statistical population of the study was all female citizens in 2016 who resided within the geographical area of North Khorasan Province, of which 382 people were selected as the sample size for the research using a simple random cluster sampling method. To collect data, a valid and reliable researcher-made questionnaire (Cronbach's alpha correlation coefficient, 0.78) with a Likert scale was used, and inferential statistics, including T-Test and analysis of variance, along with appropriate follow-up tests, were used to analyze the research findings. The results of the study indicate that there is a significant difference between the level of cultural and social participation of female citizens by level of education (in favor of female citizens with higher levels of education) and by ethnicity (in favor of female citizens with the dominant ethnicity). The research findings also show that there is a significant difference between the level of cultural and social participation of female citizens based on marriage (in favor of single female citizens) and age (in favor of young and middle-aged female citizens) and having a job.

### Keywords

Participation, Cultural Participation, Social Participation, North Khorasan

## مطالعه و بررسی میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن خراسان شمالی

زهرا رضا پورا<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف اساسی مقاله حاضر، مطالعه و بررسی میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن خراسان شمالی می باشد. روش پژوهش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی-توصیفی بوده، جامعه آماری تحقیق کلیه شهروندان زن در سال ۱۳۹۵ که در محدوده جغرافیایی استان خراسان شمالی ساکن هستند بوده که از این میان ۳۸۲ نفر به عنوان حجم نمونه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی - خوشه ای ساده برای کار تحقیق انتخاب شدند، جهت جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ی محقق ساخته روا و پایا (ضریب همبستگی آلفای کرونباخ، ۰/۷۸) با مقیاس لیکرتی بکارگرفته شده و برای تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش از آماره های استنباطی، شامل محاسبات آماری T-Test و آنالیز واریانس به همراه آزمون های تعقیبی مناسب استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است بین میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن با سطح تحصیلات (به نفع شهروندان زن با میزان تحصیلات بالاتر)، بر حسب متغیر قومیت (به نفع شهروندان زن با قومیت غالب) تفاوت معناداری دیده می شود. هم چنین یافته های تحقیق نشان می دهد بین میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن بر حسب تاهل (به نفع شهروندان زن مجرد) و متغیر سن (به نفع شهروندان زن جوان و میانسال) و داشتن شغل تفاوت معناداری وجود دارد.

### واژگان کلیدی

مشارکت، مشارکت فرهنگی، مشارکت اجتماعی، خراسان شمالی

<sup>۱</sup> دکتری رشته مطالعات زنان و خانواده- دانشگاه تربیت مدرس تهران  
Zrh.rezapour@gmail.com

## مقدمه

مشارکت مقوله ای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است که همواره با روند زندگی همراه بوده است، مشارکت بر این عقیده بنیادین استوار است که همه افراد حق دارند در مورد اموری که مربوط به خودشان است احساس مسئولیت نمایند؛ در باره آن فکر کنند؛ اندیشه خود را بدون ترس بیان کنند و بر تصمیم هایی که بر زندگی آنها اثر می گذارد؛ دخالت داشته باشند این تصمیم گیری ها می تواند مربوط به امور مختلفی از جمله؛ امور فرهنگی و اجتماعی باشد.

مشارکت از نظر لغوی بر وزن مفاعله یعنی شرکت دو جانبه افراد برای انجام امری است، همچنین شرکت کردن با هم و با هم شریک شدن نیز از جمله معنای است که برای آن در نظر گرفته شده است. مشارکت کلمه ای عربی بوده و از ریشه شرکه از باب مفاعله است. معادل فارسی آن همبازی و همراهی است. مشارکت به معانی دیگری از قبیل شریک شدن، همدست شدن در کاری، اجتماع حقوق مالکان متعدد در یک شی، تعبیر گردیده است. در فرهنگ دهخدا (۱۳۷۹) مشارکت کلمه ای ماخوذ از عربی است و معنای آن را شراکت و انبازی و حصه داری و بهره برداری می داند، در فرهنگ معین (۱۳۷۴) مشارکت را معادل شرکت دادن، انبازی کردن و همچنین تعیین سود و زیان دو یا چند تن که با سرمایه های معین در زمان های مشخص به بازرگانی پرداخته اند دانسته است. در فرهنگ فارسی عمید (۱۳۸۹) مشارکت را شریک شدن و شرکت کردن با هم معنا نموده است. در فرهنگ لاروس (۱۳۹۳) مشارکت را عمل مشارکت کردن و همچنین مشارکت کردن را نظامی می داند که در آن کارکنان یک بنگاه در سود و احیانا مدیریت آن شریک می باشند.

از نظر بیرو نیز مشارکت نوعی فرآیند تعاملی چند سویه است و مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و یا با آن همکاری داشتن است (بیرو<sup>۵۲</sup>، ۲۵۷، ۱۳۷۰). برخی صاحب نظران مشارکت را به معنای شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات دانسته و تمامی ابعاد زندگی را عرصه مشارکت دانسته اند (ساروخانی<sup>۵۳</sup>، ۱۳۷۰، ۵۲۱). سازمان ملل<sup>۵۴</sup> (۱۹۹۰) آن را به عنوان ابزاری برای گسترش قلمرو و فرصت های حضور مردم در فرایند تصمیم گیری به نحوی که آنها را از فعالیت های رفاهی منتفع سازد، می داند.

راجرز و شومیکر<sup>۵۴</sup> معتقدند مشارکت یک درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی یکدیگر را یاری کنند (میرکزاده و دیگران<sup>۵۵</sup>، ۱۳۸۹، ۱۵۰). کمپ

<sup>۵۲</sup> Birou<sup>۵۳</sup> United Nations<sup>۵۴</sup> Rogers & Shoemaker

مشارکت را به معنای تقسیم یک فعالیت می داند که مردم هر روز به واسطه ی زندگی خانوادگی، فعالیت های معیشتی و مسئولیت های اجتماعی، در آن شرکت می کند (میرکزاده و دیگران ۱۳۸۹، ۱۵۰). مشارکت در تحقیق حاضر به معنای حضور زنان و شرکت آنان در عرصه اجتماعی و فرهنگی است.

### مشارکت انواع و دسته بندی مختلفی دارد من جمله:

مشارکت بر اساس چگونگی مشارکت طلبی افراد و نحوه عضویت آنان: مشارکت طبیعی: این نوع مشارکت در گروه های اجتماعی طبیعی وجود دارد، منشاء و خاستگاه این نوع مشارکت در سنت های اجتماعی است، عضویت افراد در آن غیر ارادی است. کارکرد این مشارکت تقویت عادات، رسوم، سنت ها و در نتیجه بقای گروه های طبیعی است. این نوع مشارکت در گروه های خانوادگی خویشاوندی، همبازی و... وجود دارد، این نوع مشارکت در جوامع سنتی قوی است و نهاد های مربوط موجب تقویت رابطه فرد با خانواده، طایفه همسالان و جامعه محلی می شود، این نهادها در جریان جامعه پذیری هنجارهای موجود را به اعضای خود منتقل می کنند در این گروه ها هیچکس نمی تواند بی تفاوت و یا خنثی باشد، هر فرد متناسب با جنس و سن و شرایط دیگر، نقشی در گروه دارد و لذا فعالیت موثر فرد را موجب می گردد.

**مشارکت ارادی:** مشارکت ارادی فرایندی است که از طریق مشارکت کنندگان و بدون نفوذ یا دخالت عوامل دیگر، (بیرون از گروه ارادی) پدید آمده و سازمان می یابد، شرکت این فرد در گروه ارادی و آگاهانه است، کارکرد این نوع گروه ها ارضای نیازی است که از طریق گروه های دیگر تامین نمی شود.

**مشارکت خود به خودی (خودانگیخته):** این نوع مشارکت در گروه های خود به خودی وجود دارد تفاوت اساسی آن با گروه ارادی در سیال بودنش است. این نوع گروه ها و کارکردشان عمری کوتاه دارند و غالباً فاقد سازمان مشخص و آشکار هستند، این نوع گروه ها غالباً برای ارضای نیازهای روانی مشارکت کنندگان پدید می آیند.

مشارکت بر انگیخته: این نوع مشارکت با مقوله توسعه آمیخته شده و ابعاد گسترده ای یافته است. مشارکت بر انگیخته به عاملی بیرون از گروه مشارکت کننده بستگی دارد، مشارکت افراد این گروه ها تحت تاثیر انگیزش های مختلف است، کارکرد اساسی این نوع مشارکت انجام تغییرات احتمالی از طریق اشاعه رفتارها و شیوه هایی است که توسط متولیان توسعه تعیین می گردد.

**مشارکت تحمیلی و اجباری:** این نوع مشارکت محصول گروه های اجتماعی است که به رغم اراده اعضای آن تشکیل می شوند، در این نوع مشارکت نیز عامل بیرونی نقش اساسی و تعیین کننده دارد، جبر و اضطراب در عضویت، موجب می شود افراد ناگزیر از مشارکت باشند (دری نوگرایی ۱۳۶۸، ۳۲)

### مشارکت بر اساس موضوع:

مشارکت اجتماعی: فرایند سازمان یافته ای که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف های معین و مشخص که منجر به سهم شدن در منابع قدرت می گردد تعریف کرد. همچنین می توان گفت؛ مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن شخصیت های انسانی شکل می گیرد و فرد برای زندگی گروهی آماده می شود (همان، ۳۵). نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، سازمانهای محلی و غیر دولتی هستند (ازکیا و

غفاری (۱۳۸۰، ۱۶) مشارکت اجتماعی از انواع مهم مشارکت محسوب می‌شود. اگر چه تمام اشکال مشارکت دارای نوعی رابطه اجتماعی هستند و بحثی جامعه‌شناختی به شمار می‌آیند، اما عرصه‌هایی که به عمل متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی با محیط پیرامونشان مربوط است موضوع مشارکت اجتماعی است.

**مشارکت فرهنگی:** مشارکت فرهنگی که با مشارکت سیاسی مرتبط است به نوعی از مشارکت گفته می‌شود که آحاد مختلف مردم را به مشارکت در تولید فرهنگ و ارتقای فرهنگ افراد فرا می‌خواند. تقویت هنر مردمی، تسهیل ارتباط فرهنگ‌ها در جوامع چند فرهنگی، افزایش وفاق اجتماعی و فعالیت‌های تاریخی هنری از عرصه‌های مهم مشارکت فرهنگی است.

البته سایر انواع مشارکت‌ها مثل مشارکت اقتصادی، مشارکت سیاسی و ... در این دسته بندی جای دارد که جهت جلوگیری از اطاله کلام و عدم کاربرد در تحقیق مذکور از تعاریف آن صرف نظر می‌شود.

**کارکرد و اهداف مشارکت:** هر چه مشارکت در جامعه فراگیرتر باشد، رفتار افراد در جامعه به هنجارتر، عقلانی‌تر و منطقی‌تر می‌شود (بابایی، ۱۳۷۶: ۲۴).

مشارکت بیگانگی اجتماعی را تقلیل می‌دهد و از ایجاد اثرات منفی روانی در مردم مانند بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی، تکروری و عدم وجود تعاون و تحرک و توجه به منافع شخصی، جلوگیری می‌کند، در مقابل، همبستگی ملی را تقویت می‌کند (فولادیان، ۱۳۷۸: ۴۰).

مشارکت، داوطلبانه‌گرایی را افزایش می‌دهد و به ارتباط نزدیک و صمیمانه بین مردم و نیروهای دولتی می‌انجامد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۵۱).

مشارکت، به عنوان یکی از طرق تامین اصول احترام به شخصیت فردی و اجتماعی و حقوق انسانی افراد و احساس امید به زندگی را در مردم تقویت می‌کند. حاصل این امیدواری نیاز به رفاه بیشتر و سپس تامین آن را به وجود می‌آورد (فولادیان، ۱۳۸۷: ۴۱).

اندیشمند آلمانی کورت لوین<sup>۵۵</sup> نیز معتقد است که مشارکت از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی نوآفرینی می‌کاهد و بر سازگاری آن‌ها می‌افزاید (سعیدی، ۱۳۸۲؛ ۱۱). در فضای مشارکتی، تعارض‌ها و ستیزها جای خود را به همکاری و تعاون می‌دهند. بنابراین:

-مشارکت احساس وابستگی و علاقمندی را تقویت می‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند هرگاه انسان در پدید آوردن امری مشارکت کند، از آن پشتیبانی خواهد کرد.

-مشارکت کناره‌گیری و تفرد را از میان برمی‌دارد. مشارکت کسانی را که در حاشیه کارها ایستاده‌اند، به درون کوشش‌های گروهی می‌کشاند.

-مشارکت فرهنگ سکوت را می-شکنند. مشارکت انسان را به گفت‌وگو وامی‌دارد و راه را برای پدیدار شدن سرمایه های فکری هموار می‌کند. مشارکت می‌تواند رشد و توسعه را شتاب بخشیده و بهره‌وری را افزایش دهد (سعیدی ۱۳۸۲، ۱۴).

دنیای هزاره سوم، عرصه توسعه و تعالی همه جانبه‌ی جامعه از طریق مشارکت فعال و موثر افراد در فعالیت‌های مختلف فرهنگی- اجتماعی و ... می‌باشد. مشارکت هر چه بیشتر افراد در عرصه‌های مختلف، علاوه بر تغییر و بهبود نگرش آنان نسبت به جایگاه خود، سبب بروز توانمندی آنان خواهد شد. در این راستا تحقیقات زیادی صورت گرفته که به مشارکت و بررسی علل و عوامل موثر بر میزان آن پرداخته‌اند، من جمله: مطهری در خصوص نظر اسلام درباره‌ی اجتماعی بودن انسان می‌فرماید: از آیات کریمه قرآن استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.» در این آیه‌ی کریمه، ضمن یک دستور اخلاقی، به فلسفه اجتماعی آفرینش خاص انسان اشاره می‌کند. به این بیان که انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروه‌های مختلف ملی و قبیله‌ای (اجتماعی) درآمده است (مطهری ۱۳۶۴) با چنین تصویری از انسان، جامعه‌شناسان قائلند که او باید در اجتماع خویش نقش یا نقش‌هایی را ایفا نماید. این نقش‌آفرینی در جامعه مورد توجه خاص مکتب انسان‌ساز اسلام بوده است و این مکتب، انسان را موجودی دارای مسئولیت نسبت به دیگر انبای بشر و جامعه معرفی می‌کند و از وظایف مسلمانان می‌داند. چنان که در حدیث قدسی آمده است: «کلکم راعٍ و کلکم مسؤول عن رعیتة»<sup>۵۶</sup>

در برخی از آیات دیگر نیز که بیشتر ناظر بر بعد اجتماعی زندگی انسان است و به نوعی مفهوم مشارکت، هم‌فکری جمعی از آن برداشت می‌شود. از جمله مولفه‌هایی که در قرآن کریم در رابطه با مشارکت اجتماعی به بحث گذاشته شده است، در قالب «کفل» است. «یکفل» به معنی سرپرست و ضامن است. چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: در آن هنگام که قلم‌های خویش را (برای قرعه‌کشی) به آب می‌افکندند تا کدام یک کفالت و سرپرستی مریم را عهده‌دار شود<sup>۵۷</sup> آنچه از این آیه برداشت می‌شود تکافل و سرپرستی اجتماعی است؛ یعنی افراد جامعه همدیگر را سرپرستی کنند و با آنچه در اختیار دارند، به یکدیگر کمک و مساعدت نمایند و یا به گونه‌ای با هم اتفاق نظر و دارای یک تصمیم باشند؛ چه این تصمیم ایجابی باشد یا سلبی (ناصح علوان، ۱۳۷۳: ۲۶) آیه دوم سوره مائده نیز از جمله آیاتی است که مردم را به مشارکت دسته‌جمعی برای به وجود آوردن مصالح زندگی اجتماعی دستور می‌دهد: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَاتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید<sup>۵۸</sup> آنچه قابل توجه می‌باشد، این است که نقش‌آفرینی و مسوولیت‌پذیری افراد در جامعه تنها اختصاص به مردان ندارد. بلکه، زنان هم در این راستا سهم قابل توجهی در اجتماع دارند. جلالی‌کندری (۱۳۷۹) در همین زمینه مطالعه‌ای با عنوان مشارکت زنان از دیدگاه قرآن و حدیث انجام داده و بدین نتیجه رسیده است که قرآن و حدیث همواره

<sup>۵۶</sup> غررالحکم، حکمت ۱۸۶۳

<sup>۵۷</sup> آل عمران: ۴۴

<sup>۵۸</sup> مائده: ۲

انسان ها را دارای هویت واحدی می شمرد و تفاوتی بین مردمان در زبان، قبایل، جنسیت و.. مختلف برای مشارکت در امور مختلف اجتماع قائل نشده است.

نتایج مطالعه عفتی (۱۳۷۱) نشان می دهد پایگاه اقتصادی و تحصیلات در میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی موثر است. یافته های پژوهش میدانی علویان (۱۳۷۵) با عنوان میزان مشارکت و برخی از عوامل موثر بر آن در شهر زنجان نشان می دهد که بین میزان تحصیلات با سطح مشارکت رابطه ی معنی داری وجود دارد.

توسلی (۱۳۸۰) ارتباط میان میزان مشارکت اجتماعی با انحرافات اجتماعی در در ایران را مورد مطالعه قرار داد و به این نتیجه رسید که احساس سرخوردگی و یا احساس انزوای اجتماعی می تواند نتیجه عدم مشارکت اجتماعی باشد.

یزدان پناه (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی بدین نتیجه رسید که وجود موانعی چون موانع خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و ارزیابی از این موانع از طرف افراد بر میزان مشارکت اجتماعی اثرگذار است.

نتایج تحقیق جمعه پور و خاکساری (۱۳۸۸) با عنوان شناسایی شاخص های مشارکت جوانان در فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکی از آن است که بین ویژگی های فردی مانند سن، سطح تحصیلات و وضعیت شغلی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، شرایط محیط اجتماعی، نگرش ها و انگیزه ها، وجود نهاد و سازمان های جمعی و میزان دسترسی به امکانات ارتباطی با مشارکت رابطه ی معناداری وجود دارد.

100

نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸)، در پژوهش مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن به این نتیجه رسیدند که متغیرهای سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت بر میزان مشارکت تاثیر مثبت دارند.

نتایج پژوهش بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دختران آوریده و علمی (۱۳۸۹) حاکی از آن است که احساس تعلق اجتماعی و مشکلات اقتصادی بر مشارکت در شکل ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی موثر است. نتیجه پژوهش کردی (۱۳۷۹)، نشان داد افراد نگرش مثبتی به امر مشارکت اجتماعی دارند و بین متغیر تحصیلات و شغل با مشارکت رابطه ی معنادار وجود داشته و بین تاهل و میزان مشارکت، رابطه ی معناداری یافت نشده است.

باقری بنجار و رحیمی (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان بدین نتیجه رسیدند که شهروندان در بعد فرهنگی، مشارکت فعالانه تری نسبت به بعد اجتماعی آن دارند و اینکه نوع شغل افراد بر مشارکت آنان موثر بوده است.

هیلز و مک لئود<sup>۵۹</sup> (۱۹۹۹)، با همکارانشان در بررسی خود با عنوان تاثیر شبکه های مجادلات سیاسی بر مشارکت در عرصه عمومی بدین نتیجه رسیدند که میان متغیرهای سن، تحصیلات و درآمد با مشارکت هیچ گونه رابطه ای وجود نداشته است.

برتون<sup>۶۰</sup> (۱۹۹۷)، معتقد است که در میان عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی، دو عامل به طور خاص ارزش مند است؛ ویژگی های شخصی و فرصت های ساختاری. مقداری از مشارکت به وسیله ی عواملی چون سطح سواد، طبقه ی اجتماعی

فرد، علائق مذهبی و انگیزه های شخصی تبیین می شود و فرصت مشارکت نیز، به دلیل آن که برای افراد متعلق به گروه های مختلف متفاوت است، میزان مشارکت را تعیین می کند (برتون، ۱۹۹۷: ۶).

هندرسون<sup>۶۱</sup> (۲۰۰۴)، در مطالعه ی حدود مشارکت فرهنگی می گوید اختلاف در انتظارات و تعلق اجتماعی برای مشارکت فعال مشکل است و دلایل در تفاوت فرهنگ ها است. و پژوهش های دیگری که انجام شده. حال توجه به این نکته ضروری است که ما در ایران با گروه های قومی و مناطق مختلف جغرافیایی - فرهنگی روبرو هستیم که گروه های فرعی جامعه بزرگتر به شمار آمده (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۳۷) و از ویژگی های خاصی برخوردار بوده و بطور اساسی با مناطق داخل کشور تفاوت هایی اساسی دارند. یکی از این گروه ها، مناطق کم برخوردار و ساکنین آن به ویژه زنان هستند، که اهمیت ویژه ای را در فرآیند برنامه ریزی می طلبند، بر اساس آمارهای رسمی بیش از نیمی از جمعیت ایران و همچنین خراسان شمالی را زنان تشکیل می دهند. مشارکت موثر و سازمان یافته زنان در جامعه بدان جهت از ارزش و اعتبار برخوردار است که زمینه را برای ایجاد توسعه پایدار مهیا می سازد. لذا در صورت غفلت از این نیروی بالقوه شاهد مشکلات اجتماعی- فرهنگی عمده ای در بین این مناطق و به تبع در سایر مناطق خواهیم بود. لذا در تحقیق حاضر بنا داریم به بررسی مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن استان خراسان شمالی پرداخته و به سوالات کلی زیر پاسخ دهیم: میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن به چه میزان است؟ کدام متغیرها بر میزان مشارکت و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن موثر است؟ بی تردید بررسی و تجزیه و تحلیل رابطه و سوالات مذکور در جریان این تحقیق می تواند زمینه ساز برنامه ریزی هایی در جهت آسیب شناسی و ارتقاء سطح مشارکت زنان در استان خراسان شمالی گردد.

### چارچوب نظری

به منظور بررسی میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن، در این تحقیق از تلفیق چند دیدگاه نظری، استفاده شده است. در تعریف منابع آمده است: هر نوع دارایی متعلق به فرد یا گروه که می تواند به دیگران عرضه شده و برای رفع نیازهای آنها سودمند بوده یا وسیله ای برای رسیدن آنها به اهدافشان باشد (قندهاری، ۱۳۸۲، ۷۳). اولسون و کرامول<sup>۶۲</sup> نیز معتقدند: «ایده ی اصلی نظریه این است که یک فرد منابع و امکاناتی در اختیار دارد که برای رسیدن به اهداف، نیازها، خواسته ها، تمایلات و علایقش ضروری است» (آبوت و والاس، ۱۳۸۰، ۱۳۰). لذا می توان گفت اساس نظریه منابع در خصوص بحث مشارکت در جامعه بر حسب منابعی همچون تحصیلات، سن، شغل و پایگاه خانواده و... است که فرد دارای آن است و بنابراین میزان مشارکت و حضور فعال وی در سطح جامعه را تعیین می کند و هر چه با اهمیت ترین و بیشترین منابع در اختیار فرد باشد، وی از امکان بیشتری برای مشارکت برخوردار است.

طبق نظر آلموند و پاول<sup>۶۳</sup>، فعالیت های مشارکت جویانه آن دسته از فعالیت هایی هستند که شهروند معمولی می کوشد از طریق آنها بر روی سیاست گذاری ها اعمال نفوذ کند، از این منظر مشارکت زمینه ساز بهبود فرآیند توسعه است. وی

همچنین معتقد است وجود قومیت های متعدد در جامعه با تفاوت در ویژگی ها و ساخت های فرهنگی، اعتقادات، نوع فعالیت اقتصادی و... باعث می شود که مشارکت در این جامعه مورد توجه قرار گیرد (به نقل از عقیلی و باستی، ۱۳۸۹: ۱۳۶-۱۳۷). آلموندو پاول ضمن تاکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد معتقدند که شهروندان تحصیلکرده، ثروتمند و بهره مند از مهارت های حرفه ای بالاتر احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می آورند. در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند (آلموندو و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

هلی ۱۶۴ (۱۹۹۷) مشارکت اجتماعی افراد را با چند دسته از عوامل تبیین می کند:

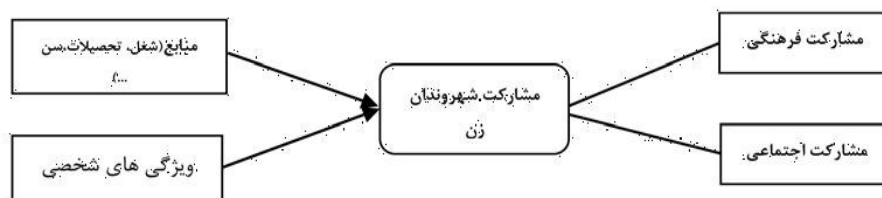
۱- عوامل مرتبط با ویژگی های فردی، مانند پایگاه اجتماعی- اقتصادی فرد در جامعه، که باعث می شود وی هر فعالیت اجتماعی یا به طور عادی هر راه برد شخصی را که باعث پیشرفت نسبت به والدین، امید به اشتغال، آموزش و امید به آینده می شود مفید تلقی کند؛

۲- سطح تحصیلات؛ ۳- گروه سنی؛

۴- جنسیت و سوگیری جنسی؛

۵- زمینه خانوادگی، شامل محل اقامت، میزان مشارکت والدین، وضعیت تاهل و محیط اجتماعی شدن. او هم چنین در مورد محرک های اجتماعی، به عواملی چون تنوع فرهنگی گروه هایی که با جامعه هم کاری می کنند، پیکار با تبعیض، وسعت گروه های مرجع در ساختارهای اجتماعی، خط مشی های حمایت کننده و برنامه هایی برای فعالیت موسسه های قومی اشاره می کند، به عقیده ی او، به دلیل آن که این فرصت ها برای وابستگی و فعالیت هایی مانند هم یاری چندجانبه و کارهای داوطلبانه تعیین کننده است، می تواند خط مشی هایی را برای فعالیت های اجتماعی محلی و مخصوصا محلی و مخصوصا افراد جوان فراهم کند (هلی: ۱۹۹۷: ۵-۶).

## مدل تحقیق



تصویر ۱- مدل نظری تحقیق

## اهداف تحقیق

هدف کلی این پژوهش، مطالعه و بررسی میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن خراسان شمالی در سال ۹۵ می باشد، اهداف جزئی پژوهش شامل تعیین میزان رفتارهای فرهنگی، تبیین میزان مشارکت فرهنگی، تعیین میزان رفتارهای اجتماعی، تبیین میزان مشارکت فرهنگی، تعیین میزان علاقمندی برای مشارکت اجتماعی، تعیین میزان مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان زن خراسان شمالی بر حسب (میزان تحصیلات، سن، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، قومیت، سطح سواد خانوادگی و...) می باشد.

## اصطلاحات تحقیق

تعاریف عملیاتی اصطلاحات اصلی تحقیق به شرح زیر هستند:

**شهروندان زن خراسان شمالی:** گروهی از زنان شهروند در محدوده استان هستند با مراجعه به آخرین سرشماری (۱۳۹۵) تعداد ۸۶۳۰۹۲ نفر بودند.

**مشارکت فرهنگی:** منظور فعالیت داوطلبانه افراد و گروهها در امور مختلف فرهنگی جامعه چون گفت و گوی خانوادگی درباره مسائل به اجتماعی، پرکردن اوقات فراغت با ورزش و تفریحات سالم، مطالعه مجلات و روزنامه های مختلف، استفاده از اینترنت و شبکه های مجازی، تماشای برنامه های صدا و سیما جمهوری ا.ا، شرکت در جلسات مذهبی- فرهنگی، گوش دادن به برنامه های رادیو، تماشای برنامه های شبکه استانی، مطالعه ی کتاب، شرکت در کلاس های فرهنگی-هنری.

**مشارکت اجتماعی:** رشته ای از فعالیت های گوناگون که از طریق آن جماعت یا گروهی آزادانه به هم می پیوندند و آن فعالیت ها را به اجرا در می آورند. همچون همکاری با همسایگان در برگزاری مراسم مختلف، شرکت در کمک به ساخت مسجد، پیگیری امور محله (بهداشت محل، آسفالت)، شرکت، کمک و مراقبت از ایتم، تهیه جهیزیه و کمک به ازدواج افراد نیازمند، شرکت در برنامه های بسیج، شرکت در هیات و روضه ها، شرکت در انجمن های اولیا و مربیان، شرکت در مراسم فامیلی، میزان علاقه مندی به شرکت در فعالیت های اجتماعی.

## روش تحقیق، ابزار، جامعه، نمونه و روش های آماری تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق که مطالعه و بررسی مشارکت شهروندان زن خراسان شمالی از نظر مشارکت فرهنگی و اجتماعی در سال ۱۳۹۵ می باشد از روش پیمایشی-توصیفی استفاده شده، جامعه آماری تحقیق کلیه شهروندان زن در سال ۱۳۹۵ که در محدوده جغرافیایی استان خراسان شمالی ساکن هستند و تعداد ۴۲۹۴۵۹ هزار نفر زن (بر حسب سرشماری-عمومی نفوس و مسکن، نتایج-سرشماری ۱۳۹۵) می باشند که با توجه به روش پژوهش، با استفاده از جدول نمونه گیری مورگان حجم نمونه ۳۸۲ نفر تعیین گردید و نمونه گیری از روش نمونه گیری تصادفی-خوشه ای ساده استفاده گردید.

برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ی محقق ساخته روا و پایا (ضریب همبستگی آلفای کرونباخ، ۰/۷۸) با مقیاس لیکرتی و برای تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش از آماره های استنباطی شامل محاسبات آماری T-Test و آنالیز واریانس به همراه آزمون های تعقیبی مناسب استفاده شد.

### توصیف یافته های تحقیق

در این تحقیق توصیف خصوصیات جامعه ی مورد نظر بر حسب وضعیت تاهل، سن، تحصیل تعداد افرادی که در یک خانه با هم زندگی می کنند، تعداد اعضای خانواده دارای تحصیلات بالاتر دیپلم، شغل و قومیت انجام شده، در جداول زیر به توصیف یافته های تحقیق در ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی، رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن ساکن در استان خراسان شمالی از طریق جمع بندی پاسخ های آنان به پرسش های تحقیق ارائه شده است. در جدول ۱، رفتارهای فرهنگی و ابعاد مشارکت فرهنگی شهروندان زن استان نشان داده شده است.

خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد		میزان استفاده از موارد زیر در طول هفته
درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	
۷۶/۷	۲۲۸	۲۰/۷	۷۹	۶/۳	۲۴	۰/۳	۱	گفت و گویی، خانوادگی، درباره مسائل به اجتماعی
۶۵/۶	۲۵۰	۲۶/۴	۱۰۱	۶/۳	۲۴	۱/۸	۷	بزرگ کردن اوقات فراغت با ورزش و تفریحات سالم
۶۰/۵	۲۳۱	۳۴/۵	۱۳۲	۳/۷	۱۴	۱/۳	۵	مطالعه مجلات و روزنامه های مختلف
۱/۳	۹	۳۰/۴	۱۱۶	۱۱/۸	۴۵	۵۶/۵	۲۱۶	استفاده از اینترنت و شبکه های مجازی
۲۵/۱	۹۶	۳۶/۳	۱۳۹	۸/۴	۳۲	۳۰/۱	۱۱۵	تماشای برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی
۸۱/۴	۳۱۱	۱۲/۶	۴۸	۳/۹	۱۵	۲/۱	۸	شرکت در جلسات مذهبی - فرهنگی
۸۰/۷	۳۰۸	۱۷/۲	۶۶	۱/۶	۶	۰/۵	۴	گوش دادن به برنامه های رادیو
۴۱/۹	۱۶۰	۳۰/۶	۱۱۲	۱۷/۸	۶۸	۹/۷	۳۲	تماشای برنامه های شبکه استانی
۹۵/۲	۳۶۴	۳/۷	۱۴	۰/۸	۳	۰/۳	۱	مطالعه ی کتاب
۷۵/۷	۲۸۹	۱۷/۸	۶۸	۵/۷	۲۲	۰/۸	۳	شرکت در کلاس های فرهنگی - هنری

جدول ۱: جمع بندی میزان مشارکت فرهنگی شهروندان زن خراسان شمالی

جدول مذکور (جدول ۱) نشان می دهد کمترین رفتار فرهنگی شهروندان زن استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵ که به مقدار خیلی زیاد تا زیاد از خود نشان می دهند و در آن مشارکت دارند، مطالعه ی کتاب به میزان حداکثر ۱/۲٪ و بیشترین رفتار فرهنگی استفاده از اینترنت و شبکه های مجازی و تماشای برنامه های مختلف سیمای جمهوری اسلامی ایران با فراوانی ۵۳/۴٪ است. که با توجه به سطح معنی داری ۶۰٪ رفتار نشان داده شده از سطح آماری قابل قبولی برخوردار نمی باشد.

جدول ۲، رفتارهای اجتماعی و ابعاد مشارکت اجتماعی (۱۰گویه) شهروندان زن استان نشان داده شده است.

خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد		فراوانی
تعداد	درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	هر یک از کارهای زیر را چقدر انجام می دهید
۱۱۹	۳۱/۴	۱۴۴	۳۷/۴	۷۹	۲۰/۷	۴۱	۱۰/۷	همکاری با همسایگان در برگزاری مراسم مختلف
۱۵۷	۴۱/۵	۱۷۸	۴۶/۷	۱۱	۲/۹	۶	۱/۶	شرکت در کمک به ساخت مسجد
۶۶	۱۷/۳	۲۱۵	۵۶/۳	۲۴/۸	۶۵	۶	۱/۶	پیگیری امور محله (بهداشت محل، آسفالت)
۲۶۵	۶۹/۴	۶۴	۱۶/۷	۷/۶	۱۹	۲۴	۶/۳	شرکت، کمک و مراقبت از ایتم
۲۲۸	۵۹/۷	۱۴۷	۳۸/۵	۱/۶	۶	۱/۳	۰/۳	تهیه جهیزیه و کمک به ازدواج افراد نیازمند
۲۲۷	۵۶/۸	۱۴۶	۳۸/۲	۴/۷	۱۸	۱	۰/۳	شرکت در برنامه های بسیج
۲۱۵	۵۶/۳	۸۲	۲۱/۵	۱۳/۹	۵۳	۳۲	۸/۴	شرکت در هیات و روضه ها
۲۰۵	۵۳/۷	۱۰۶	۲۷/۸	۱۳/۶	۵۲	۱۹	۴/۹	شرکت در انجمن های اولیا و مربیان
۶۲	۱۶/۲	۶۳	۱۶/۵	۲۸/۱	۱۰/۷	۱۵۰	۳۹/۲	شرکت در مراسم فامیلی
۱۵۷	۴۱	۱	۰/۳	۳۰/۴	۱/۶	۲۸/۳	۱۰/۸	میزان علاقه مندی به شرکت در فعالیت های اجتماعی

#### جدول ۲: جمع بندی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان زن خراسان شمالی

جدول ۲ نشان می دهد کمترین رفتار اجتماعی شهروندان زن که در آن شرکت دارند تهیه جهیزیه و کمک به ازدواج افراد نیازمند به میزان حداکثر ۱/۹٪ و شرکت در برنامه های بسیج به میزان حداکثر ۵٪ و بیشترین رفتار اجتماعی که به مقدار خیلی زیاد تا زیاد در آن مشارکت دارند، شرکت در مراسم فامیلی با فراوانی ۶۷/۳٪ است. این جدول همچنین نشان می

دهد که ۷/۵۸٪ از شهروندان زن استان به میزان خیلی زیاد تا زیاد علاقمند هستند که در فعالیت های اجتماعی جامعه شرکت نمایند.

جدول ۳، یافته های تحقیق در رابطه با میزان رفتارهای فرهنگی شهروندان زن استان را نشان می دهد

خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد		میزان مشارکت تعداد- درصد فراوانی
درصدفراوانی	تعداد	درصدفراوانی	تعداد	درصدفراوانی	تعداد	درصدفراوانی	تعداد	
۶۰/۰	۲۲۹۲	۲۳/۱	۸۸۰	۶/۶	۲۵۳	۱۰/۳	۳۹۵	جمع بندی رفتارهای فرهنگی

جدول ۳. میزان رفتارهای فرهنگی شهروندان زن استان خراسان شمالی

جدول فوق نشان می دهد شهروندان زن استان خراسان شمالی، تنها حدود ۹/۱۷٪ از رفتارهای فرهنگی را به میزان خیلی زیاد تا زیاد از خود نشان داده، مطالعه ی کتاب کمترین میزان رفتار فرهنگی و استفاده از اینترنت و شبکه های مجازی و تماشای برنامه های سیمای جمهوری اسلامی ایران بیشترین رفتارهای فرهنگی است که شهروندان زن استان را نشان داده اند.

جدول ۴، یافته های تحقیق در رابطه با میزان مشارکت فرهنگی شهروندان زن را نشان می دهد.

106

کم-خیلی کم		خیلی زیاد-زیاد		میزان مشارکت تعداد- درصد فراوانی
درصدفراوانی	تعداد	درصدفراوانی	تعداد	
۸۳	۳۱۷۲	۱۷	۶۴۸	مشارکت فرهنگی

جدول ۴. جمع بندی میزان مشارکت فرهنگی شهروندان زن استان خراسان شمالی

این جدول نشان می دهد میزان رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی شهروندان زن استان که به مقدار خیلی زیاد تا زیاد در آن مشارکت داشته اند، تنها ۱۷٪ می باشد که با توجه به سطح آماری ۶۰٪، سطح مشارکت فرهنگی نشان داده شده توسط شهروندان زن از سطح آماری قابل قبولی برخوردار نمی باشد که این یافته با پژوهش باقری بنجار و رحیمی (۱۳۹۱) مطابقت ندارد.

جدول ۵، یافته های تحقیق در رابطه با میزان رفتارهای اجتماعی شهروندان زن استان را نشان می دهد

خیلی کم		کم		زیاد		خیلی زیاد		میزان مشارکت تعداد- درصد فراوانی
درصدفراوانی	تعداد	درصدفراوانی	تعداد	درصدفراوانی	تعداد	درصدفراوانی	تعداد	
۴۴/۳	۱۶۹۱	۳۰	۱۱۴۵	۱۵/۶	۵۹۶	۱۰/۱	۳۸۸	جمع بندی رفتارهای اجتماعی

جدول ۵. میزان رفتارهای اجتماعی شهروندان زن استان خراسان شمالی

جدول نشان می دهد که شهروندان زن، تنها حدود ۲۵/۷٪ از رفتارهای اجتماعی (تعداد ۹ گویه) را به میزان خیلی زیاد تا زیاد نشان می دهند. فراوانی رفتارهای اجتماعی شامل زیارت مزار شهدا و شرکت در برنامه های فرهنگی مسجد کمترین و شرکت در مراسم فامیلی، فراوان ترین رفتار اجتماعی است که شهروندان زن به نمایش می گذارند.

جدول ۶، یافته های تحقیق در رابطه با میزان مشارکت فرهنگی شهروندان زن را نشان می دهد.

کم-خیلی کم		خیلی زیاد-زیاد		میزان مشارکت تعداد- درصد فراوانی
درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	
۷۴/۲	۲۸۳۶	۲۵/۸	۹۸۴	مشارکت اجتماعی

#### جدول ۶. جمع بندی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان زن استان خراسان شمالی

جدول فوق نشان می دهد میزان رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن استان که به مقدار خیلی زیاد تا زیاد در آن مشارکت داشته اند، تنها حدود ۲۵/۸٪ می باشد که از سطح آماری قابل قبولی برخوردار نبوده است. حدود ۵۸/۷٪ از شهروندان زن استان خیلی زیاد تا زیاد علاقمند هستند که در فعالیت های مختلف اجتماعی جامعه شرکت کنند. با نتایج کردی؛ ۱۳۷۹، جمعه پور و خاکساری؛ ۱۳۸۸، برتون؛ ۱۹۹۷، باقری بنجار و رحیمی؛ ۱۳۹۱ در خصوص مشارکت اجتماعی که افراد نگرش مثبت به مشارکت دارند مطابقت دارد.

یکی از عوامل موثر در میزان مشارکت شهروندان زن در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی، سطح تحصیلات خانواده و تعداد اعضای تحصیل کرده ی خانواده آنهاست که بر رفتارها و مشارکت های فرهنگی و اجتماعی اعضای جامعه مورد مطالعه تاثیر گذاشته، در جدول زیر (۷) توصیف استنباطی یافته های پژوهش بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی، رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن ساکن در خراسان شمالی بر حسب متغیر پژوهشی تعداد اعضای تحصیل کرده ی خانواده در سه گروه (هیچ کس تا کمتر از ۲ نفر، ۲ تا ۴ نفر، از ۴ نفر بیشتر) از طریق جمع بندی پاسخ های آنان به پرسش های تحقیق و نتایج محاسبه آنالیز واریانس برای تعیین معناداری آماری تفاوت مشاهده شده بین میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن استان با متغیر تعداد اعضای تحصیل کرده ی خانواده، ارائه شده است.

نتیجه ی تحلیل	مقدار sig	آماره استنباطی موضوع مشارکت
در سه گروه جمعیتی تفاوت معناداری وجود ندارند	۰/۷۴۵	مشارکت فرهنگی
تفاوت معنادار به نفع شهروندان زن با تعداد اعضای خانواده بیشتر با مدرک تحصیلی بالاتر	۰/۰۴۳	مشارکت اجتماعی

جدول ۷، مقایسه ی میزان مشارکت شهروندان زن خراسان شمالی بر حسب تعداد اعضای تحصیل کرده خانواده نتایج محاسبات آمارهای استنباطی (جدول ۷) نشان می دهد بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی بر حسب متغیر پژوهشی تعداد اعضای تحصیل کرده ی خانواده آنان در سه گروه جمعیتی تفاوت معنی داری وجود ندارد. نتایج پژوهش همچنین نشان می دهد که رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن بر حسب متغیر پژوهشی بر حسب تعداد اعضای تحصیل کرده ی خانواده ی آنان، تفاوت معنادار به نفع شهروندان زن با تعداد اعضای خانواده بیشتر با مدرک تحصیلی بالاتر دیده می شود.

یکی از عوامل موثر در میزان سطح مشارکت در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی قومیت و فرهنگ قومی و ساختار اجتماعی اقوام جامعه مورد مطالعه است که بر ویژگی های فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه بر رفتارها و مشارکت های فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن مورد مطالعه تاثیر می گذارد. در استان خراسان شمالی نیز که چند قومیت (کرد، ترک، فارس، ترکمن و بلوچ) زندگی می کنند و سه قومیت کرد، ترک و فارس به ترتیب بیشترین جمعیت را دارا می باشند. در جدول زیر (جدول ۸) توصیف استنباطی یافته های پژوهش بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی، رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن استان خراسان شمالی بر حسب متغیر قومیت از طریق جمع بندی پاسخ های آنان به پرسش های تحقیق و نتایج محاسبات آنالیز واریانس برای تعیین معناداری آماری تفاوت مشاهده شده بین میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن استان با متغیر قومیت، ارائه شده است.

نتیجه ی تحلیل	مقدار sig	آماره استنباطی موضوع مشارکت
تفاوت معنادار به نفع شهروندان زن با قومیت غالب	۰/۰۲۹	مشارکت فرهنگی
تفاوت معنادار به نفع شهروندان زن با قومیت غالب	۰/۰۴۳	مشارکت اجتماعی

#### جدول ۸، مقایسه ی میزان مشارکت شهروندان زن خراسان شمالی بر حسب قومیت

نتایج محاسبات آماره ی استنباطی در این جدول (جدول ۸) نشان می دهد بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی بر حسب متغیر پژوهشی قومیت آنان تفاوت معناداری به نفع شهروندان زن با قومیت غالب دیده می شود. نتایج پژوهش همچنین نشان می دهد بین رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی در محدوده استان بر حسب متغیر پژوهشی قومیت آنان، تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت به نفع شهروندان زن با قومیت غالب می باشد. یافته های این پژوهش با

نتایج مطالعه ی جلالی کند ری؛ ۱۳۷۹ مطابق ندارد و با تحقیق جمعه پور و خاکساری؛ ۱۳۸۸ و برتون؛ ۱۹۹۹، آلسون و کرامول (به نقل از آبوت و والاس: ۱۳۸۰) مطابقت دارد.

در رابطه با معناداری بین میزان مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان زن ساکن در استان بر حسب ویژگی های شخصی هم چون میزان تحصیلات، سن، وضعیت تاهل و وضعیت اشتغال رسمی، یکی از عوامل موثر در میزان مشارکت شهروندان زن در میزان فراوانی رفتارها و سطح مشارکت اجتماعی و فرهنگی جامعه ی مورد مطالعه، وضعیت تاهل شهروندان زن بوده، در جدول زیر (جدول ۹) خلاصه ی نتایج محاسبه ی T-Test برای تعیین معناداری آماری تفاوت مشاهده شده بین میزان رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی و رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن ساکن در استان بر حسب متغیر وضعیت تاهل در دو گروه متاهل در دو گروه متاهل و مجرد از طریق جمع بندی پاسخ های آنان به پرسش های تحقیق ارائه شده است.

نتیجه ی تحلیل	مقدار sig	آماره استنباطی موضوع مشارکت
تفاوت معنادار به نفع شهروندان زن مجرد	۰/۰۰	مشارکت فرهنگی
تفاوت معناداری وجود ندارد	۰/۳۶۸	مشارکت اجتماعی

#### جدول ۹، مقایسه ی میزان مشارکت شهروندان زن خراسان شمالی بر حسب تاهل

نتایج محاسبات آماره ی استنباطی در این جدول (جدول ۹) نشان می دهد بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی آنان تفاوت معناداری به نفع شهروندان زن مجرد دیده می شود.

نتایج تحقیق هم چنین نشان می دهند که بین رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن استان بر حسب متغیر پژوهشی وضعیت تاهل در دو گروه متاهل و مجرد، تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته های این پژوهش با نتایج پژوهش کردی؛ ۱۳۷۹ که نشان می دهد مجرد بودن، بر میزان نگرش زنان نسبت به مشارکت اجتماعی تاثیر اندک دارد مطابقت می نماید.

یکی از عوامل موثر در میزان مشارکت شهروندان زن در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی محدوده

سنی جامعه ی مورد مطالعه بوده، در جدول زیر (جدول ۱۰) توصیف استنباطی یافته های پژوهش بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت و رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن در استان بر حسب متغیر سن از طریق جمع بندی پاسخ های آنان به پرسش های تحقیق و نتایج محاسبه

آنالیز واریانس برای تعیین معناداری آماری تفاوت مشاهده شده بین میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن استان با متغیر سن، ارائه شده است.

نتیجه ی تحلیل	مقدار sig	آماره استنباطی موضوع مشارکت
در پنج گروه سنی، تفاوت معناداری وجود ندارد	۰/۰۷۱	مشارکت فرهنگی
تفاوت معنادار به نفع گروه های میان سال جامعه	۰/۰۰۰	مشارکت اجتماعی

#### جدول ۱۰، مقایسه ی میزان مشارکت شهروندان زن خراسان شمالی بر حسب سن

نتایج محاسبات آماره ی استنباطی در این جدول (جدول ۱۰) نشان می دهد بین ابعاد فرهنگی و مشارکت فرهنگی شهروندان زن استان بر حسب متغیر پژوهشی سن آنان تفاوت معناداری در پنج گروه سنی دیده نمی شود. نتایج پژوهش همچنین نشان می دهد که بین رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن ساکن در استان بر حسب متغیر پژوهشی سن پرسش شوندگان در دو گروه سنی کمتر از ۲۶ سال و بیشتر از ۲۶ سال، تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت به نفع گروه سنی کمتر از ۲۰ سال می باشد. در تحقیقات نوروزی و بختیاری؛ ۱۳۸۸ و جمعه پور و خاکساری؛ ۱۳۸۸، هیلز؛ ۱۹۹۹ نیز بین سن و میزان مشارکت رابطه ی معناداری وجود دارد.

110

یکی از عوامل موثر در میزان سطح مشارکت افراد در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی میزان تحصیلات و سطح سواد فردی شهروندان زن است که بر رفتارها و مشارکت های فرهنگی اجتماعی آنان تاثیر گذاشته، در جدول زیر (جدول ۱۱) توصیف استنباطی یافته های پژوهش بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی و رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن بر حسب متغیر پژوهشی میزان تحصیلات از طریق جمع بندی پاسخ های آنان به پرسش های تحقیق و نتایج محاسبه ی خی دو برای تعیین معناداری آماری تفاوت مشاهده شده بین میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی شهروندان زن با متغیر میزان تحصیلات ارائه شده است.

نتیجه ی تحلیل	مقدار sig	آماره استنباطی موضوع مشارکت
تفاوت معناداری به نفع شهروندان زن با مدرک تحصیلی بالاتر	۰/۰۲۶	مشارکت فرهنگی
تفاوت معنادار به نفع شهروندان زن با مدرک تحصیلی بالاتر	۰/۰۱۹	مشارکت اجتماعی

#### جدول ۱۱، مقایسه ی میزان مشارکت شهروندان زن خراسان شمالی بر حسب میزان تحصیلات

نتایج محاسبات آمار استنباطی در این جدول (جدول ۱۱) نشان می دهد بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی بر حسب متغیر پژوهشی میزان تحصیلات آنان تفاوت معناداری به نفع شهروندان زن با مدرک تحصیلی بالاتر دیده می شود. نتایج پژوهش هم چنین نشان می دهند که بین رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن بر حسب

متغیر میزان تحصیلات آنان در سه گروه بی سواد یا در حد خواندن و نوشتن، زیر دیپلم یا دیپلم و بالاتر از دیپلم، تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت به نفع شهروندان زن با مدرک تحصیلی بالاتر می باشد. یافته های این پژوهش با نتایج مطالعه ی میدانی عفتی؛ ۱۳۷۱، علویان؛ ۱۳۷۵، الموند و پاول؛ ۱۳۸۰، جمعه پور و خاکساری؛ ۱۳۸۸، برتون؛ ۱۹۹۷، هلی؛ ۱۹۹۷، آلسون و کرامول (به نقل از آبوت و والاس: ۱۳۸۰) مطابقت می نماید. در جدول زیر (جدول ۱۲) توصیف استنباطی یافته های پژوهش بین فراوانی رفتارهای فرهنگی و سطح مشارکت فرهنگی و رفتارهای اجتماعی و سطح مشارکت اجتماعی شهروندان زن خراسان شمالی بر حسب متغیر پژوهشی شغل از طریق محاسبه ی آنالیز واریانس ارائه شده است.

نتیجه ی تحلیل	مقدار sig	آماره استنباطی موضوع مشارکت
در پنج گروه شغلی، تفاوت معناداری وجود ندارد	۰/۴۲۳	مشارکت فرهنگی
در پنج گروه شغلی، تفاوت معناداری وجود ندارد	۰/۷۴۰	مشارکت اجتماعی

#### جدول ۱۲، مقایسه ی میزان مشارکت شهروندان زن خراسان شمالی بر حسب شغل

111

نتایج محاسبات آماره های استنباطی در این جدول (جدول ۱۷) نشان می دهد بین ابعاد رفتارهای فرهنگی و مشارکت فرهنگی بر حسب متغیر پژوهشی شغل و کار اصلی آنان در پنج گروه شغلی، تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج پژوهش هم چنین نشان می دهند که بین رفتارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان زن بر حسب متغیر شغل و کار اصلی آنان در سه گروه (شاغل، در حال تحصیل، خانه دار یا بازنشسته)، تفاوت معناداری وجود دارد. یافته های این پژوهش با نتایج مطالعه ی میدانی عفتی؛ ۱۳۷۱، علویان؛ ۱۳۷۵، کردی؛ ۱۳۷۹، الموند و پاول؛ ۱۳۸۰، یزدان پناه؛ ۱۳۸۶، نوروزی و بختیاری؛ ۱۳۸۸؛ جمعه پور و خاکساری؛ ۱۳۸۸، آوریده؛ ۱۳۸۹، هیلز؛ ۱۹۹۹، هلی؛ ۱۹۹۷؛ آلسون و کرامول (به نقل از آبوت و والاس: ۱۳۸۰) که شاغل بودن تاثیر زیادی را بر میزان نگرش آنان نسبت به مشارکت اجتماعی دارد، مطابقت دارد.

## نتیجه گیری و پیشنهادات

دنیای هزاره سوم، عرصه توسعه و تعالی همه جانبه ی جامعه از طریق مشارکت فعال و موثر همه شهروندان در فعالیت های مختلف فرهنگی و اجتماعی می باشد. اگر مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی را به معنی حضور آگاهانه در امور جامعه و دخالت هدفمند در مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی و.. بدانیم، بدین نتیجه می رسیم که مشارکت، حقی است برای همه ی مردم. در این میان توجه به مشارکت شهروندان زن در عرصه های گوناگون به ویژه در استان ها و شهرهای کم برخوردار، علاوه بر آنکه سبب تغییر نگرش آنان نسبت به خود، جایگاه و حضور موثرشان در جامعه می گردد، سبب بکارگیری و استفاده نیمی از ظرفیت جمعیتی و در نتیجه رشد و توسعه همه جانبه استان می گردد. لذا جهت تحقق این امر، مقتضی است به اتخاذ تدابیر هوشمندانه و هدف قرار دادن راهبردهای اصلاح گرایانه در خصوص توجه و تقویت این سرمایه های عظیم اقدام نمود. همانطور که در یافته های تحقیق قابل مشاهده است، زنان با تحصیلات بالا، حضور و مشارکت بیشتری در جامعه داشتند، بنابراین متغیر تحصیلات، نقشی اساسی بر میزان مشارکت زنان دارد که باید در راستای مبارزه با کم سواد و بالا بردن سطح دانش و بیش از آن برنامه ریزی های جدی در سطح استان صورت گیرد.

با توجه به اینکه شهروندان زن بسیاری از شبکه های مجازی و برنامه های تلویزیونی استفاده می کردند لذا ضروری است از این ظرفیت در جهت انعکاس هر چه بیشتر و موثرتر خدمات فرهنگی و اجتماعی زنان شهروند بعنوان نمونه های عینی به کلیه آحاد جامعه و توسعه فراگیر فعالیت های فرهنگی و اجتماعی زنان در اقصا نقاط استان بویژه در مناطق با ضریب محرومیت بالاتر استفاده گردد. استفاده از فرصت مراسمات فامیلی و ایجاد انگیزش و تشویق زنان به تشکیل گروه و انجام امور خیریه و شرکت در فعالیت های جمعی و عام المنفعه. پرهیز از تمرکزگرایی و توزیع عادلانه منابع و امکانات مختلف آموزشی... تقویت روحیه خودباوری و ترویج فرهنگ مشارکت در بین شهروندان زن اقوام مختلف آموزش اقتصادی به زنان، ارائه تسهیلات و توانمندسازی مالی آنان و برنامه ریزی و زمینه سازی جهت مشارکت دختران جوان در زمینه های مختلف با توجه به استعداد و علاقمندی آنان.

## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آبوت، پاملا و کلر والاس. (۱۳۸۰). جامعه شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی. چاپ اول. تهران: نشرنی.
- ۳- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: نشر سو.
- ۴- آلموند، گابریل و پاول، جی (۱۳۸۰)، مشارکت و حضور شهروندان، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ش ۱۶۳-۱۶۴. تهران.
- ۵- آوریده، سولماز و محمود علمی (۱۳۸۹)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور رشت، فصلنامه زن و مطالعات خانواده تبریز، ش ۹.

- ۶- ازکیا مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰). «بررسی رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، شماره ۱۷، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: شماره ۱۷.
- ۷- بابایی، محبوبه (۱۳۷۶)، تحولات فرآیند مشارکت زنان روستایی در گذر به جامعه صنعتی (گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی)، تهران: موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد.
- ۸- باقری بنجار، عبدالرضا و ماریا رحیمی (۱۳۹۱)، بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال دوم، ش ۲.
- ۹- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.
- ۱۰- جر، خلیل (۱۳۹۳)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: نشر امیرکبیر.
- ۱۱- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط آنومی ک. تهران: موسسه چاپ و انتشارات تهران.
- ۱۲- جلالی کندری، لیلا (۱۳۷۹) مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه قرآن و حدیث. پایان نامه دکتری الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۳- جمعه پور، محمود و علی خاکساری (۱۳۸۸)، شناسایی و تعیین شاخص های مشارکت جوانان در فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، ش ۲.
- ۱۴- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰)، مسأله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، ویژه نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران. ش ۳.
- ۱۵- دری نوگرایی، حسین. (۱۳۶۹). مشارکت در فعالیت های اقتصادی-تحلیل بر مفاهیم و روش ها. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد، دانشگاه امام صادق تهران.
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۹). لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: موسسه کیهان.
- ۱۸- علویان، هادی (۱۳۷۵)، بررسی میزان مشارکت و برخی از عوامل موثر بر آن در شهر زنجان، پژوهش میدانی، شوراهای پژوهشی ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان.
- ۱۹- عفتی، محمد (۱۳۷۱)، بررسی عوامل موثر در مشارکت روستائیان در طرح های توسعه روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ۲۰- عقیلی، سیدوحید و حمدال باستی (۱۳۸۹)، موانع مشارکت اجتماعی و راه های تقویت آن در رادیو، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال ۱۷، ش ۴.
- ۲۱- عمید، سید حسن. (۱۳۷۹). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۲۲- فولادیان، مجید و احمد رضانی فرخند (۱۳۸۷)، نظریه ها و پارادایم های مشارکت در جامعه شناسی، مشهد: نشر سخن گستر.
- ۲۳- قندهاری، پردیس. (۱۳۸۲). زن و قدرت، تهران: معاونت پژوهشی پژوهشکده علوم انسانی.

- ۲۴- کردی، حسین (۱۳۷۹)، بررسی نگرش زنان به امر مشارکت اجتماعی در استان گلستان، شهرستان کردکوی، پژوهش میدانی: دانشگاه پیام نور گلستان. گرگان.
- ۲۵- معین، محمد. (۱۳۷۴). فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۲۶- میرکزاده، علی اصغر و دیگران. (۱۳۸۹). واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، روستا و توسعه. سال ۱۳. شماره ۲.
- ۲۷- ناصح علوان، عبدال (۱۳۷۳)، همکاری های اجتماعی در اسلام، ترجمه محمد صالح سعیدی، تهران: نشر احسان.
- ۲۸- نوروزی، فیض اله و مهناز بختیاری (۱۳۸۸)، مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، ش ۵۳.
- ۲۹- یزدان پناه، لیلا (۱۳۸۶)، موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، ش ۲۶.

## منابع انگلیسی

- Introductory Lecture at the Second National Metropolis Conference, (Breton, Raymond ۲۰۰۲-۲۳). "social Participation and Social Capital ۱۹۹۷".
- 114 - November, Montreal, Quebec, Canada. Voluntary and Social Participation by People of ۱۹۹۷).-Helly, Denis.( immigrant."Paper presented at the Second National Metropolis Conference,
- Hills, Beverly and Mcleod, Jack et all). the effects of discussion ۱۹۹۹), -November, Montreal, Quebec,Canada ۲۰۰۲-۲۳ .
- networks on participation in public frum, communication Research. phd, university of Washington. Crossing-(۲۰۰۴). Henderson,trang cultural participation borders:Vietnamese students in amerrican scienceclassroom, extracted from: <http://proquest.umi.com>  
<https://www.amar.org.ir>.

